



ترویج خانواده با تکنیک های قرآنی

جدول اول

مهدی دانشمند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تربیت، خانواده و سبک زندگی اسلامی

نویسنده:

مهدي دانشمند

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	تربیت، خانواده و سبک زندگی اسلامی جلد ۱
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۲۱	طلوع سخن:
۲۳	فصل اول: تربیت
۲۳	مفهوم تربیت
۲۵	ضرورت تربیت
۲۹	زمان تربیت
۳۲	مراحل تربیت
۳۸	تربیت در ابعاد مختلف زندگی
۳۸	تربیت عواطف
۳۸	اشاره
۳۹	نیازهای عاطفی
۳۹	اشاره
۳۹	محبت و نوازش
۴۱	آرامش
۴۷	شادی
۵۶	تربیت روان
۵۶	اشاره
۵۸	بهداشت و سلامت روان
۶۰	عوامل مؤثر بر سلامت روان
۶۴	نیازهای روانی

۶۴	اشاره
۶۴	حفظ شخصیت و عزت نفس
۶۹	امنیت و اعتماد
۷۱	نیاز به تأیید
۷۳	استقلال
۷۴	آزادی
۷۶	اعتماد به نفس
۸۶	نشانه های ضعف و اختلالات روانی کودکان
۸۷	تربیت گرایش های عالی انسانی دینی در کودک
۸۷	اشاره
۸۸	کمال جویی
۸۹	عدالت خواهی
۹۰	تمایل به زیبایی ها
۹۱	تربیت اجتماعی
۹۳	ارتباطات
۹۳	اشاره
۹۳	مهارت برقراری ارتباط
۹۳	اشاره
۹۴	۱. سلام و احوالپرسی کردن
۹۶	۲. پیش قدم شدن در گفت و گو
۹۶	۳. درک احساس شنونده
۹۸	۴. همدلی کردن
۱۰۰	۵. یافتن نقاط مشترک
۱۰۰	۶. عذرخواهی کردن
۱۰۰	۷. مهارت دوستی
۱۰۱	۸. مهارت مشارکت اجتماعی

۹. مهارت تعامل اجتماعی ----- ۱۰۱
- آموزش برخورد سالم و آداب معاشرت ----- ۱۰۲
- صله رحم و آموزش مهارت‌های اجتماعی ----- ۱۰۵
- آموزش مسؤلیت پذیری به فرزندان ----- ۱۰۷
- دوست یابی و تربیت اجتماعی ----- ۱۱۱
- اشاره ----- ۱۱۱
- راهکارهایی برای دوست یابی کودکان ----- ۱۱۴
- انسان دوستی و کمک به دیگران ----- ۱۲۱
- اخلاق و تربیت اجتماعی ----- ۱۲۳
- اشاره ----- ۱۲۳
- پرورش فضایل اخلاقی ----- ۱۲۴
- اشاره ----- ۱۲۴
- نظم و انضباط ----- ۱۲۵
- آموزش احترام به والدین ----- ۱۲۹
- شکرگزاری ----- ۱۳۲
- حیا، عفاف و حجاب ----- ۱۳۲
- پاکیزگی ----- ۱۳۵
- راست گویی ----- ۱۳۹
- وفای به عهد ----- ۱۴۵
- امانت داری ----- ۱۴۷
- بردباری ----- ۱۴۸
- بخشنده‌گی ----- ۱۵۰
- پرهیز از غیبت ----- ۱۵۲
- پرهیز از تمسخر ----- ۱۵۳
- پرهیز از خود بزرگ بینی ----- ۱۵۵
- دوری از اسراف ----- ۱۵۸

۱۵۹	اطعام و مهمان نوازی
۱۶۰	راه های پرورش فضائل اخلاقی در کودکان
۱۶۰	اشاره
۱۶۱	باور و شناخت ارزش های اخلاقی خود
۱۶۱	تقویت خداباوری
۱۶۱	تقویت ارزش ها و مسائل اخلاقی
۱۶۲	جلوگیری از شکل گیری عادت های ناپسند
۱۶۲	در کمین فرصت های مناسب
۱۶۳	رابطه صمیمانه و محترمانه
۱۶۳	عدم شکاف بین گفتار و کردار
۱۶۴	تکرار و ممارست
۱۶۴	تهیه برنامه عملی
۱۶۴	نظارت اجتماعی
۱۶۸	تربیت دینی
۱۶۸	اشاره
۱۶۹	مسئولیت تربیت دینی فرزند
۱۷۱	زمان آشنایی با مسائل دینی
۱۷۴	آشنایی معارف اسلامی و پیشگیری از انحراف او
۱۷۹	برداشت از مفاهیم دینی و چگونگی پاسخ به پرسش های او
۱۷۹	اشاره
۱۷۹	مفهوم خدا
۱۸۲	مفهوم مرگ
۱۸۶	محبت اهل بیت علیهم السلام
۱۸۷	اعمال عبادی
۱۸۷	اشاره
۱۸۸	نماز خواندن

۱. آگاه کردن کودک از محبت خداوند ۱۹۰
۲. بیان آثار نماز برای کودک ۱۹۱
۳. نقل داستان های شیرین در مورد نماز ۱۹۱
۴. اذان زیبا و نماز خواندن با صدای خوش ۱۹۱
۵. ابراز شادمانی از فرا رسیدن وقت نماز ۱۹۲
۶. آماده سازی وسایل نماز برای کودک ۱۹۲
۷. رعایت حال کودک ۱۹۲
- آموختن قرآن ۱۹۳
- دعا و ذکر ۱۹۴
- روزه گرفتن کودکان ۱۹۶
- حضور در مسجد و اماکن مقدس ۱۹۸
- خلاصه بحث تربیت: ۲۰۱
- منابع و مأخذ ۲۰۷
- مقالات ۲۱۵
- درباره مرکز ۲۱۶

تربیت، خانواده و سبک زندگی اسلامی جلد 1

مشخصات کتاب

تربیت، خانواده و سبک زندگی اسلامی

شناسنامه کتاب

نام کتاب: تربیت، خانواده و سبک زندگی اسلامی

مؤلف: مهدی دانشمند

ناشر:

تیراژ:

نوبت چاپ:

تاریخ نشر:

قیمت:

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

فهرست مطالب

۱۱ طلوع سخن:
۱۳ فصل اول: تربیت
۱۳ مفهوم تربیت
۱۵ ضرورت تربیت
۱۹ زمان تربیت
۲۲ مراحل تربیت
۲۸ تربیت در ابعاد مختلف زندگی
۲۸ تربیت عواطف
۲۹ نیازهای عاطفی
۲۹ محبت و نوازش
۳۱ آرامش
۳۷ شادی
۴۶ تربیت روان
۴۸ بهداشت و سلامت روان
۵۰ عوامل مؤثر بر سلامت روان
۵۴ نیازهای روانی
۵۴ حفظ شخصیت و عزت نفس
۵۹ امنیت و اعتماد
۶۱ نیاز به تأیید
۶۳ استقلال
۶۴ آزادی
۶۶ اعتماد به نفس
۷۶ نشانه‌های ضعف و اختلالات روانی کودکان

۷۷	تربیت گرایشهای عالی انسانی دینی در کودک.....
۷۸	کمال‌جویی.....
۷۹	عدالت‌خواهی.....
۸۰	تمایل به زیبایی‌ها.....
۸۱	تربیت اجتماعی.....
۸۳	ارتباطات.....
۸۳	مهارت برقراری ارتباط.....
۸۴	۱. سلام و احوال‌پرسی کردن.....
۸۶	۲. پیش قدم شدن در گفت‌وگو.....
۸۶	۳. درک احساس شنونده.....
۸۸	۴. همدلی کردن.....
۹۰	۵. یافتن نقاط مشترک.....
۹۰	۶. عذرخواهی کردن.....
۹۰	۷. مهارت دوستی.....
۹۱	۸. مهارت مشارکت اجتماعی.....
۹۱	۹. مهارت تعامل اجتماعی.....
۹۲	آموزش برخورد سالم و آداب معاشرت.....
۹۵	صله رحم و آموزش مهارت‌های اجتماعی.....
۹۷	آموزش مسئولیت‌پذیری به فرزندان.....
۱۰۱	دوست‌یابی و تربیت اجتماعی.....
۱۰۴	راهکارهایی برای دوست‌یابی کودکان.....
۱۱۱	انسان‌دوستی و کمک به دیگران.....
۱۱۳	اخلاق و تربیت اجتماعی.....
۱۱۴	پرورش فضایل اخلاقی.....

۱۱۵	نظم و انضباط.....
۱۱۹	آموزش احترام به والدین.....
۱۲۲	شکرگزاری.....
۱۲۲	حیا، عفاف و حجاب.....
۱۲۵	پاکیزگی.....
۱۲۹	راست‌گویی.....
۱۳۵	وفای به عهد.....
۱۳۷	امانت‌داری.....
۱۳۸	بردباری.....
۱۴۰	بخشنده‌گی.....
۱۴۲	پرهیز از غیبت.....
۱۴۳	پرهیز از تمسخر.....
۱۴۵	پرهیز از خود بزرگ بینی.....
۱۴۸	دوری از اسراف.....
۱۴۹	اطعام و مهمان‌نوازی.....
۱۵۰	راه‌های پرورش فضائل اخلاقی در کودکان.....
۱۵۱	باور و شناخت ارزش‌های اخلاقی خود.....
۱۵۱	تقویت خدا‌باوری.....
۱۵۱	تقویت ارزش‌ها و مسائل اخلاقی.....
۱۵۲	جلوگیری از شکل‌گیری عادت‌های ناپسند.....
۱۵۲	در کمین فرصت‌های مناسب.....
۱۵۳	رابطه صمیمانه و محترمانه.....
۱۵۳	عدم شکاف بین گفتار و کردار.....
۱۵۴	تکرار و ممارست.....

تهیه برنامه عملی.....	۱۵۴
نظارت اجتماعی.....	۱۵۴
تربیت دینی.....	۱۵۸
مسئولیت تربیت دینی فرزند.....	۱۵۹
زمان آشنایی با مسائل دینی.....	۱۶۱
آشنایی معارف اسلامی و پیشگیری از انحراف او.....	۱۶۴
برداشت از مفاهیم دینی و چگونگی پاسخ به پرسش‌های او.....	۱۶۹
مفهوم خدا.....	۱۶۹
مفهوم مرگ.....	۱۷۲
محبت اهل بیت علیهم السلام.....	۱۷۶
اعمال عبادی.....	۱۷۷
نماز خواندن.....	۱۷۸
۱. آگاه کردن کودک از محبت خداوند.....	۱۸۰
۲. بیان آثار نماز برای کودک.....	۱۸۱
۳. نقل داستان‌های شیرین در مورد نماز.....	۱۸۱
۴. اذان زیبا و نماز خواندن با صدای خوش.....	۱۸۱
۵. ابراز شادمانی از فرا رسیدن وقت نماز.....	۱۸۲
۶. آماده‌سازی وسایل نماز برای کودک.....	۱۸۲
۷. رعایت حال کودک.....	۱۸۲
آموختن قرآن.....	۱۸۳
دعا و ذکر.....	۱۸۴
روزه گرفتن کودکان.....	۱۸۶
حضور در مسجد و اماکن مقدس.....	۱۸۸
خلاصه بحث تربیت:.....	۱۹۱

۱۹۷	فصل دوم: شیوه‌های تربیت.....
۱۹۷	۱- تشویق.....
۱۹۹	انواع تشویق.....
۲۰۰	تشویق و تقویت رفتار.....
۲۰۳	نکات لازم درباره تشویق.....
۲۰۶	۲- تنبیه.....
۲۰۶	هدف تنبیه.....
۲۰۷	انواع تنبیه.....
۲۰۹	- قهر کوتاه.....
۲۱۰	- محروم کردن.....
۲۱۰	- ایجاد محدودیت.....
۲۱۱	- تنبیه کلامی.....
۲۱۲	- تنبیه بدنی.....
۲۱۴	روش اهل بیت در تنبیه.....
۲۱۵	اندازه در تنبیه.....
۲۱۵	مراتب تنبیه.....
۲۱۶	۱. نادیده گرفتن.....
۲۱۷	۲. با نرمی و مدارا برخورد کردن.....
۲۱۸	۳- تنبیه بدنی.....
۲۱۹	دیه تنبیه بدنی.....
۲۲۰	آثار تنبیه نامناسب.....
۲۲۲	تنبیه متناسب.....
۲۲۳	تناسب تنبیه با مقدار خطا.....
۲۲۳	تناسب تنبیه با سن.....

- ۲۲۴.....تناسب تنبیه با شخصیت افراد.....
- ۲۲۵.....تناسب تنبیه با جسم.....
- ۲۲۵.....توصیه‌هایی به والدین و مربیان.....
- ۳- تلقین..... ۲۲۷.....
- تلقین مثبت..... ۲۲۷.....
- تلقین منفی..... ۲۳۰.....
- ۴- تقلید..... ۲۳۱.....
- عوامل مؤثر در تقلید..... ۲۳۵.....
۱. چالشی بودن الگو..... ۲۳۵.....
۲. تقویت از سوی دیگران..... ۲۳۵.....
۳. شباهت به دیگران..... ۲۳۶.....
۴. میزان رابطه عاطفی کودک با الگو..... ۲۳۶.....
۵. رسیدن به هدف..... ۲۳۶.....
- الگو بودن برای فرزند..... ۲۳۷.....
- ۵- استفاده از حواس..... ۲۳۹.....
- حس دیداری..... ۲۳۹.....
- حس شنیداری..... ۲۴۱.....
- حس لامسه..... ۲۴۱.....
- ۶- محبت..... ۲۴۲.....
- شیوه‌های ابراز محبت..... ۲۴۳.....
- حدود و شرایط ابراز محبت..... ۲۵۱.....
- ۷- تکریم و احترام به شخصیت..... ۲۵۳.....
- شیوه تکریم در سیره نبوی..... ۲۵۵.....
- برخی از شیوه‌های تکریم کودکان..... ۲۵۹.....

۲۵۹	- سلام کردن به کودک.....
۲۶۰	- هم‌بازی شدن با کودک.....
۲۶۳	- احترام به کودک.....
۲۶۴	عدم تمسخر و توهین.....
۲۶۶	عدم عیب‌جویی از کودکان.....
۲۶۷	خطاب نیکو به کودکان.....
۲۶۸	نقش ارتباط کلامی در احترام به کودکان.....
۲۷۱	۸- بازی.....
۲۷۴	۹- قصه‌گویی.....
۲۷۸	۱۰- پند و اندرز.....
۲۷۹	۱۱- انگیزه دادن.....
۲۸۲	۱۲- عادت دادن.....
۲۸۴	۱۳- ارتباط کلامی و غیرکلامی صحیح.....
۲۸۷	۱۴- مشورت.....
۲۹۱	۱۵- همکاری.....
۲۹۲	۱۶- پرهیز از مقایسه و تبعیض.....
۲۹۵	نتایج سوء تبعیض و مقایسه کردن.....
۲۹۷	فصل سوم: هشت قانون برای سپری کردن تنهایی با خوشحالی.....
۳۰۱	منابع و مآخذ.....

طلوع سخن:

و كلام خداوند احسن الكلام و افضل الكلام و اصدق الكلام و اكمل الكلام و اتم الكلام است

مهدی دانشمند محرم الحرام 1443

ص: 11

«تربیت»، واژه ای عربی به معنای زیادت، فزونی و رشد است؛ این واژه در فرهنگ فارسی پرورش دادن و پروراندن معنا شده؛ و مراد از آن، فراهم کردن زمینه مناسب برای پرورش استعدادهای جسمی، روحی و معنوی است. به نحوی که استعدادهای متناسب با فطرت خدایی او شکوفا و در جهت مطلوب هدایت شود.

«رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده؛ سپس هدایت کرده است!»⁽¹⁾

بنابراین کامل شدن انسان مرهون تعلیم و تربیت مریبان والامقام صورت می پذیرد. هر مربی تنها پس از آنکه به چیستی انسان پی برد و با فلسفه خلقت او آشنایی یافت، می تواند به تعلیم و تربیت وی بیندیشد. مربی ابتدا باید از خود بپرسد که انسان را برای کدام عالم آماده می کند؟ آیا هدف از آموزش و آماده سازی، تنها برای زیستن او در

ص: 13

این دنیاست و یا برای رهسپار شدن به حیات جاوید است؟ همان طور که در حدیث قدسی آمده است:

«عبدی خلقت الأشیاء لأجلک و خلقتک لأجلی» «بنده من، اشیاء را برای خاطر تو خلق کردم و تو را به خاطر خودم». (1)

طبق این حدیث هر انسانی پس از استفاده از نعمت‌های الهی، بایستی گام در راه هدایت الهی بردارد تا به قرب خداوند نائل آید و در این صورت است که بقای واقعی حاصل شده، همان گونه که رسول گرانقدرش (ص) فرمودند:

«إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ» «همانا شما برای بقا آفریده شده اید نه برای نابودی». (2)

نیل به این هدف متعالی مستلزم شناخت تمام نیازهای انسان است تا بتوان نحوه صحیح برآورده ساختن هر کدام از این نیازها را به نوعی در برنامه آموزشی و تربیتی او قرار داد. بنابراین شایسته است که هر مربی، تعریف درستی از تعلیم و تربیت داشته باشد و با توجه به عوامل حاکم بر رشد او یعنی فطرت، وراثت و محیط، تحت آموزش خویش قرار دهد و تربیت کند.

با این توضیحات مشخص می شود که تربیت امری عادی نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت بلکه تربیت عبارت است از:

ص: 14

1- . الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه؛ ص 710.

2- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 133.

«مجموعه ای از تلاش ها، فرصت ها، امکانات، اقدامات و برنامه ها، که از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات صورت می گیرد و هدف از آن بارور سازی هم جانبه توان های بالقوه ی فرد در راستای اهداف متعالی، انسانی و اجتماعی است»⁽¹⁾.

ضرورت تربیت

تربیت از بنیادی ترین موضوعات علوم انسانی و با بسیاری از رشته های دیگر همچون علوم اجتماعی، سیاسی و روان شناسی ارتباط تنگاتنگ دارد و اساس موضوعاتی همچون اخلاق، خودسازی و جامعه سازی را تشکیل می دهد. گستره تأثیرگذاری تربیت در برگیرنده مفاهیمی همچون سعادت فرد و جامعه، تکامل انسان ها، پیشرفت یا عقب ماندگی جوامع و سلامت جسم و روح، می باشد. بنابراین اگر در اولین کانون تربیت که خانواده است، والدین مباحث تربیتی را بشناسند و هدف از آن را به خوبی بدانند، می توانند با به کار گرفتن روش های صحیح، فرزندان خود را به سوی کمال سوق دهند و جامعه را از سعادت حضور آنان بهره مند سازند.

ص: 15

1- ر.ک: اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، احمد به پڑوه، ص 17-19.

مطابق با آموزه‌های دینی، هدف اساسی پیامبران الهی تحقق این آرمان ارزنده الهی برای جامعه است. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد...» (1).

مکتب انسان‌ساز اسلام، بدان سبب که روش های تربیتی آن از چشمه سار وحی الهی سرچشمه می گیرد، کامل ترین مکتب تربیتی محسوب می شود که تنها وسیله بهره مند شدن از این مکتب آیات قرآن کریم، سیره و روایات حضرات معصومین علیهم السلام است. مستشرقان و مورخان بدین نکته اعتراف دارند که نبی اکرم صلی الله علیه وآله و امامان راستین، در سایه تربیت، از انسان های عقب مانده عصر جاهلیت، نام آورانی پاینده به فضایل انسانی تربیت کرده اند که صاحبان بصیرت را به شگفتی می اندازد. امام علی، علیه السلام، در توصیف اوضاع اخلاقی اجتماعی اعراب قبل از اسلام می فرماید:

«وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ، وَفِي شَرِّ دَارٍ، مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارِهِ حُشْنٍ، وَحَيَاتٍ صُمٍّ، تَشْرَبُونَ الْكَلْدِرَ، وَتَأْكُلُونَ الْجَشِبَ، وَتَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ، وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ، وَالْأَنْثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ» (در آن زمان شما ملت عرب، ناشایست ترین دین را

ص: 16

داشتید، و در بدترین خانه ها زندگی می کردید؛ در میان غارها، سنگ های خشن و مارهای سمی خطرناک، به سر می بردید؛ آب های آلوده می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید؛ خون یکدیگر را به ناحق می ریختید و پیوند خویشاوندی را می بُریدید، در میان شما بت ها پرستش می شد و گناهان، شما را فرا گرفته بود». (1)

انسان برای سیر تکاملی خود و فرزندانش مستلزم بر خورداری از یک روش تربیتی کامل است. بر همین اساس ضروری است که والدین در کنار و همگام توجه به سلامت جسم فرزندان خود، در تربیت روح و روان آن ها نیز بکوشند. امام مجتبی، علیه السلام، در مورد ضرورت تربیت روحی فرزندان می فرمایند:

«عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كَوْلَهُ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيَجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُزَكِّيهِ» «تعجب می کنم از کسی که به غذای جسم خویش می اندیشد؛ اما به غذای روح خویش نمی اندیشد. در نتیجه اندرون خویش را از غذاهای زیان بخش در امان نگاه می دارد اما جان خویش را در معرض ناپاکی های قرار می دهد». (2)

پس همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه واله سرلوحه کار خود را تربیت جامعه پیرامون خود قرار داده اند، شایسته است که والدین نیز در جامعه پیرامون خود که همان خانواده است مسائل تربیتی را جدی

ص: 17

1- . نهج البلاغه، خطبه 26.

2- . الدعوات: ص 144 و 145.

بگیرند و به آن اهتمام ورزند چرا که در قرآن جایگاه و منزلت رفیع فرزندان مورد تأکید قرار گرفته و از آنان به عنوان نور چشمان والدین یاد شده است:

«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» «پروردگارا، همسران و فرزندانمان را مایه روشنی چشمانمان قرار ده». (1)

ملاقات هر روزه پیامبر، صلی الله علیه وآله، با حضرت فاطمه الزهراء سلام الله علیها، و همچنین توصیه های امامان معصوم علیهم السلام، در خصوص فرزندان خویش و درخواست سعادت مندی برای آنان، بیانگر آن است که اسلام عزیز به اهمیت دادن والدین به فرزندان تأکید بسیاری دارد. بر این اساس، شایسته است که آشنایان با مبانی دین، از روش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، پیروی کنند و فرزندان خود را در خور جایگاهی بدانند که پیشوایان دین بر آن تأکید می ورزند. بر این اساس شایسته است که برای رشد و تربیت آنان تلاش کنند تا در سایه این تربیت، نسلی سالم و صالح که مورد تأیید اسلام باشند پدیدار شود. بدیهی است که مراحل تربیت به آسانی طی نمی شود. از دعای امام سجاد، علیه السلام، می توان به اهمیت این مسأله پی برد. ایشان در دعای خویش می فرمایند:

ص: 18

«أَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرَّهِمْ» «خدایا، مرا یاری کن تا آنان (فرزندانم) را تربیت کنم و به آنان ادب بیاموزم و در حقشان نیکی کنم». (1)

زمان تربیت

پیش از آنکه تولد صورت گیرد، تربیت آغاز می شود؛ چراکه اکثر صفات روحی والدین در چگونگی شخصیت فرزندان موثر است. بر این اساس ضروری است که پدر و مادر قبل از آنکه تصمیم بگیرند صاحب فرزند شوند، در پالایش روح و پاکیزه ساختن نفس و اخلاق خویش بکوشند. همانطور که پیامبر اعظم صلی الله علیه واله فرمودند:

«تزوجوا فی الحبر الصالح فإن العرق دسّاس» «با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا ژن و خون اثر دارد». (2)

و همچنین به فرموده امام علی علیه السلام:

«حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ» «سجایای اخلاقی نشان و دلیل پاکی وراثت است». (3)

براین اساس برای آنکه روش های تربیت تأثیرگذار واقع شود، باید بسیار زودتر از آنچه امروزه عموم فکر می کنند به تربیت فرزندان همت

ص: 19

1- . صحیفه سجادیه، دعای 25 دعائه لولده.

2- . الوافی، ج 3، ص 706.

3- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 254.

گماشت؛ چرا که تربیت قبل از بارداری آغاز و در دوران کودکی و جوانی ادامه پیدا می‌کند و همچنین شایسته نیست دوران حساس کودکی در خلأ آموزش های تربیتی طی شود. در حقیقت یکی از نکات مهم در تربیت، شتاب در آموزش و تربیت کودک است؛ چرا که درسین کودکی، زمینه های یادگیری و تربیت بیشتر از دیگر مراحل عمر فراهم است. امیرمؤمنان علی علیه السلام، خطاب به فرزند خود امام حسن مجتبی علیه السلام، می فرماید:

«پسرم، هنگامی که دیدم سالیانی بر من گذشت و توانایی ام رو به کاستی نهاد، به نوشتن این وصیت نامه شتاب کردم و در آن، ارزش های اخلاقی را برای تو برشمردم، پیش از آنکه اجل فرا رسد، و رازهای درونم را به تو منتقل نکرده باشم، یا در اندیشه ام کاستی پدید آید؛ چنانکه در جسمم پدید آمد، و پیش از آنکه خواهش ها و دگرگونی های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش و اطاعت برای تو مشکل شود؛ زیرا قلب نوجوان چونان زمینی کاشته نشده، آماده ی پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول شود، تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را کشیده اند و تو را از تلاش و یافتن بی نیاز ساخته اند و آنچه از تجربیات آن ها نصیب ما

شد، به تو هم رسیده و برخی از تجربیاتی که بر ما پنهان مانده بود برای تو روشن شود». (1)

شایسته است که والدین نیز با پیروی از کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، انعطاف پذیری کودک خویش را مغتنم بشمارند و پیش از آن که شخصیت وی شکل گیرد، به تربیت کردن او پردازند. دوران کودکی بهترین زمان برای فراگرفتن راه درست زندگی است؛ چراکه در این دوران قدرت تقلید، اقتباس و یادگیری کودکان بسیار زیاد است. کودکان در این زمان تمام حرکات و گفتار اطرافیان خود را به دقت، در حافظه خویش ضبط می کنند. از امام علی علیه السلام است که:

«مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ» «آن که در کودکی نیاموزد در بزرگی از دگران سبقت نجوید». (2)

بنابراین، هم زمان با رشد و تکامل جسم کودک باید روح او را در مسیر رشد قرار داد تا صفات پسندیده در وجودش ظاهر شود. کودکانی که به شیوه درست تربیت نمی شوند، صفات اخلاقی آنان در بزرگ سالی به سختی تغییر می یابد. سعادت مندترین افراد کسانی هستند که از آغاز همراه با پرورش درست، رشد کنند و صفات برجسته، روح آنان را تحت تأثیر خویش قرار دهد. کودکان همانند نهال کوچکی هستند که

ص: 21

1- . نهج البلاغه، نامه 31.

2- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 649.

باغبان به آسانی می تواند آنان را به هر سمتی که بخواهد متمایل سازد؛ ولی چون نهال تُرد به درختی که نسال بدل شد، انعطاف پذیری آن نیز از بین می رود و اصلاح آن بسیار دشوار خواهد بود.

به فرموده امام حسن عسکری علیه السلام:

«رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ» «برگردان شخص از کاری که به آن عادت کرده چیزی شبیه معجزه خواهد بود.» (1)

مراحل تربیت

تربیت انسان شامل مراحل مختلفی است. چرا که استعداد یادگیری آدمی در سنین مختلف یکسان نیست. پس لازم است برای همسانی و اثرگذاری تربیت با استعدادهای فطری انسان در هر مرحله ای از رشد استعدادهای نوع خاصی از تربیت اعمال شود.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره است که:

الوله سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین» «فرزند در هفت سال اول سرور است (یعنی باید آزاد باشد و کاری خلاف میل او به وی محول نشود) و هفت سال بنده است (یعنی باید تبعیت کند و زیر نظر اولیا و معلمان تربیت شود و دانش بیاموزد) و در هفت سال سوم مشاور پدر و مادر و دیگران است.» (2)

ص: 22

1- . تحف العقول، ص 489.

2- وسائل الشیعه، ج 21، ص 479.

با توجه به اهمیت هفت سال نخست زندگی در رشد و تکوین آدمی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این دوره را دوره سیادت و سروری وی دانسته اند.

همچنین از امیر المؤمنین علیه السلام است که:

«یری الصب سبعة و یؤدب سبعة و یتخدم سبعة و منتهی طوله فی لاث و عشرین سنه و عقله فی خمس و ثلاثین سنه و ما کان بعد ذلک فبالتجارب» «کودک هفت سال پرورش می یابد و هفت سال بعد ادب می آموزد و هفت سال دیگر به خدمت گمارده می شود؛ و تا بیست و سه سالگی قد می کشد و در سی و پنج سالگی خردمند می شود و از راه تجربه می آموزد»⁽¹⁾.

البته اینکه گفته می شود در این مرحله لازم است طفل را آزاد گذاشت بدین معنی نیست که آزادانه هر کاری را که بدان تمایل دارد انجام دهد چنان که حتی خود یا دیگران را به خطر بیندازد، در حقیقت مراقبت از کودکان امری حیاتی است چرا که قدرت دفاع از خود و یا درک این موضوع را که چه چیزی برای آنان مفید یا زیان بخش است، را ندارند.

از امام کاظم علیه السلام در این زمینه است که:

ص: 23

1- من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 493.

«یستحب غرامه الغلام فی صغره لیكون حلیمًا فی کبره» «خوب است که فرزند پسر در کودکی سرکش باشد، تا در بزرگسالی بردبار شود» (1).

ضروری است که والدین کودک خود را بشناسند و با تمام ویژگی های جسمی، روحی، فکری و... وی آشنا شوند. علاوه بر این، آنها باید نسبت به هدف و خط مشی تربیت آگاهی داشته باشند و سیر تربیتی کودک خویش را در یابند.

والدین بهتر است در این دوره از طریق آموزش غیر مستقیم و غیر ملموس کودک خود را تربیت کنند. تکرار این نکته خالی از لطف نیست که کودکان پیش از آنکه از گفتار ما بیاموزند، از کردار ما یاد می گیرند.

طبق فرمایش پیامبر اعظم صلی الله علیه واله:

بروا آباءکم تبرکم أبناؤکم» «با پدران خود نیکی کنید تا فرزندانان با شما نیکی کنند» (2).

هفت سال دوم زندگی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هفت سال دوم زندگی را که زمان ادب آموزی کودکان است، دوره‌ی خدمت‌گزاری و فرمانبری و حضرت علی علیه السلام آن را دوره ادب آموزی کودک معرفی می کنند. اطاعت و حرف شنوی از ویژگی های این مرحله به شمار می رود. به

ص: 24

1- وسائل الشیعه، ج 21، ص 479.

2- نهج الفصاحه؛ ص 373.

همین خاطر تعلیم و تربیت و عادت دادن به ویژگی های صحیح رفتاری باید با جدیت بیشتری در این مرحله صورت گیرد. در این دوره، رشد جسمی کودک خاصه از نظر تکامل مراکز عصبی به جایی رسیده است که می تواند به تحریکاتی که از خارج دریافت می کند پاسخهایی کاملاً مناسب بدهد. کنجکاوی کودک که پیش از این هدفمند نبود، اینک به صورت جست و جویی جهت دار و هدفمند در آمده است علاوه بر این، کودک در این دوره غالباً از فعالیت های خود، نتیجه مطلوب به دست می آورد و می تواند به طرز فکر بزرگسالان پی ببرد.

گردن نهادن به درخواست های منطقی از ویژگی های این دوران است. این دوران خود به دو دوره قابل تقسیم است:

تفکر کودکانه

- از نظر علمی به هفت تا نه سالگی دوره‌ی تفکر منطقی می گویند.

تفکر منطقی به تفکری می گویند که مستدل و مرتبط با منطق و دلیل باشد. کودکان در این سن فکر و ذهنشان، درباره کیفیت زندگی و پیدایش حیات بیدار می شود. درباره مسائل مربوط به خودشان می اندیشند و مطالبی را با عبارات کودکانه می پرسند که تا حدودی نشانگر پرسه زدن ذهن آنان در مسائل مبدأ و معاد است. پدر و مادر باید در این زمینه و به گونه ای هوشیار باشند به سؤالات آنها جواب مناسب دهند تا یادآور کننده ی هدفمند بودن نظام خلقت باشد.

برهان پذیری

ص: 25

- به نه تا دوازده سالگی دوره‌ی برهان پذیری گفته می‌شود. در این دوره کودک، قادر به عرضه‌ی برهان و دفاع از آن نیست اما استدلال‌های منطقی دیگران را به راحتی می‌پذیرد. مثلاً اگر از او پرسند که چرا دیروز لباس همکلاسی ات را کشیدی تا پاره شد؟ گریه می‌کند که من لباس او را پاره نکردم او نمی‌تواند دلیل بیاورد که مثلاً من دیروز مسافرت بوده‌ام و چگونه می‌توانستم لباس دوستم را پاره کنم؟ حالا اگر والدین آوردن این دلیل را به او یاد دهند که او دیروز مشهد بوده است و تازه دیشب از مشهد برگشته و اصلاً دوستش را ندیده، قانع می‌شود و به راحتی برهان مذکور را می‌پذیرد.

کودک در این دوران هفت ساله ضمن اینکه بازی از فعالیت اساسی او به شمار می‌رود، انجام دادن کار و فعالیت یادگیری نیز در رفتار وی پدیدار می‌شود. در این دوره تغییرات بسیاری در روحیه کودکان به وجود می‌آید که از آن جمله می‌توان رسیدن به آرامش نسبی و سهولت سازگاری با شرایط محیطی را مثال زد. علاوه بر این تمایل به خردورزی، آموختن دانش و کسب آداب معاشرت از ویژگی‌های این دوره است که این خصیصه آخر، خود بیانگر رویکرد کودکان به زندگی اجتماعی در این دوره است.

به همین خاطر هفت سال دوم زندگی بهترین فرصت برای آموزش ارزش‌ها و تربیت کودک بر اساس فضیلت‌های اخلاقی اوست؛ علت این امر نیز آن است که کودک در این زمان به بازیگوشی دوره اول را

دارد و نه درگیر مشکلات دوره بلوغ و نوجوانی. او در این دوره تا حدودی خوبی‌ها و بدی‌ها را درک می‌کند، اما از آنجا که هنوز به رشد کافی عقلانی نرسیده است، نیازمند آن است که آگاهی یابد و تحت تربیت مستقیم قرار گیرد.

کشف و شناسایی استعداد فرزندان

از امام صادق علیه السلام است که:

الاس معادن كمعادن الذهب و الفضة» مردم، معدن‌هایی همانند معادن طلا و نقره اند» (1).

همان‌گونه که معادن انواع گوناگون دارند، در وجود افراد مختلف نیز استعدادهای گوناگونی نهفته است که شناسایی آنها به منظور اتخاذ روش‌های تربیتی مناسب، ضرورت دارد.

در طول زندگی افراد بسیاری از استعدادها، حتی برای خود آنان، ناشناخته می‌ماند. بنابر این وظیفه پدر و مادر و مربی است که با توجه به، رفتار و گفتار کودکان، استعدادهای نهفته آنان را دریابند، پرورش و هدایت دهند و زمینهی شکوفایی آن را فراهم سازند.

مطالعه کتاب‌های تربیتی و روان‌شناسی، مشورت با اهل فن و کمک گرفتن از آنان، در این زمینه، ضروری است.

ص: 27

تربیت در ابعاد مختلف زندگی

تربیت یکی از پایه های مهم سعادت انسان محسوب می شود و از جمله اصولی است که در ابعاد مختلف زندگی آنها به کار می رود. تربیت در هر یک از این بُعدها، ویژگی ها و کاربردهای مختلفی دارد که در ادامه به آن پرداخته می شود.

تربیت عواطف

اشاره

منظور از عواطف جنبه هایی هستند که مرکز آن قلب است و همه امور مربوط به محبت و کینه را شامل می شود. (1)

با بروز هر یک از حالات عاطفی مانند مهر و محبت، شادی و غم، ترس و جرأت، خشم و نفرت، کینه و حسادت، بغض و اندوه، امید و یأس در انسان ظواهر و عوارضی ایجاد می شود. عواطف از نظر درونی انسان را خوشحال و یا متأثر می کند و انسان را به واکنشی خاص وا می دارد.

عواطف از ابتدای کودکی در انسان وجود دارد و رشد می کند. عواطف نامطلوبی مانند ترس، خشم، حسادت اثرات منفی در رشد کودک دارند و عواطف مطلوبی مانند محبت، شادی، لذت و کنجکاوی برای رشد طبیعی کودک ضروری هستند. البته توجه به این نکته نیز لازم است که وجود عواطفی نظیر ترس و خشم برای حفظ و بقای

ص: 28

حیات آدمی مفید هستند اما به این شرط که در حد اعتدال باشند. بنابراین تربیت بعد عاطفی نیز به گونه ای که انسان بتواند از عواطف و احساساتش به نحو مطلوب و در حد اعتدال استفاده کند، اهمیت می یابد.

نیازهای عاطفی

اشاره

از جمله نیازهای انسان که در رشد و تعالی جنبه های فیزیکی و جسمی وجود او، بسیار اثربخش است، نیازهای عاطفی و احساسی است. بی توجهی به این نیازها، به خصوص در دوران کودکی و نوجوانی، ممکن است به ناهنجاری های اجتماعی، افسردگی، خلاء شخصیت، فرار از خانه و ... منجر شود. بنابراین از وظایف بسیار مهم والدین در تربیت کودکان، توجه به نیازهای عاطفی و تلاش برای ارضاء و برآورده کردن آن ها است؛ چرا که ارضاء این خواست ها و نیازها، در هر مرحله اساس پیشرفت به مرحله بعدی و رشد شخصیت سالم کودک را فراهم می کند.

از مهم ترین نیازهای عاطفی و احساسی محبت و نوازش، آرامش و شادی است که در ذیل به آن ها پرداخته می شود:

محبت و نوازش

یکی از نیازهای عاطفی که ارتباط نزدیکی با شخصیت انسان دارد و آثار آن در رفتار افراد، به خصوص کودکان ملموس است، محبت است.

اگر کودک احساس کند که والدین دوستش دارند و او را همان طور که هست می پذیرند، احساس ارزشمندی می کند و از طرفی امنیت روانی و نیاز عاطفی کودک برآورده می شود.

اشخاصی که در کودکی، در محیط خانواده از محبت والدین به خصوص مادر محروم بوده اند، ممکن است در بزرگ سالی از شخصیت سالمی برخوردار نباشند.

محبت به کودک در بسیاری از روایات نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. از جمله:

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

«لَيْسَ مِنْ مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُوقِرْ كَبِيرَنَا» «کسی که به کودکان رحم نکند و حرمت بزرگ سالان را به جای نیاورد از ما نیست» (1).

آن بزرگوار به فرزندان خود بسیار ابراز محبت و علاقه می کرد و مکرر آنان را می بوسید.

در روایتی آمده است:

«كَأَنَّ النَّبِيَّ (ص) يَقْبَلُ الْحَسَنَ فَقَالَ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنَ الْوَالِدِ مَا قَبَلْتُ أَحَدًا مِنْهُمْ فَقَالَ (ص) مَنْ لَا يَرْحَمْ لَا يُرْحَمْ» رسول خدا صلی الله علیه وآله در حال بوسیدن حسن و حسین علیهما السلام

ص: 30

بودند، که شخصی به نام اقرع بن حابس به ایشان گفت: من ده فرزند دارم که هیچ یک از آن ها را هرگز نبوسیده ام!

پیامبر فرمود: «کسی که مهربانی نکند، مهر و محبت نخواهد دید». (1)

امام حسین علیه السلام همچنان که از خانواده خود عشق و محبت آموخته بود در بذل آن به فرزندان و تقویت شخصیت آنان دریغ نمی ورزید.

عبدالله بن عتبه می گوید:

روزی در محضر سیدالشهداء علیه السلام بودم که فرزند کوچک آن حضرت، امام سجاد علیه السلام وارد شد، امام او را پیش خواند و به سینه اش چسبانید، پیشانی او را بوسیده و گفت:

«بِأَبِي أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحًا وَ أَحْسَنَ خَلْقًا» «پدرم به فدایت چقدر خوشبو و زیبایی!». (2)

مهرورزی والدین ضامن سلامت روانی و تعادل عاطفی کودک است. شاید دلیل سفارش های بسیار اسلام به بوسیدن فرزندان نیز در همین نکته مهم نهفته باشد.

آرامش

افراد در برابر محرک های ناخوشایند واکنش ها و رفتارهای متفاوتی نشان می دهند، برخی سعی می کنند با آن محرک مواجه نشوند؛ مثلاً

ص: 31

1- . بحار الأنوار، ج 43، ص 295.

2- . کفایه الأثر، ص 234.

دانش آموزی که می ترسد در امتحان نمره پایینی کسب کند از حضور در جلسه امتحان اجتناب می کند.

بسیاری دیگر با آن محرک ناخوشایند درگیر می شوند و با خشم و عصبانیت برخورد می کنند؛ به عنوان مثال اگر کسی به آن ها توهین کند می خواهند با او مقابله به مثل کنند و یا می خواهند محرک را محو کنند و با او درگیر شوند. در مواجهه با پدیده ها و حوادثی که مطلوب فرد نیستند روش دیگری نیز وجود دارد که معمولاً کمتر افراد به آن توجه می کند و آن برخورد کردن همراه با آرامش و طمأنینه است. آرامش موضوعی است که همواره مورد توجه بشر بوده است و برای دست یابی به آن تلاش بسیاری کرده است ولی در بسیاری از مواقع به جای آرامش به آسایش دست یافته است. آسایش در نتیجه امکانات و رفاه مادی حاصل می شود در حالی که مادیات لزوماً منجر به آرامش نمی شوند.

آرامش یکی از نیازهای روانی انسان و به ویژه کودکان است. پدر و مادر باید سعی کنند زمینه ساز آرامش فرزندان خود باشند و با روش ها و تکنیک هایی که منجر به آرامش می شود این نیاز کودکان را تأمین کنند.

قرآن یکی از بهترین راه های کسب آرامش را یاد خدا معرفی می کند. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» «تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد».(1)

بنابراین اگر والدین با تربیت دینی خود فرزندی با ایمان پرورند که همواره به یاد خداست که در کارهایش توکل و توسل دارد می تواند زمینه ساز آرامش در او باشند.

یکی دیگر از راه های کسب آرامش این است که فرد کسانی را در زندگی داشته باشد که بتواند با آن ها رابطه صمیمی برقرار کند و به راحتی و بدون ترس از اینکه مورد قضاوت، سرزنش و یا تمسخر قرار گیرد با آن ها درد دل کند و احساسات منفی و یا مثبت را با آن ها در میان گذارد و به این ترتیب تخلیه هیجانی و احساسی شود.

بهترین منبع صمیمیت برای کودکان پدر و مادر و مخصوصاً مادر است. کودک برای آرامش داشتن نیازمند رابطه صمیمی با والدین خویش می باشد. البته بعضی از والدین به رابطه صمیمی با فرزند خود توجه ندارند و به محض اینکه فرزندشان موضوعی را با آن ها در میان گذاشت او را مورد سؤال و سرزنش و تحقیر قرار می دهند.

وقتی کودکی در حضور مادر گریه می کند و یا بهانه می گیرد در واقع می خواهد در حضور مادر احساسات منفی اش را تخلیه کند. حال اگر مادر کودک را بپذیرد می تواند به او آرامش دهد. در غیر این

ص: 33

صورت مادر با رفتارها و گفتارهای نادرستی نظیر ترساندن کودک و گفتن عبارتی نظیر «وقتی بابات آمد به او می گویم چقدر گریه کردی و اذیتم کردی» باعث بر هم خوردن این صمیمیت می شود و کودک یاد می گیرد که این صمیمیت مشکلات دیگری در پی دارد بنابراین بهتر است صمیمی نشود.

پس شایسته است والدین برای ایجاد آرامش در کودکان آن ها را بپذیرند و صمیمانه با آن ها رفتار کنند تا آن ها بتوانند به راحتی و بدون ترس مشکلات و مسائلشان را با آنان مطرح کنند.

از دیگر روش هایی که منجر به آرامش می شود مراقبت است. کودک از همان بدون تولد به مراقبت و نگهداری نیاز دارد و این نیاز تا اواخر عمر با او خواهد بود. معمولاً تمام والدین از فرزندان خود مراقبت می کنند ولی در برخی این مراقبت قوی تر است و در برخی دیگر ضعیف تر. در مراقبت باید به تمام نیازهای اساسی کودک (جسمانی و روانی) توجه شود، وقتی مادر به کودک با عشق و علاقه غذا می دهد، کودکی که با اشتیاق موضوعی را تعریف می کند و مادر به دقت به او گوش می دهد، مادری که وقتی فرزندش از مدرسه بر می گردد و با آغوش باز و چهره ای گشاده به استقبال او می رود، وقتی کودکی از موضوعی ناراحت است و مادر با او همدلی می کند و... همه این ها به گونه ای مراقبت از کودک است که آرامش روحی و جسمی او را در پی خواهد داشت.

نوازش کودک از موارد دیگری است که باعث آرامش او می شود. پدر و مادر می توانند با نوازش جسمانی نظیر بوسیدن، دست روی سر او کشیدن و در آغوش گرفتن او یا با نوازش کلامی نظیر استفاده از جملات محبت آمیز او را مورد تقدیر قرار دهند و بدین ترتیب آرامش او را تأمین کنند.

البته باید توجه داشت مراقبت های بیش از حد از کودکان باعث می شود آنها افرادی لوس و پرتوقع تربیت شوند.

از دیگر راه های انتقال آرامش به کودکان، بازی است. بازی یکی از نیازهای اساسی کودکان به شمار می رود و حتی در تمام مراحل عمر (البته با شدت کمتری) ادامه می یابد. بازی دارای کارکردها و تأثیرات متفاوت است که هر یک از این کارکردها به جنبه ای از زندگی کودک مربوط می شود. در صورتی که به این کارکردها توجه گردد، کودک برای ورود به زندگی بزرگسالی آماده می شود. برای به دست آوردن نتیجه بهتر از بازی، باید به مسائلی از جمله شرایط بازی، آزادی کودک در بازی، اسباب بازی های مورد استفاده کودک و مدت زمانی که به بازی با کودک اختصاص داده می شود اهمیت داد.

می توان گفت مهم ترین کارکرد بازی های غیر رایانه ای، ایجاد آرامش در کودکان است. ورزش، تفریح و بازی (مخصوصاً آب بازی و گِل بازی) بهترین و مؤثرترین راه انتقال آرامش است.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که:

یکی از عواملی که به شدت آرامش کودک را به هم می زند رقابت منفی است. متأسفانه رقابت‌های منفی در بین افراد روز به روز در حال افزایش است و افراد برای رسیدن به مواردی همچون مدارج تحصیلی بالاتر و یا جایگاه اجتماعی برتر با هم به رقابت می پردازند. کودکان نیز از این امر مستثنی نیستند؛ به عنوان مثال تعداد روز افزون مدرسی که برای ثبت نام دانش آموزان امتحان ورودی می گیرند نمونه بارز این مطلب است.

پدر و مادران نیز معمولاً کودکان خود را خواسته یا ناخواسته وارد این رقابت‌ها می کنند. در حالی که بسیاری از کودکان تحمل چنین رقابت‌هایی را ندارند و دچار تشویش و نگرانی می شوند. به طور کلی در هر امری که مسأله رقابت و برد و باخت مطرح باشد، نگرانی نیز وجود دارد. بنابراین حتی آرامشی که می تواند در سایه لذت بازی حاصل شود، در صورتی که بازی به میدان رقابت تبدیل شود مختل می گردد.

پدر و مادر باید برای ایجاد آرامش در کودکان حتی الامکان آن‌ها را از میدان‌های این گونه رقابت‌ها خارج کنند.

ص: 36

آنچه می تواند جایگزین رقابت شود رفاقت، همکاری، همدلی و مشارکت و مشورت است. اگر کودکان روحیه تعاون و همکاری و همدلی پیدا کنند می توانند از ناآرامی ناشی از این رقابت‌ها رهایی یابند.

شادی

یکی از بهترین مهارت های زندگی، توانایی شاد زیستن و شاد بودن است که والدین می توانند آن را به فرزندان خود هدیه دهند. در آموزه های اسلامی، به این نیاز روانی و عاطفی مهم در کودکان تصریح شده است؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «إن فی الجنة دارا يقال لها دار الفرح، لا یدخلها إلا من فرح الصبیان» «خانه ای در بهشت است که به آن خانه شادی می گویند. جز کسی که کودکان را شاد کرده باشد وارد آن نمی گردد».⁽¹⁾

باید از همان سال های اولیه زندگی، شاد زندگی کردن را به کودکان آموخت؛ چرا که شادی کودکان موجب تقویت روحیه، انگیزه، عزت نفس و ... می شود. علاوه بر این کودکان موفق، اغلب بچه های شادی هستند. فشار بیش از اندازه به بچه ها برای گرفتن نمرات عالی در مدرسه یا انجام دادن کارهای منزل آن ها را از یادگیری چگونه شاد بودن محروم می سازد.

بچه ها برای شاد بودن نیازمند فعالیت های آزاد و اوقات فراغت هستند. بنابراین والدین در هنگام برنامه ریزی برای فعالیت های روزانه

ص: 37

فرزندان، از انباشتن فعالیت های زیاد در برنامه روزانه خودداری کنند، گاهی اجازه دهند فرزندان آزادانه بازی کنند و تخیلاتشان راهنمای آنها در انتخاب فعالیت هایشان باشد.

شیوه های افزایش شادمانی

برخی افراد نمی توانند شاد باشند و بالطبع نمی توانند به دیگران شادی منتقل کنند در حالی که برای شاد بودن امکانات زیادی لازم نیست و به سادگی می توان شادی را ایجاد کرد. در ادامه به نمونه های از روش هایی که در ایجاد شادمانی و افزایش آن مؤثر است، اشاره می شود:

- بیان احساسات

یکی از راه های ایجاد شادی بیان احساسات، مخصوصاً احساسات منفی است. در یک خانواده شاد، همه اعضای خانواده فرصت بیان و تخلیه احساسات خود را دارند. در این خانواده گریه ی بچه ها، انتقاد از یکدیگر و یا حتی غر زدن موضوعی منفی تلقی نمی شود بلکه به عنوان بیان احساس پذیرفته می شود و اعضای خانواده خود را موظف می دانند به بیان احساسات سایر اعضای خانواده گوش فرا دهند. اگر امکان بیان احساسات وجود ندارد می توان احساسات منفی خود را نوشت و بعد آن را پاره کرد. به همین ترتیب می توان کودکان را تشویق کرد تا احساسات خود را در قالب نوشته یا نقاشی بیان کنند.

ص: 38

خوش بینی به معنی مثبت نگری و دیدن وجوه مثبت زندگی یکی از عوامل مؤثر در شادابی و رهایی از گناهان است. چنانکه امام علی علیه السلام می فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ يُخَفِّفُ الهمَّ وَ يُنَجِّي مِنَ تَقَلُّدِ الإثمِ»

خوش بینی اندوه را می کاهد و [آدمی را] از افتادن در بند گناه، می رهاند. (1)

در خانواده هایی که غیبت رواج دارد و پدر و مادر به راحتی درباره ی دیگران بدگویی می کنند، همچنین در خانواده هایی که سرزنش کردن و عیب جویی رایج است معمولاً بدبینی و بدگمانی بین اعضا آن از جمله ی کودکان بیشتر است.

چه خوب است والدین بکوشند از عیبجوی دیگران پرهیز کنند تا بتوانند فرزندان خوش بین تربیت کنند. برای این منظور ابتدا باید خود به عنوان الگوی فرزندان افراد خوش بین و دارای حسن ظن باشند و از صفات مذمومی همچون بدگمانی، سوء ظن، غیبت و عیب جویی، پرهیزند.

از امام علی علیه السلام است که:

«حُسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ القَلْبِ وَ سَلَامَةُ البَدَنِ» «خوش بینی، مایه آسایش دل و سلامت بدن است». (2)

ص: 39

1- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 344.

2- . همان.

افراد ناراضی و ناخشنود بر حوادث منفی زندگی متمرکز می شوند، در حالی که افراد شاد به وقایعی می اندیشند که چشم انداز بهتری نسبت به آینده به آن ها می دهد.

برای افزایش خوش بینی گام هایی وجود دارد که می توان آن ها را به کار گرفت. گام اول مثبت اندیشی و مثبت نگری است. پدر و مادر می توانند برای ایجاد و تقویت خوش بینی در فرزندان به آن ها تمرین مثبت دیدن بدهند؛ برای مثال از کودک خود بخواهند ویژگی های خوب و مثبت اطرافیان یا سفرهایی که رفته اند را برشمرند. قدم بعدی برای افزایش خوش بینی، تمرکز بر حوادث مثبت زندگی حتی در شرایط سخت است.

مرحله بعد، خوش بینی نسبت به ویژگی های مثبت و توانایی های خود فرد است. گام بعد، خوش بینی نسبت به آینده است. اینکه فرد آینده خود را چگونه ارزیابی کند. خوب، بد یا نامعلوم. افراد خوش بین معمولاً موقعیت های نامعلوم را خوب ارزیابی می کنند و خوب می بینند. لازم به ذکر است خوش بینی با خوش خیالی تفاوت دارد. در خوش خیالی واقعیت ها نادیده گرفته می شود در حالی که در خوش بینی ویژگی های مثبت امور مد نظر قرار می گیرد.

- فعالیت جسمانی

معمولاً افرادی که فعالیت جسمانی دارند انسان های شادی هستند. می توان گفت بین فعالیت جسمانی و شادمانی رابطه مستقیمی وجود

دارد. یعنی افراد فعال تر شادتر نیز هستند. فعالیت می تواند از نوع سرگرمی یا کارهای معمول روزانه باشد. نظیر انجام تکالیف مدرسه، انجام امور شخصی، ورزش، کارهای مختلف منزل و... پس برای شادی بیشتر بهتر است فعالیت های گوناگون انجام داد.

- روابط اجتماعی

از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است، روابط اجتماعی در افزایش شادمانی و سلامت روانی افراد تأثیر بسزایی دارد. از این رو افرادی که روابط اجتماعی گسترده ای دارند میزان بروز بیماری ها در آن ها کمتر است و در صورت ابتلا به بیماری بهبود آن ها سریع تر خواهد بود. پس شایسته است والدین به فرزندشان کمک کنند تا آنان ارتباطات دوستانه ای با دیگران ایجاد کرده، آن را حفظ و گسترش دهند زیرا داشتن ارتباطات قوی و مهارت برقراری آن از شروط اصلی شاد زیستن در آینده است.

- صمیمیت

در روابط اجتماعی، نوعی از روابط وجود دارد که بسیار عمیق هستند این رابطه می تواند با خانواده یا فامیل، دوستان باشد. در رابطه های صمیمانه به سبب اعتمادی که بین افراد وجود دارد می توانند به راحتی افکار و احساسات خود را تخلیه کنند و در صورتی که نیاز به حمایت باشد به این رابطه پناه برند. به همین خاطر وجود این روابط

باعث شادمانی افراد می شود. دیدن فرد صمیمی، انسان را خوشحال می کند و در مواقع بحران، گفت وگو با چنین افرادی باعث شادی و آرامش می شود.

- خلاقیت

ذهن خلاق داشتن در تحصیل، شغل و کار باعث می شود که فرد احساس کسالت نداشته باشد و همیشه به دنبال راه حل های تازه و نو برای حل مسائل باشد. همین رفتار باعث ایجاد شادی و سرزندگی می شود.

- کاهش توقعات

میزان انتظار انسان از خود و دیگران باید واقع بینانه باشد. خواسته هایی که فرد از خود یا دیگران دارد اگر فراتر از انتظار باشد و به گونه ای باشد که برآورده نشود، باعث ناراحتی، سرخوردگی و نگرانی او می شود.

به هر حال کاهش توقع از خود، دیگران، زندگی، آینده و ... می تواند در ایجاد شادمانی سهم موثری داشته باشد.

- خود واقعی داشتن

اگر انسان ضعف ها و نقص های خود را بشناسد و بپذیرد نیازی به نقش بازی کردن و پنهان کردن خود واقعی ندارد. همچنین دیگر نگران

قضاوت از جانب دیگران نمی شود. بنابراین خود واقعی داشتن شرایط شادی در زندگی فرد فراهم می کند.

- برنامه ریزی و سازمان دهی

سردرگمی ناشی از بی برنامهگی آشفتگی می آورد و این آشفتگی از شادی انسان می کاهد. برای رفع چنین مشکلی ابتدا باید به شناخت امور حیاتی زندگی مشغول شد و بعد با برنامه ریزی های صحیح به انجام آن ها پرداخت. برنامه ریزی می تواند بلند مدت یا کوتاه مدت باشد. مهم، داشتن برنامه است. برنامه ریزی های تحصیلی، شغلی و... فرد را از سرگردانی، تشویش و فشار رها می سازد. همین امر باعث افزایش شادمانی او در زندگی می شود.

- زندگی در زمان حال

ذهن اکثر افراد نمی تواند در زمان حال سیر کند و همین امر شادی را از آن ها سلب می کند. بسیاری از مواقع فشارهای گذشته و نگرانی های آینده این اجازه را به ذهن نمی دهد که در حال سپری شود. این حالت ناشی از افکار است. با تمرین کردن و تمرکز حواس می توان افکار را کنترل کرد، به آن ها جهت بخشید و افکار مزاحم را کنار زد، تا فرد بتواند در حال زندگی کند. به این ترتیب با کنترل افکار مزاحم و زندگی در زمان حال، می توان شادی و نشاط را ایجاد کرد.

ص: 43

روزانه در زندگی انسان ها افکار نگران کننده زیادی نظیر احتمال به وجود آمدن بیماری، فوت عزیزان، قبول نشدن در امتحان، نگرانی از اختلاف والدین و مشکلات مالی وجود دارد که اهمیت دادن و پرداختن به آن ها می تواند همه ی شادی ها را از بین ببرد. کودکان باید بدانند که مشکلات همیشه در زندگی وجود دارد ولی باید به صورت منطقی با آنها برخورد کرد. بسیاری از مردم قبل از آنکه با مشکلی روبرو شوند، هراس روبرو شدن با آن مشکل آنان را از پای در می آورد به قول سعدی:

مردی همه شب بر سر بیمار گریست * چون صبح بشد بمُرد و بیمار بزیست

افکار مثبت را می توان جایگزین افکار نگران کننده کرد این جایگزینی می تواند شادمانی را زیادتر کند. والدین نیز این نکته را رعایت کنند و اگر در زندگی خود مشکل، نگرانی و ناراحتی دارند آن را به دنیای کودکان منتقل نکنند. از امام علی علیه السلام است که:

«الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ»؛ «شادی مومن در چهره اش و اندوه وی در دل اوست».(1)

ص: 44

- اولویت دادن به شادی

در نظر داشتن شادی و طراحی برنامه هایی برای شاد بودن باعث افزایش شادمانی می شود. بنابراین یکی از اصول زندگی فرد باید اولویت دادن به شادی باشد.

- شوخ طبعی

خنده و شوخی از عوامل شادکامی است. شوخی کردن باعث کاهش فشار روانی انسان می شود و روان افراد را با صفا و بانشاط می سازد. امام صادق علیه السلام شوخ طبعی را از نشانه های مومن برمی شمارند؛ ایشان در سوال و جوابی به صراحت اعلام می دارند که: «مؤمنی نیست که در وجود او خوش طبعی نباشد.» (الکافی، ج 4، ص 746).

پیشوای ششم شیعیان، افرادی را که در میان جمع، دیگران را با شوخی و خوش طبعی شاد می کنند، بدون اینکه گناهی مرتکب شوند و عفت کلام را از میان ببرند، دوستان خداوند می داند و می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا رَفَثٍ» «خداوند کسانی را دوست دارد که در میان مسلمانان شوخی و خوش طبعی می کنند بدون اینکه کلمات زشت و ناروا به زبان بیاورند».⁽¹⁾

ص: 45

1- . الکافی، ج 4، ص 747.

به وسیله شوخی و خنده می توان بار غم و اندوه را کاست.

ایمان و شوخ طبعی منافاتی با یکدیگر ندارند. الگویی که دین از زندگی ارائه می دهد، هرگز همراه با ترش رویی نیست، بلکه برعکس، پیامبر خدا یکی از ویژگی های اهل ایمان را شوخ طبعی آنان می داند.

«الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِبٌ وَ الْمُنَافِقُ قَطْبٌ وَ غَضِبٌ» «مومن خنده روست و منافق چهره اش گرفته و خشمگین است».(1)

لازم به ذکر است که شوخ طبعی نباید از مرز حق گوئی و صداقت خارج شود و به باطل یا دروغ کشیده شود. رسول خدا (ص) در روایتی تصریح می کنند که:

«إِنِّي لَأَمْرَحٌ وَ لَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا» «من اگر چه با شما شوخی می کنم، ولی جز حق نمی گویم».(2)

تربیت روان

اشاره

تربیت روانی کودک از دیگر انواع تربیت محسوب می شود که در آن والدین و مربیان باید به پرورش و سازندگی روح و روان طفل بپردازند؛ زیرا هدف از تعلیم و تربیت تنها پرورش قوای جسمی و عقلی انسان نیست، بلکه در عین توجه به جسم و جنبه های مادی باید به روح و روان کودک نیز توجه فراوانی داشت.

ص: 46

1- . تحف العقول، ص 49.

2- . مکارم الاخلاق، ص 21.

تربیت و سازندگی روان از اهمیت شایان توجه برخوردار است. این امر بدان علت است که بدون آن انسان هرگز به مقام و ارزش والای خویش نخواهد رسید؛ چرا که روان آدمی مرکز و کانون شخصیت او به حساب می آید و علاوه بر آن جایگاهی برای به ثمر رسیدن عواطف انسانی می باشد؛ بنابراین ضروری است این بعد به نحو صحیح هدایت و تربیت شود و حوائج و خواسته های آن برطرف گردد؛ زیرا در غیر این صورت نارسایی ها، اضطراب ها، خطاها و بیماری های روانی بسیاری در افراد به وجود می آید.

تعالیم اسلامی نیز به همان اندازه ای که به پرورش سایر قوای انسان توجه کرده است، برای روح و روان نیز اهمیت زیادی قائل است و خواهان پرورش یافتن صحیح این بُعد نیز هست؛ چنانکه خداوند متعال به وسیله ی آیات متعدد، رسیدن انسان به رستگاری و سعادت را پرورش و تزکیه و تهذیب این بعد از وجود آدمی معرفی می کند.

مسأله دیگری که روشنگر اهمیت بعد روحی و تربیت آن است، این است که پرورش منطقی روان، انسان را به ارزش ها و گنجینه های درونیش واقف می کند و طرز استفاده صحیح از آنان را نمایان می سازد و دوم آنکه موجب شناخت آفریدگار می شود.

پس از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی، مریبان و والدین که مسئولان تربیت هستند، موظفند در سازندگی و هدایت این بعد از هیچ کوششی

دریغ نمایند و کودکان را از رذیلت‌ها و زشتی‌ها به سوی فضیلت‌ها و زیبایی‌ها سوق دهند.

بهداشت و سلامت روان

برای آگاهی از نحوه عملکرد تربیتی و برخورد با کودکان باید اطلاعات مفیدی در زمینه بهداشت و سلامت روان به دست آورد. تعریف‌های متعددی برای بهداشت روان ارائه شده است. عده‌ای آن را تسلط و مهارت فرد در سازش و ارتباط صحیح با محیط تعریف کرده‌اند؛ برخی آن را علمی برای بهزیستی و رفاه اجتماعی دانسته‌اند و برخی دیگر آن را به عنوان روش‌ها و تدابیری برای جلوگیری از ابتلاء به بیماری‌های روانی و سالم‌سازی محیط روانی اجتماع تلقی کرده‌اند. همچنین عده‌ای آن را سلامت فکر و اندیشه برشمرده‌اند. (1)

بهداشت روان از آن جهت که رابطه مستقیمی با عمل کرد فردی-اجتماعی و آسیب‌های روانی-اجتماعی دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است و این اهمیت باعث تدوین و اجرای برنامه‌های متعدد بهداشت روانی در سه بُعد پیشگیری، درمان و توان بخشی می‌شود؛ این سه بُعد در برگیرنده تمام اهداف و فعالیت‌های بهداشت روانی است.

ص: 48

بهداشت روان در بردارنده نوع نگاه فرد به خودش، زندگی اش و افرادی است که آن ها را می شناسد و به آن ها علاقه مند است. همچنین تعیین کننده این است که فرد چگونه استرس خود را کنترل کند، با دیگران ارتباط برقرار سازد، گزینه های خود را ارزیابی و انتخاب کند.

همچنین «سلامت روان» به عنوان مقوله اصلی از بهداشت روان؛ به معنای: «هماهنگی بین ارزش ها، علاقه ها و نگرش ها در حوزه عمل افراد در نتیجه، برنامه ریزی واقع بینانه برای زندگی و تحقق هدفمندی مفاهیم زندگی است»⁽¹⁾.

سلامت روان هم مانند سلامت جسم در هر مرحله ای از زندگی حائز اهمیت است.

ایجاد فرصت برای شکوفایی استعدادها، توانایی ها و کنار آمدن با خود و دیگران، یکی از اهداف مهم و اساسی بهداشت روانی است.

جوامع مختلف سعی می کنند سیاست های مربوط به بهداشت روانی را سازماندهی کنند؛ چراکه اصل کلی در این تلاش، سالم سازی محیط فردی و اجتماعی است که افراد جامعه را در بر می گیرد.

این نگرش حکم می کند که خانواده ها بیش از پیش با بهداشت روانی خانواده و چگونگی پیشگیری و درمان بیماری های روانی آشنا

ص: 49

1- مقاله: «معیارهای سلامت روان»، رامین لطافتی بريس، نشریه: رشد مشاور مدرسه، زمستان 1389 - شماره 22، ص 6.

شوند. زیرا هرچه کودک، بیشتر از سلامت روانی برخوردار باشد، به یقین آسیب پذیری او کمتر خواهد بود. سلامت جسم و روان بسیار به هم وابسته اند. همان طور که می توان با آموزش های مختلف و ارتقای آگاهی مردم از بیماری های جسمی پیشگیری کرد، از آسیب های روانی نیز پیشگیری کرد.

عوامل مؤثر بر سلامت روان

هنوز علت بسیاری از مشکلات سلامت روان مشخص نشده است، اما امروزه ثابت شده است که هم ساختار بیولوژیک فرد و هم محیط در این امر دخالت دارد.

بیماری های جسمی مانند بیماری های مزمن، مشکلات خونی و حتی یک سرماخوردگی ساده هم می تواند بر روان کودکان تأثیر سوء داشته باشد. از جمله علل بیولوژیک می توان به ژنتیک، عدم تعادلات شیمیایی و صدمه به سیستم اعصاب مرکزی اشاره کرد؛ این عوامل در علم پزشکی تحت عنوان اختلالات نورویولوژیک شناخته می شوند.

بسیاری از عوامل محیطی نیز می توانند کودکان را در معرض خطر قرار دهند؛ برای مثال کودکانی که با خشونت، سوء استفاده، مسامحه، یا مرگ عزیزان، طلاق و یا روابط از هم گسیخته مواجه می شوند، بیشتر در معرض مشکلات سلامت روان قرار دارند. سایر عوامل شامل طرد شدن به علت نژاد، جنسیت، مذهب یا فقر است.

عواملی همچون عدم برآورده شدن نیازهای اولیه، ناکامی، استرس، یادگیری، مسائل اجتماعی و رسانه های جمعی نیز از عمده ترین تأثیرگذاران بر بهداشت روانی هستند. خانواده در پیش گیری از مشکلات روانی کودکان نقش اساسی دارد. بدیهی است برای داشتن جامعه ای سالم باید از بستر خانواده شروع به تربیت فرزندان سالم از نظر روانی و جسمانی کرد.

مهم ترین عامل ایجاد بهداشت روانی کودکان، والدین هستند. برای پدر و مادر شناخت نیازهای جسمی فرزندشان مثل تغذیه، پوشاک، خواب و ... آسان است. اما نیازهای روانی و احساسی کودک ممکن است مشخص نباشد، به همین علت گاهی نادیده گرفته می شود، در حالی که این نیازها می توانند به اندازه نیازهای جسمی و حتی بیشتر از آن ها اهمیت داشته باشند.

تأمین بهداشت روانی در دوره های حساس زندگی توسط اعضای خانواده در میزان سلامت روان در دوران بعدی زندگی مؤثر است؛ به عنوان مثال کودک آزاری و بیماری های روانی پدر و مادر در طی دوران کودکی می تواند منجر به افسردگی و اضطراب در دوره های بعدی زندگی گردد؛ در صورتی که پشتیبانی خانواده می تواند خطرات مذکور را کاهش دهد. همچنین رفتار پرخطر مادر در دوران بارداری، عدم تفاهم همسران و مشکلات مربوط به مصرف مواد مخدر در پدر و مادر می تواند منجر به افزایش مشکلات روانی کودکان گردد.

از آن جا که سلامت والدین یکی از عوامل مؤثر در سلامت روان کودکان است، بنابراین والدین برای تأمین نیازهای ضروری خانواده باید نیازهای خود و فرزندان را به خوبی بشناسند و آگاهی و اطلاعات لازم و کافی در این زمینه داشته باشند. زن و شوهر قبل از بچه دار شدن باید خود را ارزیابی کنند، از نیازهای کودک آگاهی یابند.

مسئله نیازهای روانی کودک، از جمله نیاز به محبت، از مباحث اصولی در روان شناسی تربیتی و حتی روانکاوی است. رابطه صحیح و عاطفی والدین با فرزندان در کانون خانواده، تأمین کننده سلامت و بهداشت روانی فرزندان و زمینه ساز بروز استعدادهای آنان است و بی توجهی به این نیاز اصیل و عدم توجه عاطفی به کودکان، روحیه مقاومت ایشان در مقابل خواسته های دیگران را کاهش می دهد و باعث می شود تا به خاطر جلب محبت دیگران، به خواست دیگران تن دهند و در مقابل آن تسلیم شوند.

شناخت نیازها، درک کامل کودکان، گوش کردن به صحبت های آن ها، اختصاص دادن زمانی برای گفتمان خانوادگی و شرکت دادن کودک در تصمیم گیری و برنامه های خانوادگی در ایجاد امنیت روانی کودک مؤثر است.

والدین باید با فرزندان، به نحوی رفتار کنند که آنان تمام مشکلات و احساسات خود را ظاهر کنند. محبت به کودک باید بی قید و شرط باشد. در روایت معصومین علیهم السلام نیز تأکید فراوانی بر لزوم ابراز

محبت والدین نسبت به فرزندان صورت گرفته و ابراز آن را موجب جلب رحمت و خشنودی خداوند دانسته اند. از جمله امام صادق علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشُدَّ حُبَّهُ لَوْلَدِهِ» (بدون تردید، خداوند بر بنده خود به خاطر شدت محبت به فرزندش، رحم می کند).⁽¹⁾

ضمن این که در این روایات به لزوم رعایت حد اعتدال و پرهیز از هرگونه افراط در این زمینه که باعث شانه خالی کردن فرزندان از مسئولیت های شان است، نیز توصیه شده است.

بیشتر اختلالات عاطفی و روانی کودکان به علت فقدان مادر است و البته منظور از فقدان مادر تنها جدایی والدین و بی مادری نیست، بلکه ممکن است کودکی، در عین داشتن پدر و مادر، به علت اشتغال هر دو در خارج از منزل، از محبت مادری برخوردار نباشد.

کودک از مادر، تنها انتظار خوراک و پوشاک ندارد بلکه آرزو دارد همیشه تحت حمایت او زندگی کند و از محبت واقعی مادر برخوردار باشد.

برآورده شدن نیازهای روانی کودکان و در یک کلام سلامت روانی آن ها باعث می شود بچه ها خوب فکر کنند، پیشرفت اجتماعی داشته باشند، مهارت های جدید را به خوبی بیاموزند و از سلامت جسمی بهتری نیز برخوردار شوند.

ص: 53

نیازهای روانی دسته دیگری از نیازهای انسان است که بی توجهی به آن‌ها عوارضی نظیر بدبینی، بی اعتمادی، اضطراب، افسردگی، بروز رفتارهای سوء و ... به همراه خواهد داشت. برخی از این نیازها عبارتند از:

حفظ شخصیت و عزت نفس

یکی از سرمایه‌های فطری که خداوند به اقتضای حکمتش در وجود هر انسانی به ودیعه نهاده، «غریزه حب ذات» است. هر انسانی قبل از هر چیز و هر کس به خود علاقه و محبت دارد. در پرتو این غریزه می‌توان بسیاری از صفات پسندیده و شایسته را در کودک پرورش داد البته به شرط آنکه این غریزه عاقلانه و با برنامه صحیح هدایت شود در غیر این صورت منشأ بدبختی‌های بزرگی خواهد بود.

یکی از راه‌های ارضای غریزه حب ذات، تکریم کودکان و توجه به شخصیت آن‌هاست. کودکی که به اندازه کافی در خانواده مورد احترام قرار گیرد و این غریزه به طور صحیح در او ارضا شود، احساس ارزشمندی و عزت نفس می‌کند بنابراین از روانی متعادل و سالم برخوردار است در حالی که اگر این غریزه مورد توجه قرار نگیرد، کودک در خود احساس پستی و حقارت می‌کند، روانی افسرده و بیمار پیدا می‌کند و این حالت درونی در رفتار و گفتار کودک با وضع نامطلوب آشکار می‌گردد. چنین کودکی در معرض انحراف‌های

گونگونی است و در راه زندگی با خطراتی مواجه خواهد شد. احترام به شخصیت نه تنها در محیط خانواده از ارکان اساسی تربیت کودک است، بلکه این فضیلت انسانی از پایه های مهم زندگی اجتماعی و از وظایف همه انسان هاست.

آموزه های دینی، به کرامت نفس در انسان توجه دارد و نتیجه همه تلاش ها و کوشش های آدمی را، حفظ شخصیت و عزت نفس خود فرد می داند و نه هیچ کس دیگر؛ در ذیل به برخی از آیات و روایات در این زمینه اشاره می شود:

«مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنْ شَرَّهُ» «کسی که شخصیتش در نظر او خوار و بی مقدار شد از شر بدکاری اش ایمن مباش» (1).

بنابراین کسی که شخصیتش تحقیر شود و احساس ذلت و خواری کند، از ارتکاب هیچ رفتار ناشایستی روی گردان نیست. هر گاه احساس کرامت نفس و عزت انسان جریحه دار شود و به هر طریقی شخصیت وی صدمه ببیند، به طور طبیعی و فطری عکس العمل نشان می دهد، مگر کسانی که در اثر افراط در گناه و غوطه ور شدن در فساد، عزت نفس انسانی خود را فراموش کرده اند و به فرموده قرآن:

«وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» «و هر کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، ناامید و محروم گشته است!» (2).

ص: 55

1- . بحار الأنوار، ج 72، ص 300.

2- . سوره مبارکه شمس، آیه 10.

البته این گونه افراد به غلط، عزت نفس و ارزش خود را در بهره‌وری هر چه بیشتر و بهره‌مندی از شهوات و هوای نفس پنداشته‌اند؛ چنان‌که از رحمت الهی دور شده و به «اسفل السافلین» سقوط کرده‌اند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره ارتباط دروغ‌گویی و عدم عزت نفس می‌فرماید:

«لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةِ نَفْسِهِ» «دروغگو دروغ نمی‌گوید، مگر به سبب حقارتی که در وجود خود احساس می‌کند». (1)

و امام علی علیه السلام نیز ریشه دورویی و نفاق را حقارت نفس می‌دانند و می‌فرمایند:

«نِفَاقُ الْمَرْءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ» «دورویی انسان به خاطر حقارتی است که در وجود خود احساس می‌کند». (2)

امام صادق علیه السلام نیز ارتباط تکبر و عدم عزت نفس را این چنین بیان فرموده‌اند:

«مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِيَذِلَّهُ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ» «هیچ انسانی تکبر و فخرفروشی نمی‌کند، مگر به علت احساس حقارتی که در وجود خود می‌یابد». (3)

ص: 56

1- . الإختصاص، ص 232.

2- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 722.

3- . الکافی، ج 3، ص 761.

کسانی که شخصیت آن‌ها از کودکی تحقیر شده و با احساس حقارت بزرگ شده‌اند، در بزرگسالی در مقابل افراد متمکن، زورگو و ظالم سر فرود آورده و تسلیم می‌شوند؛ اما کسانی که با عزت نفس پرورش یافته‌اند، همواره در مقابل کسانی که می‌خواهند آنان را تحقیر کنند و یا هویت دینی و یا فرهنگی را از آنان بگیرند، ایستادگی می‌کنند. بعضی خانواده‌ها با برخوردهای خشن و بی‌اعتبار کردن کودکان و بعضی از مربیان در محیط‌های آموزشی با برجسب‌های بد، کودکان را از خود می‌رانند و از کلاس طرد می‌کنند و با طعنه، سرزنش، تحقیر و تمسخر، موجب فشار روانی بر کودکان می‌شوند؛ آن‌ها را به پرتگاه سقوط می‌کشانند.

اگر بزرگ سالان در مورد کودکان چنین روشی را اعمال کنند در آینده ممکن است منشأ بروز دو گونه رفتار شوند:

یا کودک این تهدید و توهین‌ها را می‌پذیرد و چیزی نمی‌گوید، همانند آتشی زیر خاکستر و وقتی زمینه و یا موقعیتی فراهم شد و کمی رشد کرد عاصی و سرکش می‌شود. یا همان موقع رفتار نابهنجار و غیرعادی از خود بروز می‌دهد. این رفتار و عکس‌العمل، به صورت‌های پرخاش‌گری، اذیت و آزار دیگران، بی‌ثباتی فکری، بی‌رغبتی، بی‌دقتی، بی‌علاقگی به درس و یا به حالت افسردگی در محیط خانه و مدرسه بروز خواهد کرد و در نتیجه فرد نمونه‌ی رفتاری را که در کودکی از دیگران دریافت کرده است در بزرگسالی نسبت به فرزندان و اطرافیان

خود انجام خواهد داد. این ناهنجاری‌ها در مراحل حاد، منجر به بزه کاری‌های اجتماعی می‌شود؛ زیرا اکثر مجرمان از کسانی هستند که شخصیت آن‌ها در کودکی تحقیر شده و یا تحت فشارهای روانی قرار گرفته‌اند.

در مقابل اگر در جامعه و در محیط‌های آموزش، از کودکی با شیوه آزادمنشانه، محترمانه توأم با ارزش‌گذاری به شخصیت افراد و احیای عزت و کرامت نفس رفتار و با احساسات و عواطف کودکان برخورد شود، افراد با شخصیت و با ارزش پرورش می‌یابند و دیگر جایی برای جوانان بزهکار، به وجود نمی‌آید. رفتار آزاد منشانه و و درک احساسات کودک سبب می‌گردد که او احساس ارزش کند.

از امام علی علیه السلام است که:

«إِنَّ النَّفْسَ لَجَوْهَرَةٌ تَمِينَةٌ مَنْ صَانَهَا رَفَعَهَا وَمَنْ ابْتَدَلَهَا وَضَعَهَا» «به راستی که نفس (شخصیت انسانی) گوهر گران‌بهایی است که هر کس آن را حفظ کند تعالی می‌یابد و هر کس آن را پست گرداند فرومی‌افتد».⁽¹⁾

همین احساس رضایت و ارزش، به رشد شخصیت وی کمک خواهد کرد تا این حالت را همواره در خود حفظ کند و کاری نکند که آن را از دست دهد. برای این که کودک در نفس خود، احساس حقارت نکند، لازم است که پدران و مادران، از دوران ابتدای کودکی به این امر

ص: 58

مهم توجه داشته باشند و با رفتار و گفتار خویش، شخصیت را در فرزندان خود پرورش دهند و با آنان طوری رفتار کنند که آنان، احساس ارزشمندی کنند.

امنیت و اعتماد

امنیت از اساسی ترین نیازهای انسان است. امام صادق علیه السلام در سخنی امنیت را یکی از از سه نیازهای اصلی انسان بر شمرده اند. از ایشان است که:

«ثَلَاثَةٌ أَشَدُّ يَأْتِيَنَّ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا أَلَّا مَنُّ وَ الْعَدْلُ وَ الْخِصْبُ» «سه چیز است که همه انسان ها به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت، آبادانی» (1).

والدین نخستین کسانی هستند که می توانند احساس امنیت و اعتماد را در کودکان ایجاد کنند. وقتی کودکان بدانند والدین همیشه در کنارشان هستند، نیازها و احساساتشان را محترم می شمارند و مورد توجه قرار می دهند، یاد می گیرند که به آن ها اعتماد کنند و احساس امنیت و حمایت در آن ها تقویت می شود. همچنین ایجاد یک محیط امن عاطفی به گونه ای که کودکان بتوانند با آزادی و امنیت خاطر درباره احساساتشان با والدین گفت و گو کنند از وظایف مهم والدین است. آن ها با این کار بستر لازم برای لذت بردن از زندگی را برای فرزند

ص: 59

خود فراهم می سازند و فرزند شان بدون داشتن ترس، شیرینی امنیت را خواهد چشید. همان طور که در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است:

«حَلَاوَةُ الْأَمْنِ تُنَكِّدُهَا مَرَارَةُ الْخَوْفِ وَالْحَذَرِ» «تلخی ترس و پروا، شیرینی امنیت را از بین می برد».(1)

بنابراین یکی از بزرگترین نعمت های هر انسانی برخورداری از امنیت است و به علت جایگاهی که دارد امام علی علیه السلام آن را گواراترین نعمت دانسته اند.

«لَا نِعْمَةَ أَهْنَأُ مِنَ الْأَمْنِ» «هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست».(2)

پدر و مادر، در طی سال های رشد کودکان، قول های به آنان می دهند شاید بخشی از آن ها را به حساب نیاورند؛ اما اگر والدین به طور مرتب قول خود را فراموش کنند یا آن را به تأخیر اندازند، کودکان یاد می گیرند که نباید به آن ها اعتماد کنند و احساس می کنند که نادیده انگاشته شده اند. همین امر، زمینه بی اعتمادی و احساس ناامنی را در آنان ایجاد می کند. در اهمیت این موضوع امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

«إِذَا وَعَدْتُمْ الصَّبِيَّانَ فُفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرُزُّوهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لَشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ» «چون به

ص: 60

1- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 349.

2- . همان، ص 793.

اطفال وعده ای دادید وفا کنید و تخلف نکنید، زیرا کودکان گمان می کنند شما رازق آن ها هستید. خداوند برای هیچ چیز، به قدر تجاوز به حقوق زنان و کودکان غضب نمی کند»⁽¹⁾.

بنابراین والدین برای پیشگیری از سلب اعتماد فرزندان، نسبت به خود، ضمن رعایت وفای به عهد و پای بندی نسبت به قولی که به فرزندان خود می دهند، اگر زمانی نتوانند به قول خود عمل کنند یا آن را سر وقت انجام دهند، باید کودک خود را از علت آن آگاه سازند.

نیاز به تأیید

اگر کودکان در زندگی مورد تأیید قرار گیرند می آموزند خود را دوست بدارند.

نگرش های پدر و مادر، در شکل گیری شخصیت کودکان بسیار مؤثر است. والدین با تأیید یا عدم تأیید رفتارهای فرزندان، ارزش های مطلوب خود را به آن ها می آموزند و با بی توجهی به کودکان، امکان آموزش ویژگی ها و رفتارهای مورد پسند خود را به آنان از دست می دهند. توجه و تأیید والدین راهی مثبت در شکوفایی استعداد کودکان و کمک به آنان در خودشناسی مثبت و ایجاد اعتماد به نفس، در نظر گرفته می شود.

برخی از کارهای کوچکی که کودکان به انجام می رسانند می تواند در شکل گیری شخصیت آنان بسیار مؤثر باشد. این «کارهای کوچک»

ص: 61

دقیقاً همان هایی هستند که باید مورد تحسین و تشویق قرار گیرند؛ بهعنوان مثال، دختر بچه ای با سلیقه و ابتکار خود کاردستی زیبایی درست کرده است و آن را به دوست خود هدیه می دهد؛ مادر می تواند نظر تأییدی خود را در مورد کار او از جهات مختلف ابراز کند. او ممکن است روی توانایی هنری دخترش تمرکز کند و بگوید: «چه کاردستی زیبایی، تو در مورد انتخاب رنگ ها سلیقه خوبی داری».

یا اینکه با تمرکز و توجه بر سخاوت مندی دخترش می گوید: «چه کار خوبی کردی که کاردستی زیبایت را به دوستت بخشیدی!»

مادر با انتخاب آنچه مورد تحسین قرار می دهد کاری بیش از تأیید سرگرمی دخترش انجام می دهد. او کاری می کند که دختر بچه بفهمد وی، بیش از هر چیز، به توانایی و بخشش او افتخار می کند و راه را برای فرزندش هموار می سازد تا همان ویژگی را در خود بشناسد و برای آن ارزش قائل شود.

خانواده های مختلف، ارزش های متفاوتی را مهم می دانند و بر آن اساس، تأیید خود را ابراز می دارند.

تأیید و عدم تأیید کودکان، راهی برای به وجود آوردن قوه تمیز ارزش ها (درست، نادرست؛ خوب، بد؛ بهتر، بدتر و...) در آن ها است. حتی هنگامی که پدر و مادر به وضوح، احساسشان را ابراز نمی کنند، کودکان در شناخت آن چه مورد تأیید یا عدم تأیید آن ها است، بسیار ماهرند. کودکان رفته رفته که بزرگ تر می شوند، معیارها و ارزش های

خود را به گونه ای اجتناب ناپذیر بهبود می بخشند که گاه ممکن است با معیارها و ارزش های والدین متفاوت باشد.

استقلال

والدینی که ضمن انجام مراقبت ها و حمایت های لازم از فرزندشان، به او میدان عمل می دهند تا حقایق زندگی را تجربه و لمس کند، زمینه استقلال او را فراهم می کنند. چنین والدینی به تدریج کارهای شخصی کودک را به عهده خود او می گذارند و هر چه کودک آن ها بزرگ تر می شود، از حمایت ها و کمک های مستقیم خود می کاهند و مسئولیت های بیشتری را بر عهده اش می گذارند. در عین حال نیز او را در انجام آن ها راهنمایی و کمک می کنند. به این ترتیب او برای زندگی مستقل، آماده می شود. چنین فرزندى در برابر وظایف و مسئولیت های زندگی، توانمند است و در رویارویی با حوادث و مشکلات فردی و اجتماعی، دچار سرگردانی و درماندگی نمی شود.

حمایت ها و مراقبت های بیش از اندازه از فرزند، روح استقلال و خودکفایی را از او می گیرد و او را موجودی وابسته، وابسته و متکی به دیگران بار می آورد؛ به طوری که در برابر هر حادثه، مشکل و انجام هر عملی، احساس ناتوانی می کند و خود را نیازمند دیگران می داند. بهتر است والدین از همان دوران کودکی فرزندان خود، به فکر استقلال آن ها باشند. آن ها می توانند از دو سالگی به بعد وسایل مربوط به کودک را طوری مرتب کنند که تا حد امکان بتواند خودش کارهایش را انجام

دهد؛ برای مثال لباس هایی بخرند که پوشیدن و در آوردن آن ها راحت باشد تا کودک بتواند خودش این کار را انجام دهد، جالباسی کم ارتقاعی در نظر بگیرند که لباس هایش را به آن بیاویزد. یک زیر پای در کنار روشویی قرار دهند تا بتواند بدون کمک دست هایش را بشوید و ...

والدین می توانند کمک کردن را برای کودک به صورت یک بازی در بیاورند تا برای او لذت بخش باشد و در عین حال او را به خود کفایی برسانند. کارهای ساده ای مثل باز کردن لوازم خریداری شده یا چیدن میز غذا، همچنین امکان تصمیم گیری های ساده نظیر انتخاب لباس، نحوه چیدن اثاثیه اتاق و ... باعث می شود کودک احساس کند که تا حدی روی زندگی خودش کنترل دارد. علاوه بر آن، زمانی که کودک بتواند کاری را به تنهایی انجام دهد، احساس خوبی در مورد توانایی هایش پیدا خواهد کرد.

آموزش روش حل مسأله به فرزند، از بستن بند کفش، غذا خوردن، تا عبور بی خطر از عرض خیابان، یافتن جواب مسأله ریاضی و ... همگی از جمله آموزش هایی اند که هر پدر و مادری برای رسیدن به استقلال فردی فرزند خویش می توانند انجام دهند.

آزادی

آزادی در تمام مراحل زندگی انسان مخصوصاً کودکی نقش بسزایی دارد. می توان گفت یکی از مهم ترین عوامل رشد کودک، آزادی است.

بر اساس تربیت اسلامی، طفل باید تا هفت سالگی آزاد باشد و بازی کند تا قوای جسمی و روحی او به طور طبیعی رشد کند. از امام صادق علیه السلام است که:

«دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ...» «فرزند خود را آزاد بگذار تا سن هفت سالگی بازی کند». (1)

برخی از والدین از ترس اینکه مبدا عزیزانشان با مشکلی روبه رو شوند، آن‌ها را کنترل می‌کنند و جلوی آزادی آن‌ها را می‌گیرند. کودک با کنترل ناتوان می‌شود، والدین باید با آموزش دادن به کودک و کنترل از راه دور فرصت و آزادی عمل به او بدهند.

آزادی به معنای بی‌قانونی و بی‌بندوباری نیست، لذا نمی‌توان کودکان را رها کرد تا هر کاری می‌خواهند انجام دهند. بلکه باید مطابق اصول رشد و تکامل فضای تربیت و شکوفایی برایشان فراهم شود.

محدودیت‌های بی‌شمار و امر و نهی‌های بیش از حد، زیان‌های روانی جبران‌ناپذیری به کودکان وارد می‌کند؛ از جمله موجب می‌شود کودکان، حس کنجکاوی و خلاقیت و اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و تنها دست به کارهایی بزنند که والدینشان معمولاً از آن‌ها انتظار دارند. پس والدین باید به فرزندان خود آزادی نسبی بدهند و از این‌گاه فرزندان بر خلاف میل آن‌ها رفتار می‌کند، با خشونت برخورد نکنند. بلکه بهتر است در خانه با آگاهی و مشورت و تفکر

ص: 65

1- . من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 492.

قوانین را وضع کنند سپس به کودکان مجال دهند تا در مسیر توسعه و رشد و تکامل به احساس آزادی و آزادگی برسند.

اعتماد به نفس

اعتماد به نفس از اصلی ترین عوامل رشد مطلوب شخصیت انسان محسوب می شود و از جمله مفاهیمی است که مورد توجه پژوهش گران و صاحب نظران روان شناسی و علوم تربیتی قرار گرفته است.

اعتماد به نفس عبارت است از اطمینان داشتن به توانایی های خود. اعتماد به نفس دیدگاهی است که به فرد امکان می دهد تا از خود تصویری مثبت و واقعی داشته باشد. داشتن اعتماد به نفس به این معنی نیست که فرد قادر به انجام هر کاری است بلکه افراد دارای اعتماد به نفس، انتظارات واقع گرایانه ای دارند و در صورتی که بعضی از انتظاراتشان برآورده نشود دیدگاه مثبتشان را حفظ می کنند و از اعتمادشان به خود کاسته نمی شود.

اسلام عالی ترین مکتب تربیتی است که ارزش های انسانی و متعالی را در وجود انسان پرورش می دهد. انسان می تواند با تفکر و تدبر در آیات الهی نظیر:

ص: 66

- «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» «هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید». (1)

- «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا...» «و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند...». (2)

- «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» «(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی [نماینده ای] قرار خواهم داد...». (3)

می تواند به ارزش های وجودی و به جایگاه خویش نزد پروردگار و همچنین به ارزشمندی خود در میان مخلوقات جهان پی ببرد و با شناخت این ارزش ها، اعتماد به نفس را در وجود خویش پرورش دهد.

والدین نیز در امر تربیت، وظیفه دارند که فرزندان خویش را با قابلیت ها و شایستگی های نهفته در وجود آن ها آشنا کنند و با تکیه بر آیات مذکور اعتماد به نفس را در آنها به وجود آورند. بهترین زمان برای شکل گیری اعتماد به نفس، دوران کودکی است. به جرأت می توان

ص: 67

1- . سوره مبارکه ص، آیه 72.

2- . سوره مبارکه بقره، آیه 34.

3- . همان، آیه 30.

گفت کودک در آینده به هر مقامی برسد به میزان اعتماد به نفس وی بستگی دارد.

کودکانی که اعتماد به نفس بالایی دارند:

- به توانایی های شان اعتماد می کنند، به طور کلی حس می کنند که بر زندگی شان کنترل دارند و باور دارند که در یک طیف منطقی قادر به انجام کارهایی هستند که می خواهند انجام دهند و برای آن برنامه ریزی می کنند.

- وقتی که در برابر انجام کار سختی قرار می گیرند اگر نتوانند به راحتی آن را انجام دهند شروع به آزمایش کردن راه های مختلف می کنند و به راحتی عقب نشینی نمی کنند.

- اغلب مدام در تعامل با همسالان خود هستند و کمتر رفتارهای پرخاش گرانه، تند و غیر عادی دارند و کمتر احساس گوشه گیری می کنند.

- از اشتباه کردن نمی ترسند و به راحتی از اطرفیان شان کمک می گیرند.

- در مدت زمان کوتاهی با تعارضات و فشارهای زندگی کنار می آیند.

- شاد و بانشاط هستند و از زندگی لذت می برند.

- ضمن واقعیت نگری، افرادی خوش بین هستند.

ص: 68

- اغلب زیاد سوال می کنند و از اینکه مبادا دیگران به پرسیدن هایشان بخندند از پرسیدن چشم نمی پوشند.

- قدرت تصمیم گیری بالایی دارند. افراد بااعتمادبه نفس به توانایی های شان اعتماد می کنند' به طور کلی حس می کنند که بر زندگی شان کنترل دارند و باور دارند که در یک شکل منطقی قادر به انجام کارهایی که می خواهند و برنامه ریزی می کنند هستند.

کودکان با تشویق شدن، اعتماد به نفس پیدا می کنند. وقتی پدر و مادر از صمیم قلب کودکانشان را تشویق می کنند، به آنان شهامت می بخشند. این وظیفه والدین است که آنان را، وقتی در حال بهبود بخشیدن به مهارت ها و اعتماد به نفسی هستند که به آن نیاز دارند تا روی پای خود بایستند، کمک و حمایت کنند. باید این حس در کودکان ایجاد شود که حتی اگر دچار شکست شوند، باز هم والدین در کنارشان هستند.

کودکان علاوه بر پشتیبانی پدر و مادر، به ارزیابی صادقانه ی پیشرفت های خود در حین کار توسط بزرگ ترها نیاز دارند تا بدین وسیله مهارت هایشان را بهبود بخشند. آنان، برای حرکت در مسیر زندگی و ادامه آن و همچنین برای آنکه محدودیت ها را از پیش رو بر دارند و افق دیدشان را وسعت دهند به حمایت و تشویق نیاز دارند.

این موضوع که والدین چه زمانی قدم به جلو بگذارند و چه وقت در کناری بایستند، کی تشویق کنند و چه زمان به انتقادی سازنده دست

بزند، موضوعی بسیار حساس است و دانستن آن یک هنر محسوب می شود.

با توجه به مطالب مذکور، پدر و مادر باید به نیازها، استعدادها و تمایلات ویژه هر کودک توجه دقیق داشته باشند. تشخیص تفاوت های فردی کودکان کلیدی است برای تشخیص درست چگونگی راهنمایی واقعی و مؤثر برای اینکه در راه رسیدن به هدف های شان به خوبی تلاش کنند.

راه های پرورش اعتماد به نفس

والدین نقش مهم و مؤثری در پرورش اعتماد به نفس کودک دارند. نکات ذیل می تواند در این امر به آن ها کمک کند:

- علاقه بی قید و شرط به کودک در شکوفایی اعتماد به نفس او مؤثر است. پدر و مادر وقتی کودک خود را صرف نظر از توانایی ها، اخلاق، مشکلات و سایر ویژگی هایش بپذیرند و مورد محبت قرار دهند، بیشترین کمک را به او می کنند. بنابراین، بهتر است که والدین، هیچ گاه محبت خود را از فرزندشان دریغ نکنند و اگر احیاناً از کودک خطا یا رفتار اشتباهی سرزد، موقع تذکر دادن به او بفهمانند که تذکرشان در مورد رفتار ناشایست اوست و نه خودش؛ مثلاً، به جای اینکه گفته شود «خیلی پسر بدی هستی». چرا اینقدر سر و صدا

ص: 70

می کنی؟» به او بگویند، «لطفاً تو اتاق فوتبال بازی نکن. اتاق جای فوتبال بازی کردن نیست.» - والدین باید وقتی را برای توجه کامل به کودک خود کنار بگذارند. این عمل به احساس اعتماد به نفس آن بسیار کمک می کند؛ چون به او این پیغام را می دهد که آن ها ارزش فراوانی برای او قائل هستند.

- پدر و مادر باید برای کودک خود زمینه تجربیات جدید را فراهم کنند و او را به کشف و تجربه چیزی تازه، مثل خوردن غذایی متفاوت، یافتن دوستان تازه، انجام بازی های متنوع و ... تشویق کنند. با اینکه همیشه احتمال شکست وجود دارد، اما بدون خطر کردن موفقیت هم به دست نمی آید. پس به کودک خود اجازه تجربه های کم خطر را دهند و در مقابل تقاضاهای او مبنی بر دخالت والدین مقاومت کنند.

- باید خطر پذیری را به او بیاموزند. البته یک جنبه حق انتخاب دادن و خطرپذیری این است که کودک در معرض اشتباه قرار گیرد. این ها درس های باارزشی برای اعتماد به نفس در او است. بنابراین اگر کودک با وقت تلف کردن در اتاق خوابش از اتوبوس مدرسه جا مانده است، او را تشویق کنند که بیندیشد دفعه بعد چطور برنامه ریزی کند از سرویس مدرسه جا نمی ماند. به این ترتیب اعتماد به نفس صدمه نمی بیند و می فهمد که گاهی می شود اشتباه کرد.

- داشتن قانون درون خانواده به شکل منطقی و از قبل تعیین شده و با هماهنگی اعضای خانواده باعث پرورش اعتماد به نفس در کودک می شود. بنابراین باید چند قانون منطقی برای کودک خود وضع کنند؛ مثلاً، اگر به او می گویند که موقع دوچرخه سواری در خیابان باید کلاه مخصوص سرش بگذارد، اجازه ندهند بدون کلاه دوچرخه سواری کند. اگر کودک بداند که بعضی قوانین خانوادگی قطعی و ثابت هستند، احساس امنیت بیشتری می کند و به زودی بر طبق انتظارات والدین زندگی خواهد کرد.

- کودکان بسیار تشویق پذیر هستند، بنابراین پدر یا مادر سعی کنند کارهای خوبی که کودکشان در روز انجام می دهد با صدای بلند اعلام کنند؛ مثلاً مادر به پدر بگوید «علی امروز همه تکالیفش را به خوبی انجام داد» و با این کار او را در معرض تحسین خود و پاسخ دل گرم کننده پدرش قرار دهند. تشویق واضح و مشخص باشد. این امر درک انجام کار صحیح و ارزش فردی را در او بالا می برد و به او اجازه می دهد دقیقاً بداند چه کاری را درست انجام داده است.

- اگر کودک به حرف زدن نیاز دارد، به گفته های او خوب گوش دهند. او نیاز دارد احساس کند که افکارش، احساساتش، خواسته ها و نظراتش مهم هستند. والدین می باید به او کمک کنند که با نام گذاشتن روی احساساتش با آن ها راحت کنار بیاید. مثلاً بگویند «می فهمم که ناراحتی چون نمی توانی به آن مهمانی بروی». با پذیرفتن احساسات

کودک خود بدون قضاوت درباره‌ی آن‌ها، به احساسات او اعتبار ببخشند و نشان دهند که برای چیزی که می‌خواهد بگوید ارزش قائلند. همچنین اگر والدین احساسات خود را با کودک سهیم کنند و مثلاً بگویند: «من نگران مامان بزرگم. خیلی مریضه»، او هم در بیان احساسات خودش اعتماد به نفس پیدا می‌کند.

- نظراتی مثل «چرا سعی نمی‌کنی مثل برادرت باشی؟» یا «چرا مثل دوستت مؤدب نیستی؟» تنها در او احساس خجالت، حسادت و رقابت را تشدید می‌کند و موجب تضعیف اعتماد به نفس او می‌شود. حتی مقایسه‌های مثبت مثل «تو بهترین بازیکنی» هم به طور بالقوه مخرب اند؛ چون کودک به سختی می‌تواند همیشه بر طبق این تصویر خود را بسازد. اگر کودک بداند که پدر و مادرش او را به خاطر انجام صحیح کارهایش تحسین می‌کنند، ارزش بیشتری برای خودش قائل می‌شود. بنابراین والدین باید به شدت از مقایسه کودک خود با دیگران بپرهیزند.

- اگر کودک خودش را به شکلی ناخوشایند با خواهر، برادر و یا دیگر همسالانش مقایسه می‌کند و مثلاً می‌گوید: «چرا نمی‌تونم مثل دوستم توپ پرت کنم»، با او همدلی کنند و سپس روی یکی از توانایی‌های دیگرش تأکید کنند؛ برای نمونه بگویند، «بله درست می‌گویی. دوستت خوب توپ پرت می‌کند ولی تو هم خیلی تند می‌دوی». این عمل به کودک کمک می‌کند تا بداند که همه‌ی افراد نقاط

قوت و ضعف دارند و لازم نیست که حتماً بی عیب باشد تا احساس خوبی درباره خودش داشته باشد.

- هر کودکی نیاز به شکلی از حمایت از جانب اطرافیان و مخصوصاً والدینش دارد که مثلاً به او پیغام دهند «ما به تو ایمان داریم. ما تلاش هایت را می بینیم. ادامه بده!» تشویق فقط به منظور پاداش دادن به نتیجه ای مشخص نیست بلکه گاه به خاطر پیشرفتی که صورت گرفته باید انجام شود هر چند دست آورد کاملاً مشخصی نداشته باشد. پس اگر کودک با مسأله ی ریاضی دست و پنجه نرم می کند، به جای اینکه گفته شود «اشتباه انجام دادی، بگذار آن را برایت حل کنم»، بگویند «خیلی داری تلاش می کنی، اگر ادامه بدهی می توانی به جواب برسی».

- در عین حال که تشویق در ایجاد اعتماد به نفس مؤثر است، تحسین بیش از اندازه اعتماد به نفس را خدشه دار می کند؛ چون فشاری برای انجام کار و نیاز مداومی به تأیید دیگران ایجاد می کند.

- پدر و مادر باید الگوی مثبتی برای کودک خود باشند. پس اگر آن ها بسیار از خود انتقاد می کنند، بدبین هستند یا غیرواقعی و نامعقول در مورد توانایی ها و محدودیت های خود فکر می کنند این موارد را به کودک خود نیز آموزش می دهند.

- بهتر است والدین باورهای نادرست کودکان در مورد خودشان و توانایی شان را شناسایی کنند؛ کمک کردن به کودکان برای تعیین

استانداردهایی دقیق تر و ارزیابی واقع بینانه تر از خود، به برداشت مثبت آن ها از خودشان کمک می کند.

- پدر و مادر باید بازخوردی مثبت و دقیق به فرزند خود دهند. با این روش، رفتار فرزند را تأیید می کنند و به انتخاب های او پاداش می دهند. همچنین او را برای برخورد مناسب آینده تشویق می کنند. - محیط خانه را امن و آرام نگه دارند؛ چرا که کودکانی که در خانه احساس امنیت ندارند، اعتماد به نفس کمی دارند.

- همیشه به یاد داشته باشند که به کودک خود احترام بگذارند و بدانند که گاه یک برخورد نادرست با کودک او را از نظر روانی بیمار می کند.

- والدین نباید انتظار داشته باشند که تمام کودکان در تمام زمینه ها کامل و بدون اشتباه باشند.

- به فرزند خود فرصت دهند که در فعالیت هایی که مشوق همکاری هستند و نه ایجاد کننده رقابت و نیز فعالیت های گروهی که تقویت کننده اعتماد به نفس در او می باشند، شرکت کند.

- به عقاید و نظرات کودک احترام بگذارند؛ برای مثال اگر فرزند سه یا چهار ساله است می توانند به هنگام مهمانی رفتن دو لباس را برایش انتخاب کنند و از او بخواهند که خودش از بین آن دو یکی را انتخاب کند و بپوشد. همچنین می توانند برای چیدن میز از او کمک

بگیرند و هر طور که اظهار نظر کرد او را تشویق و تحسین کنند و سعی کنند کمتر او را مورد انتقاد قرار دهند.

- والدین باید هنر درون فرزند را کشف کنند. نقاشی، اجرای یک نمایش تازه کوچک یا هر فعالیت هنری دیگر می تواند زندگی کودک را غنی سازد و حسی از ارزشمندی و اعتماد به نفس را در او ایجاد کند. کودک با شناخت توانایی ها و استعداد های درونی اش و بیان هنرمندانها آن ها، نسبت به خود، احساس خوبی پیدا می کند که می تواند موجب شادی و نشاط واقعی او شود.

- در نهایت اگر والدین فکر می کنند که فرزندشان اعتماد به نفس پایینی دارد، از متخصصان روانشناس کمک بگیرند. در این مواقع همکاری و مشورت افراد متخصص را باید در اولویت قرار داد. آن ها با شیوه های درمانی خود می توانند حس بهتر و مثبت تری در کودک ایجاد کنند. (1)

نشانه های ضعف و اختلالات روانی کودکان

در دنیای امروز، والدین برای تربیت فرزندان خود با مشکلات بسیاری روبه رو هستند. منطبق نشدن والدین با شرایط جدید، باعث

ص: 76

1- ر.ک: فرزند نیرومند و متکی به نفس، تری اپتر؛ روشهای عملی برای افزایش اعتماد به نفس در کودکان، سیلوانا کلارک؛ گلبرگ زندگی، بررسی جنبه های گوناگون رشد و تربیت کودک، مهدی نیک خو، ص 148-119؛ تربیت فرزند در اسلام، محمود ارگانی بهبهانی حائری، ص 148-150.

ایجاد احساس در ماندگی در آنها و در کودکان شده است. گذر از دوران سنت به مدرنیته سبب شده است که کودکان در معرض انواع آسیب های روانی قرار گیرند. متأسفانه بسیاری از والدین نشانه های بیماری روانی را در کودکان نمی شناسند؛ حتی اگر این علائم را بشناسند، باز هم دشوار است که این نشانه ها را از رفتار طبیعی کودک تشخیص دهند، چون هر کودکی ممکن است، برخی از این نشانه ها را نشان دهد. نشانه هایی همچون احساس نگرانی دائم، احساس غمگینی بی علت، بی خوابی مکرر، افسردگی، بی علاقگی نسبت به اطرافیان، خشم، ترس شدید و بدون علت، تغییر خلق و خو، بروز رفتارهای خارج از کنترل، اشکال در تمرکز ذهنی، بی اشتها و کاهش وزن، بدون علت فیزیولوژیک پیش زمینه های بسیاری از بیماری های روحی هستند که باید به خوبی شناخته و درمان شوند.

تربیت گرایش های عالی انسانی دینی در کودک

اشاره

گرایش ها و جنبه های عالی انسانی همچون خداشناسی (1)، علم آموزی (2)، صداقت (3)، کمال جویی، عدالت خواهی، و زیبادوستی از جمله اموری است که در پرورش شخصیت کودک و سعادت او تأثیر

ص: 77

-
- 1- برای کسب اطلاعات در این زمینه به بخش تربیت دینی مراجعه کنید.
 - 2- برای آگاهی از اهمیت علم آموزی به تربیت اجتماعی - حقوق رجوع شود.
 - 3- برای اطلاع بیشتر به تربیت اجتماعی - اخلاقیات رجوع شود.

اساسی دارد. آموزه های اسلام، تربیت گرایش ها و تمایلات عالی در کودک را از وظایف پدر و مادر برشمرده است. این امر مهم، ممکن است در زندگی فراموش شود و گاه با این گمان که همه این مسائل در مدرسه آموزش داده می شود، از برنامه اساسی خانواده حذف شود، در حالی که خانهباید نخستین و مهم ترین پایگاه یادگیری ارزش های متعالی و انس با آن ها باشد.

نمونه هایی از این گرایش ها بدین شرح است:

کمال جویی

کمال جویی از گرایش های فطری و مطلوب انسانی است که موجب تعالی روح آدمی می شود. انسان برای کمال جویی و نیل به کمال نهایی که قرب پروردگار جهان است، آفریده شده و این امر با عبادت و تسلیم محض در برابر خدا حاصل می شود، چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: «ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)» (1).

از آنجایی که اهل بیت پیامبر از نظر قدرت جسمی، روحی، کرامات و معجزات، اتکاء به قدرت خدا، برخوردار از علم لدنی و الهی، فضیلت و کمال، از همه انسان ها برترند و مظهر کمال و جمال الهی

ص: 78

محسوب می شوند. والدین باید حس کمال جویی و آرمان گرایی فرزندان خود را از طریق معرفی الگوهایی مانند اهل بیت پیامبر، پرورش دهند و با طرح شجاعت ها، فضایل و معجزات و کرامات، و مقام شفاعت ایشان، در کودکان را نسبت به آنان علاقه مند کنند. بدیهیاست که از معجزات و کرامات آن بزرگواران، باید به اندازه ی فهم کودکان سخن گویند.

عدالت خواهی

هر انسانی بر پایه ذات و فطرت و طبیعت خویش به سوی حق و عدالت گرایش دارد و از باطل و بی عدالتی رویگردان است. عدالت خواهی همواره به عنوان کمال و گرایشی متعالی، مطلوب و مقصود بشر است.

عدالت خواهی، نوعی اصلاح طلبی نیز می باشد و پیامبران الهی (که بزرگ ترین مصلحان تاریخ هستند)، جملگی قیام به قسط و عدالت خواهی را سرلوحه برنامه های تبلیغی خود قرار دادند و در مقابل تمامی مظاهر ظلم و بی عدالتی، قد برافراشتند.

آموزه های دینی و سیره معصومان علیه السلام بیانگر ضرورت انکار ناپذیر عدالت است.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که:

ص: 79

«بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» «آسمان ها و زمین، با عدالت، پا برجا می مانند».(1)

از امام علی علیه السلام درباره ی عدالت خدا است که: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَنَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَلَا تُعَارِضُهُ فِي مَلْطَانِهِ» «به راستی که عدالت ترازوی خدای سبحان است که در میان مردم قرار داده و برای برپاداشتن حق، نصب فرموده است، بنابراین، در ترازوی خداوند با او مخالفت نکن و با حکومتش مستیز».(2)

بر این اساس والدین با توجه به فطری بودن امر عدالت خواهی می توانند با شیوه های گوناگون آن را در کودکان خود پرورش دهند و با رعایت عدالت در امور زندگی و رفتارهای خود به صورت عملی به فرزندان آموزش دهند.

تمایل به زیبایی ها

تمایل به زیبایی ها و دوست داشتن آن ها از گرایشهای فطری انسانی است؛ انسان به طور ذاتی طالب زیبایی ها است. انبیای الهی نیز از این حس برای دعوت انسان ها به توحید و هدایت آن ها بهره برده اند؛ به

ص: 80

1- . عوالی اللئالی، ج4، ص 103.

2- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 224.

عنوان مثال در صدر اسلام بسیاری از مشرکان تنها با شنیدن صوت زیبای قرآن به اسلام گرویدند.

والدین و مربیان تربیتی می توانند با استفاده از حس زیبایی دوستی، بسیاری از مسائل اخلاقی و دینی را به کودکان خود آموزش دهند.

تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی کودک عبارت است از تأدیب فرزندان بر اساس آداب و اصول ارزشمند اخلاقی و روانی در زندگی اجتماعی است تا آنان از همان دوره ی کودکی بتوانند در جامعه حضور یابند و از حسن رفتار، ادب، تعادل روحی روانی و خردورزی در برخورد با دیگران برخوردار شوند.

این امر باید به نحوی صورت گیرد که آنچه به عنوان اصول و قواعد زندگی اجتماعی شناخته می شود در درون کودک نهادینه شود تا جایی که بتواند نماد کاملی از یک انسان واقعی باشد.

اسلام به عنوان دینی جامعه نگر به تربیت اجتماعی انسان، عنایت خاصی دارد چنانکه کوشش برای بهره‌مندی از تقوی، کرامت، قناعت، عفو و بخشش، احترام به شخصیت دیگران، تواضع، اعتماد به نفس، نظم و انضباط، شفقت، تعادل روحی و اخلاقی، محبت متقابل، رعایت حقوق دیگران، جرأت و شهامت داشتن، ایثار و گذشت، نظارت و مراقبت اجتماعی، مشورت کردن، تعاون، همکاری و مسئولیت پذیری بخشی از دستورات آن است.

خانواده اولین نهادی است که اصول تربیت اجتماعی در آن تجربه می شود و آموزش رفتار شایسته و پسندیده به کودک از آنجا آغاز می شود. خصوصیات اجتماعی مانند سایر روحیات انسانی به طور ناگهانی در کودکان ظهور و بروز نمی کنند بلکه به تدریج و بر اساس پرورش والدین در رفتار و کردار آنان به وجود می آید.

آنان برای آنکه بتوانند خودشان را با اجتماعی که در آن زندگی می کنند، سازگار کنند، باید مهارت های اجتماعی گوناگونی بیاموزند. این مهارت ها در برگرفته طیف وسیعی از توانایی های گروهی، مانند شروع، حفظ و پایان یک مکالمه ساده پیچیده ترین آن ها مثل، فرایند حل مسأله و تعارض است. (1)

برخی از مهم ترین مهارت های اجتماعی عبارتند از مهارت ارتباط با دیگران، گوش دادن، همدلی، همکاری و کمک به دیگران و مسئولیت پذیری؛ والدین می توانند این مهارت ها را با استفاده از روش های گوناگون مثل ایفای نقش و اجرای نمایش به فرزندانشان بیاموزند.

ص: 82

1- مقاله: «چطور مهارت های اجتماعی را به کودکان آموزش دهیم؟»، ندا نصیری، روزنامه همشهری، دوشنبه 14 تیر 1389 ش.

مهم ترین مباحثی که ذیل تربیت اجتماعی می گنجد، عبارت است از ارتباطات، خانواده، اخلاقیات، نظارت اجتماعی و حقوق که در ادامه به آن ها می پردازیم:

ارتباطات

اشاره

انسان موجودی اجتماعی است و به همین سبب نیازمند تعامل و برقراری ارتباط با دیگران است. در سایه ی ارتباط با دیگران است که بیشتر نیازهای بشری همچون نیازهای فیزیولوژیکی (گرسنگی، تشنگی و...)، نیاز به امنیت، نیاز به احساس تعلق و عزت نفس وی بر آورده می شود.

هچنانکه دوست داشتن فهمیدن، پی بردن به ارزش های خود و دیگران همگی از طریق بودن با دیگران حاصل می شود. با وجود این، اغلب انسان ها در چگونگی برقراری ارتباط با هممنوع خود با مشکل روبرو می شوند و بیشتر اوقات از فهمیده نشدن ها، قدرناشناسی ها و یا حتی برخورد نامناسب خود با دیگران رنج می برند. آن ها از این واقعیت غافل هستند که کسب مهارت هایی خاص در بهبود روابطشان با دیگران و فائق آمدن با مشکلات ارتباطی چه تأثیر مهمی در زندگی آن ها دارد.

مهارت برقراری ارتباط

اشاره

زندگی اجتماعی بدون برقراری ارتباط ممکن نیست. اگر ارتباطات اجتماعی درست نباشد، امکان بروز انواع و اقسام مشکلات فردی و اجتماعی پیش می آید. شناخت خود، شناخت دیگران و شناخت

پدیده ها و واقعیت های اجتماعی، لازمه تعامل درست و سازنده با دیگر افراد اجتماع است. شناخت در هر یک از این سه زمینه، نیازمند یادگیری و آموزش درست و ممارست در تمرین آموخته ها است. شناخت واقع بینانه از مسئولیت ها، وظایف و حقوق خود، شناخت حقوق و مسئولیت های دیگران، شناخت شرایط، امکانات و پیش زمینه ها و پس زمینه های بروز اتفاقات و پدیده ها، لازمه برقراری ارتباط درستو مناسب است. برخی

از مهارت ها که در ایجاد ارتباط و تقویت روابط اجتماعی کودکان مؤثر است عبارتند از:

1. سلام و احوالپرسی کردن

سلام کردن از آداب اجتماعی است که اسلام نسبت به آن سفارش بسیاری کرده است. از امام علی علیه السلام است که:

«السَّلَامُ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَسَعُهُ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِي وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ» «سلام هفتاد ثواب دارد که شصت و نه تای آن برای سلام کننده است و یکی برای جواب دهنده».⁽¹⁾

در حدیث دیگری از نبی اکرم صلی الله علیه وآله، شیوه سلام کردن گروه های مختلف بیان شده است:

«يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ، وَيُسَلِّمُ الْوَاحِدُ عَلَى الْإِثْنَيْنِ، وَيُسَلِّمُ الْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ، وَيُسَلِّمُ الرَّابِحُ عَلَى الْمَاشِي، وَيُسَلِّمُ الْمَاشِي عَلَى الْقَائِمِ، وَيُسَلِّمُ الْقَائِمُ عَلَى الْقَاعِدِ» «کوچک به بزرگ سلام کند و یک

ص: 84

نفر به دو نفر و عده کمتر به عده بیشتر و سواره به پیاده و رهگذر به ایستاده و ایستاده به نشسته» (1) لقمان حکیم به فرزند خود می گفت: «یا بُنَّیْ اَبْدُ النَّاسِ بِالسَّلَامِ وَ الْمُصَافَحَةِ قَبْلَ الْكَلَامِ» (فرزندم، قبل از آن که با مردم سخن آغاز کنی، در سلام کردن و مصافحه کردن پیش قدم شو) (2).

از آنجا که نخستین گام برقراری یک ارتباط صحیح و سالم سلام و احوالپرسی کردن است ضرورت آموزش این مهارت به کودکان واضح و روشن می شود. کودکانی که مشکل ارتباطی دارند، ممکن است به افراد آشنای خود هم سلام نکنند. آن ها ممکن است درست کنار دوستشان راه بروند، ولی حتی یک نگاه هم به او نکنند یا موقع حرف زدن، نتوانند تماس چشمی برقرار کنند. این کودکان در مواردی هم که سلام می کنند تُن صدایشان چندان دوستانه و صمیمی نیست.

هنگام سلام کردن مهم نیست، که کودک از چه عبارت و جمله ای استفاده می کند یا با چه لحن و حالتی جمله اش را بیان می کند، مهم آن است که طوری به دوستش سلام کند که او از دیدنش احساس شادی و خوشحالی کند و به این ترتیب روابط اجتماعی خود را گسترش دهد.

ص: 85

1- . کنز العمال، ج 9، ص 126.

2- . الإختصاص، ص 338.

2. پیش قدم شدن در گفت و گو

بعد از سلام و احوال پرسی، معمولاً گفت و گو شروع می شود. برای ورود به بحث، کودک باید بتواند مکالمه ای را آغاز کند، ادامه دهد و به پایان برساند. این مهارت مستلزم خوب گوش دادن و توجه کردن است؛ برای مثال، او باید اصل «رعایت نوبت» را بداند. گاهی کودکان موضوعی برای صحبت کردن با یکدیگر ندارند، در این گونه موارد می توانند پرسشی را مطرح کنند؛ مثل کارتون موش و گربه را دیده ای؟ یا می دانی در مدرسه چه اتفاقی افتاده است؟ و امثال آن. موضوع بحث باید برای هر دو طرف جالب و جذاب باشد تا هر دو را به نوعی درگیر صحبت کند. مکالمه یک طرفه موجب خستگی و کسالت دو طرف می شود و ممکن است موجب قطع همین ارتباط ساده هم شود؛ حتی ممکن است تأثیری منفی در ذهن آن دو بگذارد چنانکه در آینده نیز تمایلی برای صحبت کردن با هم نداشته باشند. بنابراین گوش کردن مثل صحبت کردن مهم است. اگر کودک علاقه ای به آن چه دوستش می گوید، از خود نشان ندهد، ممکن است از صحبت کردن با او منصرف شود. کودکان کم توجه و پرتحرک، اغلب زمان صحبت کردن و گوش کردن را درست تشخیص نمی دهند.

3. درک احساس شنونده

زمانی که یک گفت و گو آغاز می شود، برای حفظ و ادامه آن لازم است، گوینده به عواطف و احساسات شنونده توجه داشته باشد.

کودکانی که مشکل ارتباطی دارند، اغلب در درک احساسات شنونده ناتوان هستند، در حالی که کودک اجتماعی، سریع و راحت می تواند احساسات شنونده اش را بشناسد و طبقه بندی کند، آن گاه سخنانش را ارزیابی کند و براساس پاسخ هایی که از شنونده دریافت می دارد، کلماتش را انتخاب کند و گفت و گو را ادامه دهد. بخش دیگری از مهارت گفتگوی افراد مربوط به تشخیص درست اختلاف ها و مسائل بین آن ها است. گاهی ممکن است شنونده با گفته های گوینده موافق نباشد و از شنیدن سخنان او خشمگین شود و شروع به پرخاشگری و تندی کند، در این گونه موارد چگونگی پاسخ دهی گوینده به حالات عاطفی شنونده، تأثیر زیادی بر روند گفت و گو دارد. کودکانی که توانایی درک اختلاف ضمن گفت و گو را ندارند، معمولاً دچار ضعف ارتباطی هستند. آن ها خیلی زود عصبانی می شوند و ممکن است تا مدت ها از صحبت کردن با شنونده صرف نظر کنند.

این گونه کودکان می خواهند همیشه برنده باشند و اصلاً برایشان مهم نیست که باید چه بهایی برای این برنده شدن پردازند؛ گاهی این بها به قیمت از دست دادن دوست است. این گروه مدام در اجتماع لطمه می خورند و برای خودشان دشمن می تراشند. برای یک تعامل و گفت و گوی دوطرفه و حفظ روابط دوستی نیاز به برنده شدن یک طرفه نیست، بلکه باید هر دو طرف احساس برنده شدن کنند.

همدلی عبارت است از «تمایل پاسخ دهی به حالت عاطفی دیگران با حالتی عاطفی و مشابه» (1) همدلی کردن از مهارت های بسیار مهم و اساسی در زندگی هر فرد است و در روایات، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است؛ برای نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله واکنش های عاطفی انسان را به واکنش های اعضای یک پیکر در هنگام آسیب تشبیه می کنند و می فرمایند:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى» «حکایت مؤمنان در دوستی، مهربانی و دلسوزی نسبت به یکدیگر، حکایت پیکر (آدمی) است، که هرگاه عضوی از آن به درد آید، سایر اعضای بدن با بیداری و تب و سوز آن همدردی می کنند» (2).

سعدی شیرازی نیز با بهره مندی از همین سخن دلنشین می سراید که:

بنی آدم اعضای یک پیکرند * که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار * دگر عضوها را نماند قرار (3)

روزگار

ص: 88

1- . مهارت های زندگی، مهدی نیلی پور، ص 124.

2- . بحار الانوار، ج 58، ص 150.

3- گلستان سعدی، باب اول.

رسول خدا صلی الله علیه وآله در تشبیهی دیگر همدلی و چگونگی ارتباط دو مؤمن نسبت به همدیگر را همچون آینه ای معرفی می کنند از ایشان است که: «الْمُؤْمِنُ مِنْ مِرْأَةِ الْمُؤْمِنِ» «مؤمن آینه مؤمن است».⁽¹⁾ همدلی دارای آثار مثبت فراوانی همچون ایجاد احساس خوشایندی در طرفین، پیش گیری از رفتارهای ناخوشایند نسبت به یکدیگر، نجات از تنهایی و غربت، تحکیم روابط اجتماعی و خانوادگی، ایجاد تمایل برای مشارکت و همکاری با یکدیگر، کمک در تصمیم گیری صحیح، ایجاد امید و نشاط در زندگی و جلب رضایت خداوند است.

همدلی کردن این امکان را به فرد می دهد که بتواند ارتباطی واقعی با دوستانش برقرار کند. برای مثال، اگر دانش آموزی در درس ریاضی نمره 20 گرفته ولی دوستش نمره پایینی کسب کرده است، بتواند شادی خود را کنترل کند و با دوستش به ابراز همدردی بپردازد. او می تواند با گفتن جمله ای نظیر «اشکال ندارد، سعی کن در امتحان بعدی بیشتر درس بخوانی تا نمره بهتری بگیری»، او را دلداری دهد. کسب مهارت همدلی به واسطه رعایت نکاتی همچون توجه به عواطف و احساسات دیگران، اظهار رضایت از احساسات مثبت طرف مقابل، انتخاب واژه های مثبت و عاطفی، تقویت صفت بردباری در خود، دادن فرصت به دیگران برای بیان احساسات است.

ص: 89

5. یافتن نقاط مشترک

برای حفظ یک مکالمه دوستانه، توجه به نقاط مشترک هر دو طرف اهمیتی خاص دارد. این امر به کودکان کمک می کند تا تمایل بیشتری برای ادامه دوستی و دیدارهای بعدی داشته باشند.

6. عذرخواهی کردن

هر فردی ممکن است گاهی دچار سوءتفاهم و اشتباه در روابط اجتماعی خود با دیگران شود. فردی که از مهارت های اجتماعی قوی برخوردار است، با اعتماد به نفس کافی یا پیش می گذارد و بابت اشتباهش عذرخواهی می کند. با این شیوه پسندیده، او سریع و آسان می تواند رفتارش را تصحیح کند. کودکانی که در مهارت های اجتماعی ضعیف هستند، هنگام بیان عذرخواهی دچار دردسر می شوند و دست و پای خود را گم می کنند. آن ها می ترسند که دیگران آن ها را احمق بدانند، درحالی که مردم معمولاً برای کسی که بابت اشتباه خود عذرخواهی می کند، احترام و ارزش بیشتری قائل هستند.

7. مهارت دوستی

دوستی یک فرایند اجتماعی در زندگی همه انسان هاست. برخی از افراد خواهش یا پیشنهاد دوست را بر خواهش یا پیشنهاد دیگر نزدیکان ترجیح می دهند و تأثیری را که از دوست خود می پذیرند، از هیچ معلم و مربی ای پذیرا نیستند؛ بنابراین وقتی که دوست تا این درجه می تواند

در زندگی فرزندان ما تأثیر داشته باشد، ضروری است که والدین فرزندان خویش را نسبت به آداب دوست یابی آموزش دهند.

8. مهارت مشارکت اجتماعی

از دیگر مهارت هایی که زمینه را برای رشد و بالندگی کودکان مهیا می سازد، مهارت مشارکت اجتماعی است. کودکانی که در گروه- های اجتماعی و بازی های گروهی عضو مفید و موفق هستند معمولاً در زندگی اجتماعی از رضایت بیشتری برخوردارند.

شناخت قوانین گروه و اطاعت از اعضای آن، تشخیص سلسله مراتب اجتماعی در گروه، هماهنگ کردن دیدگاه خود با دیگران، شناخت فراز و نشیب های اجتماعی و کنترل خود به هنگام بروز بحران و مشکل و توجه به نیازهای اعضای گروه، از شرط های لازم برای داشتن مشارکت اجتماعی موفق است.

9. مهارت تعامل اجتماعی

همان گونه که افراد از لحاظ اقتصادی به دیگران احتیاج دارند و در یک جریان تعاملی مستمر، نیازهای خود را از منابع مختلف همچون نانوائی، قصابی و خیاطی تأمین می کنند، در زمینه روابط اجتماعی نیز به چنین داد و ستدهایی نیاز دارند؛ برای مثال، نیاز به محبت در جریان تعامل اجتماعی با خانواده، نیاز به دانش اندوزی و کسب مهارت های فنی و علمی از طریق آموزشگاه ها و مراکز مربوطه و نیازهای بهداشتی و درمانی در مراکز بهداشتی و بیمارستان ها تأمین می شوند.

کودکان باید یاد بگیرند که نهادها و واحدهای مختلف اجتماعی، نیازهای گوناگون آنان را بر طرف می کنند و به همین دلیل نباید از هر واحد اجتماعی انتظارات نامناسب داشته باشند، مثلاً درست نیست که فرزندان برای تأمین نیاز به محبت در کوچه و خیابان و در میان مردم به جست و جو پردازند، محبت را باید در کانون خانواده پیدا کرد. پس حضور و شرکت در مجامع مختلف اجتماعی احتیاج به شناخت و کسب مهارت لازم دارد که باید آن را به فرزندان خود آموخت.

آموزش برخورد سالم و آداب معاشرت

بسیاری از مظاهر برخورد سالم در روایات معصومین علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته است از جمله: پیشی گرفتن در سلام، مصافحه کردن قبل از کلام، گفتار نیکو با مردمان، امانت داری، احسان به دیگران، عفو، راستگویی، خوش خلقی و پرهیز از مواردی چون به خود نازیدن و خود را بزرگ پنداشتن، مشاجره و کشمکش، استهزاء و تحقیر افراد و ظلم و تجاوز به حریم دیگران.

امام علی علیه السلام ضمن وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

«قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ» «با مردم به نیکویی سخن بگویید همان گونه که خداوند شما را بدان امر کرده است»⁽¹⁾.

ص: 92

همچنین از ایشان به فرزند خود محمد حنفیه است که:

«إِيَّاكَ وَالْعُجْبَ وَسُوءَ الْخُلُقِ وَقَلَّةَ الصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا يَسْتَتَمُّ لَكَ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ...» «مبادا به خودبینی و بداخلاقی و بی صبری مبتلا شوی زیرا با این صفات هیچ دوستی برایت باقی نمی ماند و پیوسته تعدادی از مردم از تو کناره می گیرند».(1)

و در حدیث دیگری از ایشان است که:

«وَاقْبَلْ عُذْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْكَ وَخُذِ الْعَفْوَ مِنَ النَّاسِ» «عذر کسی را که از تو پوزش بخواهد بپذیر و گذشت از مردم را پیشه کن».(2)

با توجه به چنین روایاتی، پدر و مادر باید سعی کنند که در کودکانشان احترام به دیگران و همچنین اصول همزیستی، با نزدیکان شکل بگیرد. والدین باید به فرزندان خود بیاموزند که پاره ای از خوش رفتاری و بدر رفتاری دیگران نسبت به آن ها، بازتاب رفتارهای خود آن ها است. چنانکه لقمان حکیم به فرزند خود می فرماید:

«يَا بُنَيَّ لَا تَشْتِمِ النَّاسَ فَتَكُونَ أَنْتَ الَّذِي شَتَمْتَ أَبُوَيْكَ» «فرزندم، مردم را دشنام مده که سب دشنام به پدر و مادر خود گردی».(3)

در حقیقت فرزندان باید بیاموزند که هر چه نسبت به دیگران بر زبان بیاورند به خود آنان باز می گردد اگر ناسزا بگویند مورد ناسزاگویی

ص: 93

1- . الخصال، ج 1، ص 147.

2- . بحار الأنوار، ج 74، ص 213.

3- . الإختصاص، ص 340.

دیگران قرار می گیرند، اگر دروغ بگویند به آنان دروغ گفته می شود، اگر نفرت بورزند مورد نفرت قرار می گیرند و اگر دوست بدارند، دوست داشته می شوند. برخی از راه کارهای پیشنهادی برای آموزش آداب معاشرت به فرزندان عبارت اند از:

- با رفتار خود نسبت به دیگران مثل از جا بلند شدن به احترام بزرگ ترها، احترام و ادب در مقابل آنان را به فرزندان خود بیاموزیم.

- قبل از شرکت در مناسبت های اجتماعی (مهمانی ها و جلسات عمومی) رفتارهای مناسب را به صورت مختصر یا به شکل بازی به کودکان خود آموزش دهیم.

- در عین صمیمیت و مهربانی، به کودکان اجازه بی ادبی و وارد شدن به حریم خویش را ندهیم.

- هنگام بی ادبی کودکان، هرگز در مقابل جمع به آنها تذکر ندهید؛ از نسبت دادن صفات بد به آنها جداً پرهیزیم و تنها کارهای بد آنها را به آنها یادآوری کنیم. برای مثال اگر کودک رفتار غیرمحترمانه ای داشت و حرف ناپسندی زد، با آرامش و جدیت به او تذکر دهیم: «وقتی با احترام صحبت کردی به حرفت گوش می دهم» و یا آنکه خود را به نشنیدن بزنیم.

- با القاب زیبا و محترمانه از فرزند خود یاد کنیم؛ معاشرت و رفتارهای صحیح او را تشویق کنیم و طوری که بشنوند، در نزد دیگران از آنها تمجید کنیم.

- هرگز نزد آنها از دیگران بدگویی نکنیم؛ این کار موجب بدبینی خردسالان نسبت به دیگران می شود. - توصیه های مذهبی مانند پرهیز از آزار والدین، گناه غیبت، زشتی قهر، پاداش احترام به والدین و بزرگ ترها در این زمینه بسیار کارساز است.

- درباره صحنه های برخورد های صحیح یا غیر صحیح فیلم ها و برنامه های تلویزیونی بحث کنیم.

- روابط خردسالان خود را با کودکان مؤدب و با اخلاق بیشتر کنیم و زمینه های معاشرت آنها را فراهم سازیم.

صله رحم و آموزش مهارت های اجتماعی

دید و بازدید های معمول و مراودات خویشاوندی که در دین اسلام از آن به عنوان «صله رحم» یاد می شود؛

یکی از مهم ترین آداب اجتماعی است که در روایات متعددی به آن سفارش شده است. از:

امام علی علیه السلام در این باره است که:

ص: 95

«صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَلَوْ بِالسَّلَامِ» «صله رحم کنید حتی اگر به سلام کردن باشد». (1)

همچنین از امام صادق علیه السلام است که:

«صَلِّ رَحِمَكَ وَلَوْ بِشَرْبِهِ مِنْ مَاءٍ، وَأَفْضَلُ مَا تُوَصَّلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا» «صله رحم کن، حتی اگر با دادن یک لیوان آب به نزدیکانت باشد و بهترین صله رحم بازداشتن خود از آزار و اذیت آن هاست». (2)

صله رحم در سرنوشت دنیوی و اخروی مؤثر است؛ چنانکه امام حسین علیه السلام می فرماید:

«مَنْ سَدَّرَهُ أَنْ يُسَدَّ فِي أَجَلِهِ وَيُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِدْ رَحِمَهُ» «هر کس می خواهد اجلش به تأخیر بیفتد و روزی اش زیاد شود، صله رحم کند». (3)

و رسول خدا صلی الله علیه وآله قطع کننده رحم و عاق والدین را جزو مجموعه کسانی می داند که بوی بهشت را نخواهند شنید از ایشان است که می فرماید:

«إِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ؛ مَا يَجِدُهَا عَاقٌّ، وَلَا قَاطِعُ رَحِمٍ وَ...» «بوی بهشت، از فاصله هزار سال راه شنیده می شود ولی

ص: 96

1- . الخصال، ج 2، ص 613.

2- . الکافی، ج 3، ص 389.

3- . بحار الانوار، ج 71، ص 91.

عاق والدین و قاطع رحم آن را نخواهد شنید (یعنی به این اندازه از بهشت دورند)» (1).

با توجه به مطالب مذکور والدین باید به صله رحم توجه ویژه ای داشته باشند و از آن به عنوان موقعیت تربیتی کارآمد برای تسریع یادگیری قواعد و روابط مطلوب اجتماعی در کودکان استفاده کنند.

آموزش مسؤلیت پذیری به فرزندان

کارهای روزانه منزل مثل آشپزی، شستن لباس و تمیزکردن خانه، هر روز به ساعت ها وقت نیاز دارد. کارهای خانه را می توان هنگامی که بچه ها در خواب یا مشغول بازی هستند، آسان تر انجام داد؛ اما بهتر است والدین، متناسب با سن، استعداد، آمادگی، توان بدنی و ادراکی کودکان انجام بعضی از کارها را به آن ها بسپارند تا آن ها از زمان طفولیت مسؤلیت پذیر بار بیابند. در تعالیم اسلامی نیز به اهمیت مسؤلیت پذیری اشاره شده است از امام علی علیه السلام به فرزند خویش امام حسن علیه السلام است که:

«وَاجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ لَا يَتَوَكَّلُوا فِي خِدْمَتِكَ»؛ «برای هر یک از کارکنان منزل کاری را معین کن

ص: 97

و مسئولیت آن را بر عهده اش بگذارد. وقتی وظیفه خود را فهمیدند، به امید دیگران از زیر کار شانه خالی نمی کنند.»⁽¹⁾

کودکان علاقه دارند از بزرگ ترها تقلید کنند و کارهای منزل را انجام دهند؛ بنابراین اگر کودکان، خود به انجام کاری اظهار تمایل کردند، پدر و مادر باید از این تمایل استفاده کنند و انجام کارهای منزل و کمک کردن به والدین را به عنوان یک ارزش به آن ها یاد دهند تا به کار کردن عادت کنند و فردی تنبل و راحت طلب تربیت نشوند. برای مثال والدین می توانند از کودکان هنگام ظرف شستن، خشک کردن ظرف ها و یا چیدن آن ها و ... کمک بگیرند. البته شرکت دادن کودکان در کارهای منزل و تشویق آن ها به پذیرش مسئولیت ها، کار و مسئولیت مادر را کم نمی کند و گاهی ممکن است باعث زحمت بیشتر او شود. اما اگر فرزندان خود را از زمان طفولیت مسئولیت پذیر و با نظم و انضباط تربیت کنیم، باعث می شود کارهای شخصی و تکالیف مدرسه را بهتر انجام دهند و در آینده زحمت زیادی برای والدین درست نکنند.

برخی از نکاتی که در آموزش مسئولیت پذیری کودکان به والدین کمک شایانی می کند عبارتند از:

ص: 98

1- . نهج البلاغه، نامه 31.

- در موقع واگذاری مسئولیت به کودک باید مقدار توانایی و صبر و حوصله کودک را در نظر گرفت و کارهای دشوار و خسته کننده را بر عهده اش نگذاشت، زیرا ممکن است از کار کردن بیزار گردد و در آینده، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند. خداوند بزرگ هم انسان ها را در حد توانمندیشان مکلف ساخته است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند» (1).

- بهتر است وظایف افراد خانواده برای کودک شرح داده شود؛ بری مثال به او گفته شود پدر کار می کند و زحمت می کشد تا مخارج منزل را تأمین کند. مادر هم کارهای داخل خانه را انجام می دهد. تو نیز یکی از افراد خانواده هستی و برای اداره امور منزل باید همکاری داشته باشی و به اندازه ای که می توانی کمک کنی، البته باید در این مورد از اعمال زور و تحمیل خودداری گردد.

- در صورت امکان در قبول مسئولیت به کودک حق انتخاب داده شود؛ مثلاً می توان به او گفت: «میل داری ظرف ها را بشویی یا اتاق را جارو کنی؟».

- بهتر است حدود و مقدار مسئولیت را دقیقاً برای کودک روشن کرد تا تکلیف را بفهمد و شک و تردید نداشته باشد.

ص: 99

- می توان برای کودکانی که توانایی دارند، وظایف دائمی تعیین کرد، تا بیشتر احساس مسئولیت کنند؛ برای مثال یک نفر مسئول خرید نان باشد و دیگری مسئول پهن کردن سفره.

- پیشنهاد می شود والدین کارهایی را بر عهده کودک بگذارند که برایش مطبوع و پسندیده باشد تا وظیفه اش را با علاقه انجام دهد.

- وقتی کودک کارهای خوب انجام می دهد و به والدین کمک می کند، او را تحسین و تشویق کنند؛ برای مثال هنگامی که کودک بدون درخواست پدر و مادر، داوطلبانه به آن ها یا خواهر و برادرش کمک می کند، به او بگویند که از داشتن او احساس غرور و خوشحالی می کنند. - برای علاقه مند کردن کودکان به کار کردن بهتر است با آن ها همکاری کرد، زیرا آن ها دوست دارند همراه با بزرگ ترها کاری را انجام دهند.

- اگر پدر و مادری بیش از یک کودک در منزل دارند، در تقسیم کار عدالت را رعایت کنند.

- والدین باید باگفتار خود نیز سرمشق خوبی برای فرزندان باشند؛ مثلاً اگر می خواهند، فرزندانشان لباس های خود را جمع کنند و در جالباسی بچینند، والدین باید ابتدا خود، این نظم و ترتیب را رعایت کنند. - از بچه های کوچک نباید انتظار داشت که رفتار و گفتار خوب را به خودی خود یاد بگیرند. باید به آن ها یاد داد که چگونه سینی یا

بشقاب را با دو دست بگیرند یا چگونه شیر را در یک لیوان خالی کنند که چیزی از آن بیرون نریزد. والدین ضمن این آموزش ها، به استعداد و قابلیت فرزندان خود پی می برند و همچنین با مشاهده توانایی ها و ناتوانی های آن ها، انتظارت خود را تعدیل می کنند. در واقع نحوه ی انجام درست هر کار را باید همیشه به کودکان نشان داد و نباید توقع داشت که در زمان کوتاهی در آن کار مهارت پیدا کنند.

- وقتی بچه ها بزرگ تر شدند و توانستند یکی از مشاغل و کارهایی را که سود مادی دارد انجام دهند، بهتر است در ایام تعطیلات، شغل و در صورت امکان یک کار تولیدی برای شان در نظر بگیرند و در انجام آن تشویقشان کنند. بدین وسیله، به کار کردن عادت می کنند. هر چند آموزش مسئولیت پذیری به کودکان آسان نیست ولی اگر این آموزش به نحو احسن انجام پذیرد کودکان روحیه خدمت به اجتماع و کشور را یاد می گیرند و والدین هم فرزندان منظم و مسئولیت پذیر خواهند داشت که زحمت آن ها به مراتب کمتر از زحمت بچه های نامنظم و غیر مسئول است.

دوست یابی و تربیت اجتماعی

اشاره

فرزندان از دوره کودکی با هم بازی های خود رابطه دوستانه را تجربه می کنند. انتخاب دوست و حضور در جمع های دوستانه و گروه های هم سال برای تربیت اجتماعی فرزندان لازم است، زیرا در این ارتباط، آثار رفتار خود با دیگران را مشاهده کرده و به تنظیم آن ها

می پردازند و در این داد و ستدهای تجربی، پایه های رفتارهای اجتماعی آنان استحکام می یابد. در این دوره پدر و مادر وظیفه دارند، فرزندان خود را با معیارها و ضابطه های انتخاب دوست خوب آشنا کنند و از تحمیل مصداق ها به آن ها بپرهیزند. در روایات، معصومین علیهم السلام به زیباترین بیان، ضرورت دوستی، معیارها و ضوابط انتخاب دوست را به همراه دلایل آن ها ارائه کرده اند که این خود نیز در زمینه سازی ارائه ارزش ها قابل دقت است؛ برای نمونه امام علی علیه السلام ضمن توصیه به مردم برای استحکام پیوند، دوست را بهترین ذخیره در دنیا و آخرت می داند و می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْإِخْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُمَّدَةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» «بر شما لازم است که برای خود دوستانی برگزینید؛ زیرا دوستان ذخایر دنیا و آخرت هستند».(1)

از دیدگاه ایشان معیارهای دوست خوب عبارت است از:

1. برخورداری از عقل و رشد عقلانی: از ایشان است که:

«صُحْبَةُ الْوَلِيِّ اللَّيِّبِ حَيَاةُ الرُّوحِ» «هم نشینی با دوست عاقل و خردمند، زندگی بخش جان و روح است».(2)

و در حدیث دیگری می فرمایند:

ص: 102

1- . مستدرک الوسائل، ج 8، ص 323.

2- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 420.

«أَكْثَرُ الصَّالِحِ وَالصَّوَابِ فِي صَدْحِبِهِ أَوْلَى النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ» «بیشترین خوبی ها و درستی ها از هم نشینی با عاقلان و صاحبان خرد به دست می آید». (1)

سعدی تأثیر همنشینی با نیکان را در ابیات زیبایی چنین بیان کرده است:

جامه کعبه را که می بوسند * او نه از کرم پیله، نامی شد

با عزیزی نشست روزی چند * لاجرم همچو او گرامی شد (2)

2. داشتن سلامت روح و روان: از امام علی علیه السلام است که: «يَا بَنِي إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ» «ای فرزندانم، از دوستی با آدم ظالم بپرهیز». (3)

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

«مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَقُلْ فِيكَ شَرًّا فَاتَّخَذَهُ لِنَفْسِكَ صَدِيقًا» «کسی که سه بار نسبت به تو خشمگین شود و دربارہ ات به بدی سخن نگوید، شایسته رفاقت است او را برای دوستی انتخاب کن». (4)

3. رعایت عدالت و انصاف: از امام علی علیه السلام است که:

ص: 103

1- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 201.

2- گلستان، باب هفتم.

3- . نهج البلاغه، ص 475، حکمت 38.

4- . وسائل الشیعه، ج 12، ص 147.

«بِالنَّصْفِ يَكْثُرُ الْمُوَاصِلُونَ» (نهج البلاغه، ص 508، حکمت 223).

(به انصاف و برابری پیوستگان و دوستان بسیار شوند).

از امام علی علیه السلام است که:

«خَيْرُ الْأَخْوَانِ أَقْلُهُمْ مُصَانَعَةً فِي النَّصِيحَةِ» «بهترین دوستان تو کسی است که در نصیحت کردن به تو کمتر اهل سازش باشد». (1)

4. صداقت: از امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام است که:

«إِيَّاكَ وَ مَصَدَّقَهُ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبُعِيدَ وَ يُبْعِدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ» از دوستی با دروغگو پرهیز، زیرا دروغگو مانند سرا باست که همواره دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو دور می کند». (2)

راهکارهایی برای دوست یابی کودکان

اگر کودک خردسالی، امکان برقراری ارتباط با دیگران را نداشته باشد، نمی تواند مهارت های اجتماعی را بیاموزد. بنابراین والدین باید زمینه ارتباط او با دیگران و مخصوصاً هم سالانش را فراهم کنند؛ برای این منظور می توانند به کودک در دوست یابی کمک کنند. برخی راهکارهای پیشنهادی در انتخاب دوست عبارتند از:

ص: 104

1- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 356.

2- . نهج البلاغه، ص 475.

- برنامه ریزی برای زمان و موقعیت بازی

کودک نوپا فرصت های زیادی دارد که با دیگر کودکان باشد. از این رو پدر و مادر باید برای زمان بازی خردسالان و کودکان خود برنامه ریزی کنند. برای این منظور می توانند از کودکان دوستان و فامیل دعوت کنند.

- تعیین اهداف دوستی

والدین با کودک خود در مورد اینکه دوست دارد چه مهارت های اجتماعی و چه طور دوستی هایی داشته باشد،

صحبت کنند. بیشتر کودکان می توانند به آسانی کودکانی را که دوست دارند، با آن ها دوست باشند، نام ببرند.

- نظارت و تشویق

بهتر است والدین بر شیوه ارتباط کودکان با دوستانشان نظارت داشته باشند و رفتارهای مطلوب آنها را در این زمینه مورد توجه و تشویق قرار دهند؛ به عنوان مثال چند کلمه تحسین آمیز به کار برند تا به کودک بگویند چقدر خوب با دوستش کنار آمده است.

- گردش های خانوادگی

گردش های خانوادگی، فرصت خوبی برای ورود کودکان به موقعیت های اجتماعی و ارتباط با سایر کودکان را فراهم می کند. این

ص: 105

موقعیت‌ها به کودکان کمک می‌کند مهارت‌های اجتماعی خود را به کار گیرند و در عین حال نظاره‌گر ارتباط والدین خود با دیگران باشند.

- برچسب زدن به کودک

توصیف کودک با عناوینی مانند بداخلاق، خجالتی و گوشه‌گیر سبب برانگیخته‌شدن رفتار اجتماعی نامناسب او می‌شود؛ برای نمونه والدین در حال گذشتن از کوچه‌ای هستند و به آشنایی برخورد می‌کنند. فرزند خردسال آنها به نام مریم، در سلام کردن یا حتی نگاه به آن فرد تردید دارد. پدر و مادر رو به فرد آشنا می‌کنند و می‌گویند «مریم خجالتیه»؛ چه بسا آن‌ها با برچسب زدن به کودک خود، رفتار او را تقویت کنند. در حالی که می‌توان با گفتن جملاتی نظیر «تازه الان شما را دید، چند دقیقه طول می‌کشد تا بهتون عادت کنه.» به جای گفتن «همیشه همین طوره!» او را تشویق کنند تا اجتماعی‌تر شود.

- کشف علت دوست‌گزینی کودک

اگر کودک در دوست‌یابی و حفظ آن مشکل دارد، والدین باید تلاش کنند علت آن را دریابند؛ به عنوان مثال، آیا آن‌قدر حساس است که همیشه احساساتش جریحه‌دار می‌شود و دوستانش را از دست می‌دهد؟ آیا ساکت است و نسبت به ارتباط با دیگران بی‌اعتنا است؟ آیا خشونت و رفتار تهاجمی دارد و به همین علت کودکان دیگر

نمی خواهند با او باشند؟ آیا از مهارت های اجتماعی لازم برخوردار نیست؟ ... پس از کشف علت در صدد برطرف کردن آن برآیند.

-گفتگو با کودک

پدر و مادر با کودک خود، درباره رفتارهایی که موجب تأثیرگذاری بر روابط و دوستی ها می شوند، گفتگو کنند. اگر کودک به علت تمام شدن یک رابطه دوستی، از نظر روانی آسیب دیده است، می توانند به او بگویند این گونه مسائل گاهی اتفاق می افتد و ممکن است بعضی اوقات حفظ ارتباط کاملاً در کنترل آن ها نباشد؛ او را امیدوار سازند که در آینده دوستان پایداتری خواهد یافت. با او درباره وضعیت دوستی ها، نظیر این که افراد طی دوران مختلف زندگی، دوستان گوناگونی (هم بازی ها، هم کلاسی ها، دوستان ورزشی و...) دارند که بعضی از آن ها به مدت طولانی و بعضی از آن ها تنها مدت کوتاهی دوست او خواهند بود، صحبت کنند.

همچنین مشخصات یک دوست خوب را برای او بیان کنند، برای این منظور می توانند از کودک بخواهند نام یکی از هم بازی ها یا هم کلاسی هایش که همه او را دوست دارند بگوید و سپس درباره خصوصیات او چنین پرسند: چطور رفتار می کند؟ چه کارهایی انجام می دهد؟

زمانی که والدین در حال خوش آمدگویی به دیگران، گفتگوی تلفنی، خرید و یا انجام هر تعامل دیگری با مردم هستند، الگوی رفتار اجتماعی را به کودک نشان می‌دهند. بنابراین به یاد داشته باشند که آنها حتی مهارت‌های اجتماعی را که به صورت ناخواسته به فرزندان خود می‌آموزند که ترجیح می‌دهند کودک آن‌ها آن مهارت‌ها را یاد نگیرد.

به عنوان مثال اگر خجالتی بودن یکی از خصوصیات پدر یا مادر باشد، ممکن است کودک خجالتی بودن را فراگیرد؛ بنابراین، شاید لازم باشد که والدین برخی از ویژگی‌های خود را تغییر دهند تا الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند.

- ایفای نقش برای آموزش کودک

اجرای نمایش، فرصت مناسبی است تا روش‌های رفتار مناسب با دیگران را به کودک آموزش داد. در نمایش می‌توان ابتدا موقعیت‌های ساده‌ای را نشان داد و سپس آن‌ها را پیچیده‌تر کرد. موقعیت‌ها می‌تواند شامل دعوت یک دوست به بازی، رد یک دعوت، مخالفت مسالمت‌آمیز، صحبت با تلفن، خوشامدگویی به میهمانان، گفتگو با کودکان و بزرگسالان و... باشد. پیشنهاد می‌شود نقش‌ها بین والدین و کودک عوض شود.

والدین می توانند مهارت های گفتگو را به کودکان خود آموزش دهند. برای این منظور پیشنهاد می شود این موارد را تمرین کنند: سلام کردن، معرفی کردن خود و دیگران، پرسیدن سؤالات خاصی برای ادامه یافتن گفت گو؛ مانند چه خبر دیگه چطوری و امثالهم.

- دوست خیالی سبب رشد مهارت های اجتماعی

کودکان از سن دو تا چهارسالگی برای خود دوستان خیالی در نظر می گیرند؛ با آن ها ارتباط برقرار می کنند؛ حرف می زنند؛ بازی می کنند؛ اسباب بازی خود را در اختیار آن ها قرار می دهند؛ با آن ها غذا می خورند و با آن ها می خوابند. این خیال بافی معمولاً تا سن پیش دبستانی ادامه دارد و به تدریج کمتر می شود.

با وجود اینکه اغلب کودکان تا سن هفت سالگی تجربه دوستان خیالی دارند، اما خانواده ها معمولاً از خیال بافی، کودکان دچار نگرانی می شوند. در حالی که داشتن دوستان خیالی در سنین پیش دبستانی می تواند باعث رشد و افزایش مهارت های اجتماعی و ارتباط با دیگران در کودک شود، به عبارت دیگر این موضوع می تواند یکی از مراحل طبیعی رشد باشد و کارکردهای مثبتی برای کودک به همراه داشته باشد.

کودک می تواند احساسات و هیجانات خود را نسبت به هم نشین خیالی خود بروز دهد، اوقات تنهایی خود را با او پر کند و

همچنین ترس و اضطراب احتمالی خود را کم کند. به علاوه داشتن دوست خیالی باعث افزایش خلاقیت در کودک می شود. اما اگر این دوستی های خیالی تا سن نوجوانی و بزرگ سالی ادامه پیدا کند، می تواند باعث انزوای فرد، کاهش ارتباطات اجتماعی و مانع دوست یابی در شخص شود.

هرگونه تجربه اضطراب آور مانند تولد فرزند جدید، جدایی والدین، دعوای پدر و مادر، از دست دادن والدین یا پدر بزرگ و مادر بزرگ، تنها خوابیدن در اتاق، تک فرزند بودن و انزوای کودک احتمال خیال بافی در کودکان را افزایش می دهد. والدین در مواجهه با این خیال بافی ها در سنین پیش دبستانی نباید دچار ترس و وحشت شده و یا کودکان را از داشتن این دوستان خیالی منع کنند. همچنین نباید آن ها را تنبیه یا مسخره کنند. گاه لازم است والدین با ورود به دنیای خیالی کودک، با هم نشین خیالی او همراه شوند و در صورت رضایت کودک، در مورد آن با او صحبت کنند. در صورتی که تنها دوست کودک، دوست خیالی او باشد و کودک با بچه های هم سن خود ارتباطات منسجم و معناداری نداشته باشد و این وضعیت حداقل شش ماه ادامه یابد، والدین باید مداخله کنند. اگر دوست خیالی، کودک را کنترل و به کارهای خلاف وادار می کند، همچنین در صورتی که کودک از هم نشینی با دوست خیالی خود می ترسد و از ارتباط با او وحشت

دارد، نیز لازم است کودک نزد مشاور و روان شناس ارجاع شود تا مداخلات مؤثر انجام گیرد.

انسان دوستی و کمک به دیگران

یکی از مباحث مهم و دقیق قرآنی مسأله محبت اجتماعی است. بسیاری از شعائر اسلامی مقدمه ای برای تبدیل فردیت انسان به حالت اجتماعی بودن است و اصولاً مکتب اسلام بر مبنای محبت جمعی استوار شده است.

از امام باقر علیه السلام در مورد دین سؤال کردند، ایشان فرمودند:

«وَهَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟» «آیا دین چیز دیگری است به جز دوستی؟!» (1) در حدیث زیبایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه واله آمده است:

«الْحَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ فَأَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ» «مخلوقات همه عیال خدا هستند؛ محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که محبتش به مخلوقات خدا بیشتر باشد». (2)

از زمانی که وابستگی کودک به مادر کم می شود و آماده پذیرش اجتماع و رفتارهای اجتماعی می گردد؛ والدین باید ویژگی های اجتماعی بودن و انسان دوستی را در کودکان ایجاد و تقویت کنند.

ص: 111

1- . بحار الانوار، ج 27، ص 95.

2- . بحار الانوار، ج 93، ص 118.

علاوه بر تقویت حس انسان دوستی در کودکان، بایستی کمک به دیگران را نیز به آن ها آموزش داد. برای کمک به دیگران و برآوردن خواسته و رفع نگرانی های مادی و معنوی مردم، روایات زیادی وارد شده است. برای نمونه:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سؤال کردند:

«مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ قَالَ أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ» نافع ترین مردم چه کسی است؟

ایشان فرمودند: «کسی است که محبت و خیر او بیشتر از دیگران به مردم برسد». (1)

پس شایسته است والدین فرزندان خود را تشویق کنند که در برآوردن نیازهای دیگران و رفع گرفتاری ها و انجام کارهای خیر در صورت امکان و توانایی کوشا باشند. چنانکه امام صادق علیه السلام در حدیث ارزشمندی می فرمایند:

«قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَتَقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» «بر آوردن نیاز مؤمن بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و بهتر است از تجهیر کردن هزار اسب برای جهاد در راه خدا». (2)

ص: 112

1- . الکافی، ج 3، ص 420.

2- . بحار الانوار، ج 71، ص 324.

یکی از مقوله های اساسی تربیت اجتماعی، موضوع اخلاق و تربیت اخلاقی است. تربیت اخلاقی در تعلیم و تربیت اسلامی مقامی بس ارجمند دارد؛ چنانکه نبی اکرم، صلی الله علیه وآله وسلم، که بزرگ ترین مربی عالم بشریت از جانب خدا هستند، هدف بعثت خود را تکمیل اخلاق مردم می دانند و می فرمایند:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» «همانا من برای تکمیل اخلاق بشر مبعوث شدم». (1)

اسلام، پدران و مادران را در امر پرورش اخلاقی فرزندان خویش، مسئول می داند و تربیت فرزندان را از وظایف اساسی و حساس آنها به حساب می آورد. پدران و مادرانی که در اثر سهل انگاری و یا سایر عوامل از تربیت فرزندان خود سر باز می زنند از نظر دین و اجتماع خطاکارند؛ چراکه این گونه فرزندان هم برای خانواده و هم برای اجتماع فردی مزاحم خواهند بود.

دین اسلام در تمام شئون زندگی فردی، اجتماعی، حقوقی و قضایی خصوصیات اخلاقی را محترم می شمارد و بدان ها توصیه می کند و روابط میان انسان ها را به بهترین وجهی بیان می دارد.

آنچه فرد و خانواده و اجتماع را، ارزشمند می سازد و به زندگی صفا و لذت می بخشد، همانا اخلاق نیکو است چراکه انسان نمی تواند با مال

ص: 113

ثروت و قدرت، در دیگران نفوذ کند، بلکه این اخلاق است که دل های مردم را تسخیر می سازد و انسان ها را با یکدیگر مهربان و اجتماعی خالی از عقده ها و نگرانی ها به وجود می آورد.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در این باره می فرماید:

«إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ، فَالْقَوْمُ بِطَلَاقِهِ الْوَجْهَ وَحُسْنِ الْبِشْرِ» «شما هرگز نمی توانید به وسیله مال و ثروت همه مردم را به سوی خود جلب کنید. پس به وسیله گشاده رویی و روی خوش می توانید در دل ها آشنیان گیرید».(1)

بدیهی است، وقتی کاری در شرایطی ویژه و در زمان مناسب خود انجام گیرد، آثاری دلخواه به همراه خواهد داشت. بنابراین از آنجا که کودک برای تربیت، آمادگی کامل دارد، هر تدبیری در این دوران برای تربیت او به کار گرفته شود، در دل و جان او نقش می بندد و به راحتیاز میان نمی رود. اخلاق و ویژگی های ناشایستی که در بزرگ سالی جزء شخصیت فرد شده است را نمی توان به آسانی تغییر داد. حال آنکه یک نهال کوچک را می توان از حالت انحراف به راستی درآورد. بنابراین، دوران کودکی، بهترین دوره سازندگی و تربیت اخلاقی است.

پروش فضایل اخلاقی

اشاره

در کلام گهرباری از امام علی علیه السلام آمده است :

ص: 114

«الشَّرُّ كَامِنٌ فِي طَبِيعِهِ كُلِّ أَحَدٍ...» «در طبع و خوی هر احدی، بدی پنهان است؛ پس اگر صاحب آن، بر آن غلبه کند، پنهان ماند و اگر غلبه نکند آشکار گردد...» (1).

بنابراین روایت، فضیلت‌ها باید در آدمی پرورش یابد تا زشتی‌ها و پلیدی‌های نفس پنهان ماند؛ چرا که فضایل سبب حسن سیرت و رفتارهای کریمانه خواهد شد.

از این رو والدین باید زمینه رشد فضایل اخلاقی فرزندان خود را فراهم آورند و در پرورش این فضیلت‌ها بکوشند. برای این منظور والدین و مربیان تربیتی می‌توانند ضوابط و قواعدی را به فرزندان القاء کنند و عاداتی را در آنان پدید آورند که بر اساس آن زندگی فردی و اجتماعیشان شکل گیرد و همچنین جنبه طبیعی و غرائز آن‌ها تعدیل شود تا به تدریج در انجام وظایف الهی خود، احساس تعهد و تکلیف‌کنندگی از جمله فضیلت‌های اخلاقی که بهتر است در کودکان شکل بگیرد و مورد پرورش قرار گیرد موارد ذیل است.

نظم و انضباط

«نظم در لغت به معنای رشته مروارید، آراستن، چیزی را به چیزی پیوستن، بر پا داشتن و ترتیب دادن کار آمده است.» (2).

ص: 115

1- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 127.

2- . (منتهی الارب فی لغه العرب، صفی پوری شیرازی).

«انضباط نیز به معنای نظم داشتن، سامان گرفتن، خوب نگه داشتن و پیوستگی است».(1)

یکی از مهم ترین عوامل موفقیت در هر زمینه ای نظم و انضباط است که در روایات اسلامی نیز مورد تأکید فراوان بوده است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام که بارها نتایج زیان باری نظم را در فکر و عمل مسلمانان دیده بود، در بستر شهادت و در آخرین پیام خویش، فرزندان خود و همچنین همه ی مسلمانان را به تقوای الهی و نظم در کارها فرا می خوانند، و در این باره می فرماید:

«أَوْصِيَكُمْ بِأَهْلِي وَأَهْلِيَّ وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنُظْمِ أَمْرِكُمْ» «شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هرکس را که نوشته من به او می رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهای تان سفارش می کنم».(2)

و در عهدنامه مالک اشتر رعایت نظم را با عباراتی دیگر این چنین سفارش می کنند:

«... إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَلُّطُ فِيهَا عِدَّةَ إِمَّكَانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْصَدَّ حَتَّى فَضَعَ كُلَّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَأَوْقَعَ كُلَّ أَمْرٍ مَوْقِعَهُ» «از عجله در مورد کارهایی که وقتشان

ص: 116

1- . (لغت نامه دهخدا).

2- . نهج البلاغه، ص 421.

نرسیده است، یا سستی در کارهایی که امکان عمل آن فراهم شده، یا لجاجت در اموری که مبهم است، یا سستی در کارها هنگامی که واضح و روشن است، بر حذر باش! و هر امری را در جای خود و هر کاری را به موقع خود انجام بده» (1).

با توجه به این سفارش ها؛ لازم است والدین، از سنین کودکی نظم و انضباط را به فرزندان خود آموزش دهند.

یکی از ابعاد آموزش نظم، رعایت «ترتیب» است؛ به طور مثال کودک بیاموزد اول باید جوراب را بپوشد بعد کفش را.

علاوه بر ترتیب، «ترجیح و اولویت بندی» نیز مهم است؛ به عنوان مثال کودک باید بیاموزد وقتی صبح از خواب برمی خیزد و چند کار باید در طول روز انجام دهد، چگونه اولویت بندی کند و کدام را اول انجام دهد. به کودکی که اول صبح می خواهد غذا بخورد بهتر است گفته شود: فعلاً وقت شستن دست و صورت است؛ صحبت از غذا نکن! این به معنای ممنوعیت غذا نیست بلکه اولویت ها را به فرزند یاد می دهد.

تفاوت افراد موفق با افراد ناموفق در همین اولویت بندی صحیح است.

یکی از مواردی که در آموزش نظم، اهمیت می یابد؛ «زمان» است. مفهوم زمان برای برخی کودکان کاملاً مشخص نیست. برای آموزش

ص: 117

مفهوم و گذشت زمان، باید کودک را کودک دید. اگر فرزند سه ساله ای پرسید کی به خانه عمو می رویم؟ بهتر است به او گفته شود: وقتی دوبار خوابیدیم و برخاستیم جمعه می شود آن وقت می رویم.

یا وقتی سوار اتومبیل هستند، والدین به آن ها بگویند الان ساعت 12 است و ما 20 دقیقه دیگر می رسیم.

پیشنهاد می شود پدر و مادر برای آموزش نظم و انضباط به فرزندان، نکات ذیل را به خاطر داشته باشند:

- برنامه و ساعات خواب و بیداری، تغذیه، بازی و اجرای برنامه های دینی کودکان را طبق روش صحیح و عملی مقرر سازید و آنان را از همان کودکی با نظم واقعی آشنا کنید.

- کودکان خود را عادت دهید هر چیزی را از هر جا برداشتند دوباره سر جایش بگذارند. - هیچ گاه ایجاد گرسنگی را به عنوان بخشی از روش انضباطی قرار ندهید.

- در حالی که تلاش می کنید نظم و انضباط را به فرزندان خود بیاموزند، مراقب باشید که تبعیضی بین آنها قائل نشوید.

- هرگز بر سر فرزندان خود فریاد نزنید؛ این امر به ارتباط شما و فرزندانتان آسیب می زند و همچنین باعث بروز رفتارهای نادرست در کودک می شود. بنابراین شما سعی کنید مؤدب و محکم با کودکان خود صحبت کنید.

- هنگامی که درباره ی سوء رفتار فرزند خود با او صحبت می کنید مطمئن شوید که به یک راه حل نیز برای اصلاح رفتار او اشاره می کنید.

ضروری است که پدر و مادر بر سر انتخاب اقدامات انضباطی با یکدیگر موافق باشند. اگر پدر یا مادر مخالفت خود را آشکارا با روش انضباطی نشان دهد، مسلماً کودک از این وضعیت بهره ای نخواهد برد. والدین باید منطبق بر ماهیت روش انضباطی خودشان رفتار کنند. در صورتی که یک کودک سوء رفتار از خود نشان می دهد باید بلافاصله اصلاح شود و معمولاً بهترین و اولین روش صحبت کردن با کودک و آگاه کردن اوست.

آموزش احترام به والدین

یکی از مهم ترین ارزش اخلاقی که به کودک آموخته می شود احترام به والدین است و این زمانی آغاز می شود که والدین به کودک خود احترام بگذارند؛ اگر کودک خود را به عنوان یک انسان ندانند و عشق و احترام و توجه را از اطرافیان دریافت نکنند در نتیجه نباید انتظار داشته که به بزرگترها احترام بگذارد.

اما این کار چگونه میسر می شود؟ راه کارهایی ساده برای کمک به کودکان جهت داشتن روابطی دلپذیر:

- برخاستن هنگام ورود والدین و افراد بزرگ تر، خشوع و احترام و ادب در مقابل آنان الگوی مناسبی برای کودکان خواهد بود (کمتر حرف بزنید و بیشتر عمل کنید)

- وقتی بعد از چند ساعت با کودک تان روبه رو می شوید، به گرمی با او دست بدهید و سلام و احوال پرسی و روبوسی کنید.

- همواره آنان را به احترام و حفظ حریم ها با خود و همسران تشویق کنید. نزد آنان با تواضع و امتنان از پدر یا مادرش یاد کنید (برخاستن و استقبال از پدر یا مادر هنگام آمدن او به خانه و بدرقه در زمان خارج شدن)

- در عین صمیمیت و مهربانی با اطفال اجازه بی ادبی و وارد شدن به حریم والدین را ندهید.

- هنگام بی نزاکتی در مقابل جمع هرگز به او تذکر ندهید و دعوا نکنید.

- با القاب زیبا و در عین حال جدی و بزرگوارانه نزد دیگران از او یاد کنید و به فرزندتان توجه و احترام بگذارید. - هنگام دعوا و برخورد با او از نسبت دادن صفات بد به او جداً پرهیزید و تنها کار بدش را به او یادآور شوید.

- هرگز و هرگز نزد او از دیگران بدگویی نکنید و کلمات رکیک به کار نبرید. این کار موجب بدبینی خردسالان نسبت به دیگران می شود (من خوبم، تو بدی)

- در میهمانی ها، در حد توان، پذیرایی میوه و شیرینی را به عهده فرزندان بگذارید و از آنان نیز پذیرایی کنید.

- به فرزندان تان اجازه بی احترامی به یکدیگر را ندهید. روش برخورد آن ها اغلب تمرینی برای روش برخوردشان با دیگران است.

- اگر کودکی رفتار غیرمحترمانه ای دارد و حرفی مغایر با شخصیت معمول خود زد، با آرامش و جدیت به او تذکر بدهید: «وقتی با احترام صحبت کردی به حرفت گوش می دهم» و یا خود را به نشنیدن بزنید.

- رفتارها و معاشرت های صحیح او را تشویق کنید. نزد دیگران طوری که کودک بشنود، از او ذکر خیر و تمجید کنید.

- بیشتر تشویق و کمتر انتقاد کنید.

و در آخر، تنها عمل ما و رفتارها و معاشرت های ماست که چهارچوب شخصیتی آنان را خواهد ساخت. برای داشتن فرزندانی خوشبخت، خوش بین، آرام و خلاق، ابتدا خود باید به این خصوصیات آراسته شویم. بیایید خودمان را بشناسیم و صادقانه دریابیم؛ وگرنه افتان و خیزان در بیراهه های زندگی کودکان مان را قربانی امر و نهی هایی حد و حصر کرده، سردرگمی، نارضایتی و فقدان اعتماد به نفس را برای شان به ارمغان می آوریم. زمان ما زمان سخن گفتن تشعشعاتی است، نه دهانی.

خود را دوست بداریم، به خود و دیگران احترام بگذاریم تا آنان نیز با خود، جامعه، هستی و خدا در صلح و آشتی باشند و با اطمینان در جاده کمال گام بردارند.

شایسته است والدین با استناد به آیه

«لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!». (1)

شکر نعمت نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند (2)

و آیات و روایات مشابه، در مورد شکرگزاری و آثار آن از جمله ازدیاد نعمت ها با ادبیاتی کودکانه با فرزند خود صحبت کنند و آنان را به سپاسگزاری از خداوند تشویق کنند؛ برای مثال به او بگویند وقتی که تو یک هدیه برای دوستت می خری اگر او از تو تشکر کند و بگوید چه قدر من را خوشحال کردی، تو باز هم دوست داری به او هدیه بدهی.

حیا، عفاف و حجاب

حیا و عفت از جمله موضوعاتی است که هم عقل انسان آن را ستایش می کند و هم شرع به آن اهمیت داده است.

حیاء به معنای شرم داشتن است و منظور خودداری از انجام دادن کارهای زشت، به سبب ترس از سرزنش شدن است. (3)

ص: 122

1- . سوره مبارکه ابراهیم، آیه 7.

2- مولوی

3- مجمع البحرین، طریحی، ذیل «ح ی ی».

عفت؛ به وجود آمدن حالتی برای نفس انسان است که وی را از غلبه یافتن شهوت حفظ می کند. (1)

شهید مطهری نیز عفت را به معنای رام بودن قوه ی شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان معرفی می کند. (2)

بنابر فرمایش ارزشمند حضرت علی علیه السلام:

«الْحَيَاءُ يَصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبِيحِ» «حیا، انسان را از اعمال زشت بازمی دارد». (3)

والدین باید حریم عفاف و حیا را نگه دارند، این حریم را به فرزندان خود بیاموزند و مصادیق آن از جمله حیا در گفتار، حیا در کردار و حیا در پوشش را برای آن ها روشن سازند. در قرآن کریم مردان و زنان به رعایت عفاف و حجاب توصیه شده اند:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» «به مردان مؤمن بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛ خداوند از آن چه انجام می دهید آگاه است». (4)

ص: 123

1- . ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ج 2، ص 618.

2- . تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، ص 150.

3- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 74.

4- . سوره مبارکه نور، آیه 30.

و در آیه بعد می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیشانشان، یا بردگانشان (کنیزانشان)، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید» (1).

با توجه به سفارش آیات و روایات، باید از دوران کودکی نسبت به رعایت حجاب و عفاف در فرزندان اهتمام ورزید و مخصوصاً دختران را، پیش از سن تکلیف، با مسأله حجاب آشنا ساخت تا در جوانی و بزرگسالی پوشش کامل برای آن ها سخت و دشوار نباشد.

ص: 124

آموزش آداب پاکیزگی یکی از گام های تربیت دینی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرمایند:

«النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ مَعَ صَاحِبِهِ فِي الْجَنَّةِ» «پاکیزگی نشانه ایمان است و فرد با ایمان، بهشتی است».(1)

مسواک زدن، نیانداختن آب دهان و بینی در گذرگاه های عمومی، لباس پاکیزه و تمیز پوشیدن، اگرچه نو نباشد، استعمال عطر و خوش بو شدن از آداب اسلامی است.

از امام رضا علیه السلام است که:

«الطِّيبُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ» «استعمال عطر و بوی خوش از کار و اخلاق پیامبران است».(2) و به فرموده امام صادق علیه السلام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز این خلق پسندیده را داشتند:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُنْفِقُ عَلَى الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ عَلَى الطَّعَامِ» «هزینه تهیه عطریات خاتم المرسلین صلی الله علیه وآله از تهیه خوراکش بیشتر بود».(3)

ص: 125

1- . بحار الانوار، ج 59، ص 291.

2- . وسائل الشیعه، ج 2، ص 142.

3- . مکارم الاخلاق، ص 34.

با توجه به اهمیت پاکیزگی در دین اسلام و تأثیر آن بر سلامت فرد، بایستی از همان سنین طفولیت رعایت بهداشت و نظافت به کودکان آموزش داده شود؛ برای مثال قبل و بعد از خوردن غذا آن‌ها را به شستن دست‌ها واداشت؛ در کلام گهرباری از امام علی علیه السلام آمده است:

«غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ زِيَادَةٌ فِي الْعُمُرِ... وَ يَجْلُو الْبَصَرَ» «شستن دست‌ها پیش از غذا و پس از آن، مایه طول عمر است... و چشم را روشنی می‌بخشد» (1).

متخصصان توصیه می‌کنند که در هر بار شست و شو باید حداقل 20 ثانیه دست‌ها را با صابون و آب گرم سالم شست. بیش از 80 درصد آلودگی‌ها از طریق دست منتقل می‌شوند، بنابراین لازم و ضروری است که کودکان شیوه صحیح شست و شوی دست را بیاموزند، زیرا کودکان در سنین پیش از دبستان خیلی به هم نزدیک می‌شوند و همه وسایل خود اعم از خوراکی، اسباب بازی، لوازم نقاشی و کاردستی و غیره را با یکدیگر مبادله می‌کنند، پس شست و شوی دست برای این کودکان بسیار مهم است تا از انتقال بیماری‌ها جلوگیری شود.

نکات زیر می‌تواند برای آموزش شست و شوی دستان کودک مفید باشد:

ص: 126

- کودکان از یک الگوی مناسب یاد می‌گیرند. پس شما با شست و شوی دستان خود در حضور کودک خردسال، شیوه صحیح شست و شوی دست و اهمیت آن را به او آموزش دهید.
- درباره زمان شست و شوی دست با کودک خود صحبت کنید. بگویید که همیشه قبل از این که غذایی بخورد و بعد از این که از دست شویی می‌آید باید دست‌های خود را خوب بشوید، زیرا کودک درست نمی‌داند که چه موقع باید دست‌هایش را بشوید.
- درباره دلایل شست و شوی دست برای کودک حرف بزنید. برای او توضیح دهید که شست و شوی دست میکروب‌هایی را که باعث بیماری می‌شوند از ما دور می‌کند.
- درباره چگونگی شست و شوی دست و این که برای این کار چه قدر باید وقت بگذارد به او توضیح دهید.
- تفاوت آب گرم و سرد را به او نشان دهید و به طریقی که برای او قابل تشخیص باشد شیرهای آب سرد و گرم را از هم تفکیک کنید. دمای آب گرم را طوری تنظیم کنید که دست کودک خردسال نسوزد.
- شست و شوی دست‌ها را به یک کار لذت‌بخش تبدیل کنید. صابون‌های خوش بو و با اشکال زیبا و جذاب خریداری کنید. با این کار شست و شوی دست‌ها را به یک بازی یا تفریح تبدیل کنید.

می توان هنگام شستن دست و صورت کودک به تدریج وضو را به آن ها آموزش داد؛ این، کار بسیار ساده ای است و منافع بی شماری دارد. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند:

«الْوُضُوءُ نِصْفُ الْإِيْمَانِ» «وضو نصف ایمان است».(1)

علاوه بر وضو، می توان هنگام فرستادن کودک به حمام به تدریج غسل کردن را نیز به او آموزش داد.

یکی از مسائل بهداشتی که در دین مبین اسلام نیز بسیار مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است؛ رعایت بهداشت دهان و دندان و مسواک زدن است.

چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند:

«لَوْ لَا أَنَّ أَشَقَّ عَلَى أُمَّتِي لِأَمْرُهُمْ بِالسَّوَاكِ عَدَدَ وَضُوءِ كُلِّ صَلَاةٍ» «اگر امتم در سختی نمی افتادند یقیناً فرمان می دادم که در موقع وضو گرفتن برای هر نماز مسواک بزنند».(2)

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: «فِي السَّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصَرِ وَ يُرْضِي الرَّحْمَنَ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ وَ يَشُدُّ هَيَّ الطَّعَامِ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ» «در مسواک کردن دوازده خوبی هست:

ص: 128

1- . وسائل الشیعه، ج 1، ص 397.

2- . وسائل الشیعه، ج 2، ص 17.

1- مسواک کردن از کارهای پیامبر خاتم (ص) است.

2- پاکیزه کننده دهان است.

3- روشنی دهنده چشمان است.

4- خشنودی و رضایت خداوند است.

5- سفید کننده دندان هاست.

6- برطرف کننده زردی دندان هاست.

7- تقویت کننده لثه هاست.

8- اشتها آور است.

9- از بین برنده بلغم است.

10- زیاد کننده حافظه است.

11- چندین برابر کردن خوبی هاست.

12- سبب خوشحالی فرشتگان الهی است».

بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع، از همان دوران کودکی، باید مراقبت از دندان ها را به فرزندان خود آموزش داد. (1)

راست گویی

یکی از صفات پسندیده و هماهنگ با سرشت آدمیان راست گویی است. هر انسانی بالفطره مایل است راست بگوید و هم چنین سخنانی را که از دیگران می شنوند، راست تلقی کند. بدون تردید دروغ گفتن مخالف وجدان اخلاقی است و در نظر کلیه ملل و اقوام جهان و در

ص: 129

1- . من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 55.

تعالیم عمومی پیامبران الهی، عملی ناپسند و مذموم است. پیامبران الهی که قسمت مهم مأموریت شان احیای فطریات بشر بوده، مردم را به راست گویی دعوت کرده و آنان را از دروغ گفتن جدا برحذر داشته اند.

اسلام دروغ را عامل مخرب ایمان شناخته و آن را از بسیاری از گناهان کبیره، بزرگ تر دانسته است. چرا که شخص دروغ گو به انواع معاصی دست می زند و وقتی از او می پرسند، در کمال وقاحت تکذیب می کند و خویشان را پاک و منزّه معرفی می نماید. در واقع دروغ گویی و دروغ سازی را به منزله پناهگاهی برای نجات از جرایم خویش می داند!

چنانکه امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ الْكُذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ» «دروغ گویی مایه ویرانی ایمان است». (1)

همچنین امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتِ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكُذِبُ» «تمام ناپاکی ها و گناهان در خانه ای جمع شده و کلید آن دروغ گویی است». (2)

امام علی علیه السلام نیز در حدیث ارزشمندی می فرمایند:

ص: 130

1- . الکافی، ج 4، ص 42.

2- . بحار الانوار، ج 69، ص 263.

«لَا يَجِدُ عِبْدَ طَعْمِ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتَرَكَ الْكَذِبَ هَزْلَهُ وَجِدَّهُ» «هیچ کس لذت ایمان را درک نمی کند مگر وقتی که دروغ را به کلی ترک گوید، خواه شوخی یا جدی» (1).

بنابراین دروغ از معایبی است که در هر حال (چه شوخی و چه جدی) مذموم و ناپسند است؛ زیرا دروغ گویی رذایل دیگری را نیز به دنبال خود می کشاند و دری به روی تمام معایب باز می کند. بر این اساس تربیت فرزندان راستگو اهمیت به سزایی دارد.

برخی علل دروغ گویی کودک

دروغگویی در کودکان علل مختلفی دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود:

1- تحمیل تکالیف سنگین

یکی از علل دروغ گویی کودک، تحمیل کارهای طاققت فرسا و توقعات غیر معقول پدر و مادر و مربی است. از این رو یکی از تعالیم اسلام میانه روی در کارهاست. پدران و مادران باید در تمام کارها قدرت و نیروی عادی کودک را در نظر بگیرند و چیزی که بیشتر از توان آن ها است بر آنان تحمیل ننمایند، زیرا کودک از رنجش پدر و مادر می ترسد و از این که مربی او را تنبل و نالایق بشناسد ترس دارد. وقتی کودک از انجام کار بیشتر از توان خود عاجز ماند، ناچار برای حفظ

ص: 131

شخصیت خویش به دروغ پناه می برد و در اثر تکرار، دروغگو می شود. نتیجه این که یکی از علل دروغ گویی کودک، تحمیل کارهای طاقت فرسا و توقعات غیر معقول پدر و مادر و مربی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«خدا رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند.»

یکی از اصحاب پرسید:

چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نماید؟

حضرت در پاسخ به او چهار دستور فرمود:

«آن چه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند. آن چه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرساست از او نخواهد. او را به گناه و طغیان وادار نکنند. به او دروغ نگویند و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود.»⁽¹⁾

2- ترس از مجازات

یکی دیگر از علل دروغ گویی کودک، ترس از مجازات است. وقتی کودک، بداند در صورت دادن پاسخ صحیح برای پرسش والدین، مورد مجازات قرار می گیرد، برای حفظ خود چاره ای نمی بیند جز آن که به دروغ پناه ببرد و گناه خود را انکار نماید. بدیهی است هر قدر مجازات، خشن تر باشد، ترس زیاده تر و اصرار کودک در دروغ بیشتر خواهد بود!

ملاييمت و مهربانی اولیای کودک می تواند از بروز این نوع دروغ گویی ها جلوگیری کند.

ص: 132

1- . وسائل الشیعه، ج 21، ص 481.

بر اساس روایت زیبایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله احساس حقارت از علل دروغگویی است؛ آن بزرگوار می فرماید:

«لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ» «دروغگو دروغ نمی گوید مگر به سبب حقارتی که در نفس خود احساس می کند.»⁽¹⁾

کودکی که مورد تحقیر و اهانت قرار گرفته و به شخصیت او ضربه وارد شده است، گاه دچار عقده حقارت شده و برای جبران آن سعی می کند به هر طریقی از جمله دروغگویی، مورد توجه قرار گیرد. کودکانی که مورد اعتنا نباشند و اعضای خانواده به آن ها احترام نکنند، گاهی آنان را فریب دهند یا مسخره کنند، و زمانی بی جهت آن ها را مورد ملامت و سرزنش قرار دهند، و طوری رفتار کنند که کودک در خود احساس حقارت کند و بفهمد که اعضای خانواده، او را ناچیز و پست می شمارند ناراحت می شود. به فکر انتقام گرفتن می افتد و می - خواهد کاری کند که اعضای خانواده و احیاناً اطرافیان به وی توجه کنند، او را به حساب بیاورند و به شخصیتش اعتراف نمایند.

یکی از کارهای خطرناکی که این قبیل کودکان به آن دست می زنند دروغ گویی است. کودکی که در خانواده احترام ندیده و به شخصیتش

ص: 133

توجه نشده است، کودکی که عملاً مورد تحقیر و بی‌اعتنایی بوده و روزگار خود را با محرومیت گذرانده است، بزرگ‌ترین لذت‌ش خودنمایی و جلب توجه دیگران است. او با راست‌گویی و بیان قضایای واقعی هرگز قادر نیست افکار دیگران را به خود جلب کند و اعضای خانواده را یک‌جا به خویش متوجه نماید. ناچار باید دروغ بگوید، دروغ‌های بزرگ، دروغ‌های هیجان‌آور، دروغی که تا چند دقیقه همه را به او متوجه کند و سخن او خانواده را به جوش و خروش وادارد.

بنابراین پدران و مادرانی که می‌خواهند فرزندان خود را به نیکی پرورش دهند و آنان را راستگو تربیت نمایند، باید ابتدا به طرز صحیح و عاقلانه به شخصیت آنان احترام بگذارند تا احساس ارزشمندی و کرامت نفس در آن‌ها شکوفا شود.

4- محیط زندگی

اولین مدرسه تربیت فرزند؛ محیط خانواده است. کودک به‌طور ناخودآگاه با محیطی که در آن زندگی می‌کند منطبق می‌شود و آن چهمی بیند و می‌شنود در فکر او نقش می‌بندد. جایی که پدران و مادران راستگو هستند و هرگز پیرامون دروغ و خلاف حقیقت نمی‌گردند، کودک راستگو تربیت می‌شود. ولی در خانه‌ای که پدر و مادر دروغ می‌گویند و به این خلق ناپسند خو گرفته‌اند، بی‌تردید کودک، با خلق ناپسند دروغ‌گویی رشد می‌کند.

در قرآن وفای به عهد از علایم ایمان شمرده شده است:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» «مؤمنین کسانی هستند که به امانت و عهد و پیمان خود وفادارند». (1)

وفای به عهد آنچنان اهمیت دارد که رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ» «کسی که به عهد و پیمان خود وفا نکند دین ندارد». (2)

همچنین ایشان در جای دیگری می فرمایند:

«ثَلَاثَةٌ»

لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةٌ الْوَفَاءِ لِمُسْلِمٍ كَانَ أَوْ كَافِرٍ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ مُسْلِمِينَ كَانَا أَوْ كَافِرِينَ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ لِمُسْلِمٍ كَانَ أَوْ كَافِرٍ» «سرپیچی و تخلف در سه چیز برای هیچ کس جایز نیست: وفای به عهد با مسلمان یا کافر؛ نیکی به پدر و مادر، مسلمان باشند یا کافر؛ رسانیدن امانات به صاحبانشان، مسلمان باشند یا کافر». (3)

امام صادق علیه السلام نیز درباره اهمیت این موضوع می فرماید:

ص: 135

1- . سوره مبارکه مؤمنون، آیه 8.

2- . بحار الانوار، ج 69، ص 198.

3- . مجموعه ورام، ج 2، ص 121.

«وَعِدَةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ تَذَرُ لَا كَفَّارَةَ لَهُ» (وَعِدَةُ أَي كَه مُسْلِمَان بَه بَرَادِر دینی خُود می دَهد مَانند نذر شرعی، وَفای بَه آن لَازم است، بَا این تَفَاوُت کَه تَخَلَف، مِثْل نذر کَفَارَه نَدَارَد). (1)

بَا تَوَاجُه بَه اَهْمِیَّت وَفای بَه عَهْد در اِسْلَام، بَر پَدْر و مَادِر لَازم است کَه فَرزَنْد خُود رَا بَه اِیْن فَضِیْلَت اِخْلَاقی پُرورش دَهند. طَبِیعی است مَانند هَر خِصْلَت پَسَنْدِیدَه دِیْگَر، وَالدین بَا یَد نَخِست خُود رَا بَه اِیْن صِفْت بِیَارِیْنَد تَا فَرزَنْدَان نِیز اَز آن هَا پِیْرُوی کَنْند.

حَضْرَت عَلی عَلِیْهِ السَّلَام در اِیْن بَارَه می فَرْمَا یَنْد:

«... وَ لَا أَنْ یَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَهُ ثُمَّ لَا یَقِیَ لَهُ» (... وَ شَا یَسْتَه نِیْسْت کَسِی بَه فَرزَنْد خُود وَعِدَه اِی بَدَهْد وَ بَه آن وَفَا نَکَنْد). (2)

هَمچُنِیْن اِمَام کَاظِم عَلِیْهِ السَّلَام می فَرْمَا یَنْد:

«إِذَا وَعَدْتُمْ الصَّبِيَّ أَنْ فُقُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَرُونَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرَزُّوهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لِشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ» (چُون بَه اِطْفَال وَعِدَه اِی دَا دِید وَفَا کَنْدِید وَ تَخَلَف نَمَا یِید، زِیْرَا کُودکَان گَمَانَمی کَنْند شَمَا رَا زَقْ آن هَا هَسْتِید. خُدا وَنَد بَرَا ی هِیچ چِیز، بَه قَدْر تَجَاوُز بَه حَقُوق زَنَان وَ کُودکَان غَضَب نَمی کَنْد). (3)

ص: 136

- 1- . وسائل الشیعه، ج 12، ص 165.
- 2- . وسائل الشیعه، ج 12، ص 250.
- 3- . وسائل الشیعه، ج 21، ص 484.

یکی از خصایص اخلاقی انسان که دارای ارزش و اهمیت فوق العاده ای است، امانت و امانت داری است.

امانت در نظر اسلام، از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است، به طوری که نمونه های فراوانی از سفارش ها و توجهات الهی قرآن و احادیث ائمه معصومین علیه السلام به چشم می خورد. برای نمونه خداوند در قرآن نسبت به حفظ امانت و سپردن آن به دست صاحبانشان می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» «خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید...» (1).

امام صادق علیه السلام نیز درباره امانت داری می فرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْكُمْ بِإِذَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَىٰ مَنْ اتَّيَمَّنْتُمْ» «از خدا بترسید و هرکس که شما را امین دانسته و امانتی به شما سپرده، امانتش را بازگردانید» (2).

با توجه به اهمیت امانت داری، از زمانی که یک کودک با مفهوم مالکیت آشنا می شود، می توان مفهوم امانت و امانت داری را به او آموخت؛ مثلاً اگر کودک چیزی که مال او نیست؛ برداشت، والدین باید به سرعت با او تذکر دهند؛ در یک موقعیت مناسب با او صحبت کنند

ص: 137

1- . سوره مبارکه نساء، آیه 58.

2- . الکافی، ج 9، ص 710.

و به او بگویند باید آن را به صاحبش برگرداند. می توانند به او بگویند: اگر کسی، چیزی را که مال توست بدون اجازه بردارد، چه احساسی خواهی داشت؟

البته هرگز نباید در چنین مواردی، اتهام دزدی به کودک بزنند. والدین باید به کودک آموزش دهند، وقتی چیزی می بیند و آن را می خواهد ابتدا از صاحب آن سؤال کند که آیا می تواند آن را بردارد یا نه؟

بزرگ سالان به عنوان پدران و مادرانی که الگوهای تربیتی کودکان به شمار می روند، باید با رفتارهای شان امین و درست کار بودن را به کودک خود یاد دهند. طبیعتاً والدینی که پول یا هر چیز دیگری را از دیگران به امانت می گیرند ولی برای باز پس دادن آن تعهدی ندارند، خواسته یا ناخواسته به کودکشان همین رفتار را آموزش می دهند.

بردباری

برای رسیدن به هر پیروزی، چه در امور مادی و چه معنوی صبر و پشتکار لازم است. دنیای ما دنیای تلاش و کوشش و مبارزه و ستیز است؛ ستیز با همه عواملی که سد راه ترقی و تکامل ما هستند. ایناشتباه بس بزرگی است که انسان هدف خود را در این جهان به سکون و آرامش و باز نشستن از جنب و جوش و تلاش بداند. طفل باید از همان ابتدای زندگی، با روحیه ای متین و استوار و قوی بار آید و آرام آرام مطابق استعداد کودکانه اش با کارها و سختی ها و حوادث، آشنا و با

مشکلات مواجه شود. با این وجود باید مواظبش بود که به واسطه شکست یا شکست های پی در پی، یأس و حقارت بر وجودش چیره نگردد. حتی به او بفهمانند که شکست هم می تواند درسی آموزنده باشد و به انسان آگاهی و استقامت بدهد و تجربه ای باشد که دیگر آن اشتباهی که منجر به شکست شده است، تکرار نگردد.

قرآن مجید، حضرت ابراهیم علیه السلام را با ویژگی صبوری می ستاید و می فرماید:

«إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ»؛ «همانا ابراهیم، بردباری نیایشگر و انابه کننده است.»⁽¹⁾

حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل پرچم را به دست فرزند جوان و تازه سال خود محمد داد و به او چنین فرمودند: «تَرَوُلُ الْجِبَالَ وَ لَا تَرُؤُ عَصَّ عَلِيٍّ نَاجِدِكَ...» «کوه های سستبر و سخت از جا کنده می شوند و تراز جا کنده نشو! دندانت را بفشار، مغز و جمجمه خود را به خدا بسپار، پایت را همچون میخ در زمین بکوب، دورترین افراد سپاه دشمن را از نظر بگذران و دیده ات را فرو پوش و بدان که پیروزی از جانب خداست.»

در حدیث زیبایی از امام کاظم علیه السلام نیز آمده است:

ص: 139

«تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِبْغِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ»؛ «مستحب است کودک را با سختی ها و دشواری ها روبه رو سازیم، تا در بزرگی بردبار باشد». (1)

بنابراین پدران و مادران و به طور کلی همه مسئولان تربیتی باید به این نکته اساسی توجه عمیق نشان دهند، که سرنوشت سعادت‌مندانۀ کودکان، به پی ریزی صحیح زندگی آنان بستگی دارد؛ کودکان ناز پرورده، هرگز تاب و توان تحمل سختی ها را ندارند، آن ها چون نازشان کشیده اند، همه جا می خواهند لوس و نتر باشند، غافل از این که:

«ناز طفل بد ادا در دامن مام است و بس!»

بخشندگی

سخاوت و بخشندگی یکی از شاخصه های کرامت است که در آموزه های دینی و اخلاقی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. در ذیل به برخی از روایات در این زمینه اشاره می شود:

حضرت محمد صلی الله علیه واله می فرمایند:

«إِنَّ السَّخَاءَ شَجَرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ، لَهَا أَغْصَانٌ مُتَدَلِّيَةٌ فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ كَانَ سَخِيًّا تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا، فَسَاقَهُ ذَلِكَ الْغُصْنُ إِلَى الْجَنَّةِ» «سخاوت درختی از درخت های بهشت است که شاخه های آن در دنیا

ص: 140

1- . من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 493.

آویخته است هر که شاخه ای از آن بگیرد همان شاخه وی را سوی بهشت کشاند».(1)

همچنین ایشان در جای دیگری می فرمایند:

«الْجَنَّةُ دَارُ الْأَسْحِيَاءِ» «بهشت خانه سخاوتمندان است».(2)

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

«السَّخَاءُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ» «سخاوت از اخلاق انبیاست».(3)

بنابراین شایسته است پدر و مادر از همان دوران کودکی، فرزند خود را به این اخلاق زیبای پیامبران بیاریند. اما پرورش روحیه کرامت و سخاوت باید به گونه ای باشد که کودک دچار افراط و تفریط نشود.

چنانکه خداوند در قرآن مجید می فرماید:

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای، که مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی».(4)

ص: 141

1- . الأمالی، طوسی، ص 475.

2- . نهج الفصاحه، ص 434.

3- . مستدرک الوسائل، ج 7، ص 17.

4- . سوره مبارکه اسراء، آیه 29.

از جمله گناهان کبیره سوء ظن، غیبت و بدگویی پشت سر مومنین است؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ، وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا، أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟ فَكَرِهْتُمُوهُ، وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» «ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها پرهیزید که پاره ای از گمان ها گناه است و تجسس نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ شما نسبت به این کار کراهت دارید. پس از خدا بترسید که خدا توبه پذیر و مهربان است».(1)

امام کاظم علیه السلام در بیان تعریف غیبت می فرماید:

«... مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اِعْتَابَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَهُ» «... اگر شخصی پشت سر فردی، آن چه را که در او هست و مردم نمی دانند، یادآور شود، غیبت کرده و اگر آن چه را در او نیست، یادآور شود، بهتان زده است».(2)

شنونده غیبت نیز مثل کسی است که غیبت می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در این باره می فرماید:

ص: 142

1- . سوره مبارکه حجرات، آیه 12.

2- . وسائل الشیعه، ج 12، ص 289.

«السَّاكْتُ شَرِيكُ الْمُعْتَابِ» «شنونده غیبت که اعتراض و دفاع از برادر ایمانی خود نکند یا از مجلس بیرون نرود و خاموش باشد در گناه غیبت سهیم است».(1)

همچنین می فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزَّوْمِ إِنَّ الرَّجُلَ يَزْنِي وَيَتُوبُ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنَّ صَاحِبَ الْغَيْبَةِ لَا يُغْفَرُ لَهُ حَتَّىٰ يَغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ»
«پرهیزید از غیبت! به تحقیق بدی و نتیجه و عذاب غیبت از زنا بیشتر و مهم تر است، به درستی که اگر مرد زنا کند و پشیمان گردد و توبه کند خداوند او را می آمرزد ولی غیبت کننده آمرزیدنش با گذشت کسی است که او را غیبت کرده است».(2)

با توجه به آیات و روایات مذکور، وظیفه والدین و مربیان تربیتی این است که کودک خود را متوجه زشتی و ناپسند بودن این صفت رذیله کنند و راه های دوری کردن از آن را به او آموزش دهند.

پرهیز از تمسخر

امام علی علیه السلام در پرهیز از استهزاء و تحقیر دیگران به فرزند خود امام حسن علیه السلام می فرماید:

«فرزندم، هیچ گاه (در برخوردهایت) کسی را تحقیر مکن؛ زیرا یا بزرگ تر از توست که باید به جای پدر خود او را به حساب آوری و یا

ص: 143

1- . مجموعه ورام، ج 1، ص 119.

2- . مجموعه ورام، ص 235.

همانند (هم سال) توست که برادرتوست و یا کوچک تر از توست که باید او را فرزند خود محسوب کنی» (1).

تحقیر و تمسخر آثار منفی بسیاری بر افراد و به ویژه بر اعتماد به نفس آن ها دارد و زمینه خشم و عصبانیت و کینه را در بین افراد ایجاد می کند، متأسفانه این مسأله معمولاً در میان کودکان شایع است و والدین باید کودک را برای مقابله درست با آن آماده کنند. از جمله وظایف والدین در این زمینه می توان موارد ذیل را برشمرد:

- به کودک خود توضیح دهید که توهین، تمسخر و تحقیر، تجاوز به حقوق دیگران است و افرادی دست به چنین کاری می زنند که خود در درون خود احساس حقارت و کم ارزشی می کنند.

- از طریق بازی کردن و ایفای نقش، طریقه برخورد با این رفتار به طور عملی آموزش و تمرین دهید؛ برای مثال، خود نقش کودکی را بازی کنید که تمسخر می کند و به کودک آموزش دهید به عنوان مربی، رفتار مناسب ارائه دهد. در مرحله ی بعد نقش خود و کودک خود را عوض کنید و در نهایت با هم نتیجه گیری کنید که کدام رفتار مورد پسند است.

- به کودک خود توضیح دهید که خیلی اوقات هدف فرد مسخره کننده، برآشفته کردن و یا ترساندن طرف مقابل است و بهترین واکنش رفتاری، در برابر چنین افرادی بی توجهی و نادیده گرفتن آن هاست.

ص: 144

- این در عمل به فرزندان خود نشان دهید که دیگران نیز همانند آنان دارای شخصیت و آبرو هستند و همچنان که آنان حاضر نیستند، در جامعه، مورد تمسخر و تحقیر قرار گیرند، دیگر افراد جامعه نیز متقابلاً انتظار دارند که مورد تمسخر و تحقیر واقع نشوند.

پرهیز از خود بزرگ بینی

آیات و روایات فراوانی در زشتی و مذمت خود بزرگ بینی، نازل و وارد شده است. از جمله خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

«فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ» «پس، از درهای دوزخ وارد شوید و در آن همیشه بمانید و حقا که چه بد است جایگاه متکبران».(1)

همچنین لقمان حکیم در نصیحت به فرزند خویش فرمود:

«وَلَا تَصَّعَّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» «پسرم! با بی اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد».(2)

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است که:

«الْكِبْرُ رِذَاءُ اللَّهِ؛ فَمَنْ نَارَعَ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - رِذَاءَهُ، لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا سَفَالًا» «کبر و بزرگی جامه ای است که مخصوص خداوند بی نیاز و

ص: 145

1- . سوره مبارکه نحل، آیه 29.

2- . سوره مبارکه لقمان، آیه 18.

شایسته آن ذات مقدس است. کسی که با او در این صفت به مقابله و ستیز بر خیزد و به مردم بزرگی بفروشد خداوند جز پستی و حقارت چیزی بر او نمی افزاید». (1)

حضرت علی علیه السلام در ضمن وصایای خود به امام حسین می فرماید:

«مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلَّ» «آن کس که بر مردم تکبر کند و به آنان بزرگی بفروشد، خوار خواهد شد». (2)

تکبر یکی از بزرگ ترین حجاب های ظلمانی عقل است. هر قدر نفوذ این خوی ناپسند در درون آدمی بیشتر شود، عقل تیره تر می گردد. در روایات مذهبی به این امر مهم تصریح شده است؛ در نظر پیشوایان معصوم خطر تکبر برای عقل از تمام صفات مذموم بیشتر است. چنانکه حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«شَرُّ آفَاتِ الْعُقُلِ الْكِبْرُ» «کبر، بدترین آفت خرد است». (3)

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

«مَا دَخَلَ قَلْبَ امْرِئٍ شَيْءٌ مِنَ الْكِبْرِ إِلَّا نَقَصَ مِنْ عَقْلِهِ مِثْلَ مَا دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ قَلَّ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ» «در دل هیچ انسانی کبر وارد نمی شود مگر آن که عقلش به همان اندازه ناقص می شود، خواه کم باشد خواه زیاد». (4)

ص: 146

1- . الکافی، ج 3، ص 753.

2- . تحف العقول، ص 88.

3- . غرر الحکم و درر الکلم، ص 412.

4- . بحار الانوار، ج 75، ص 186.

در کلام ارزشمندی از امام کاظم علیه السلام نیز به یکی از آثار سوء خودپسندی اشاره شده است :

«الْعُجْبُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يُزَيَّنَ لِلْعَبْدِ سُوءُ عَمَلِهِ فَيَرَاهُ حَسَنًا فَيُعْجِبُهُ وَ يَحْسَبُ أَنَّهُ يُحْسِنُ صُنْعًا» «خودپسندی درجات و مراتبی دارد. یکی از آن درجات این است که رفتار بد و نادرست خودپسندان در نظرشان زیبا جلوه می کند و آن را نیکو و پسندیده می بینند. اینان از اعمال ناشایست خویش مسرور می شوند و گمان می کنند که کار خوبی انجام داده اند»⁽¹⁾.

با تأمل در آیات و روایات مربوط به کبر و غرور، چنین استنباط می شود که این رذیله صفتی شیطانی است؛ سرآغاز معصیت و نافرمانی خدا است و عواقب دنیوی و اخروی زیان باری در پی دارد.

بر این اساس پدران و مادران نباید با تشویق و تحسین نابجا و مهربانی بیش از حد بدر کبر و خودپسندی را در نهاد اطفال خویش بکارند و آنان را لوس و از خود راضی تربیت شوند. فرزندان نیز باید بدانند، خود را به سبب فضل و مقام و مال و شغل پدر و موارد دیگر، برتر از دیگران پنداشتن، مایه خواری و ذلت در هر دو جهان است. همچنین لازم است پدران و مادران، به مردم احترام بگذارند تا ضمن

ص: 147

1- . وسائل الشیعه، ج 1، ص 100.

آموزش درس ادب و فروتنی به فرزندان خویش، آنان را از تکبر که بزرگ ترین سقوط اخلاقی است محافظت کنند.

دوری از اسراف

پدر و مادر، اولین الگوهای رفتاری کودک هستند و خمیرمایه شخصیتی او را می سازند. به همین دلیل والدین می توانند بیش ترین نقش را در نهادینه کردن الگوهای مصرفی ایفا کنند؛ شیوه صحیح مصرف آب، صرفه جویی در مصرف برق، جلوگیری از شکل گرفتن روحیه مصرف گرایی، تجمل گرایی و چشم و هم چشمی، استفاده بهینه از زمان از جمله مواردی است که خانواده در آموزش آن به کودک و درونی ساختن آن ها می تواند بسیار مؤثر باشد.

پرهیز از اسراف و زیاده روی از آداب و اخلاق پسندیده ای است که باید به کودکان آموخته شود.

خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که او (خداوند) اسراف کاران را دوست نمی دارد).⁽¹⁾

اصلاح الگوی مصرف، شاید دقیق ترین عبارتی باشد که بتوان برای استفاده بهینه از تمامی امکانات مادی و معنوی به کار برد. عادت دادن فرزندان به قطع کلید برق قبل از ترک اتاق، بستن آب هنگام مسواک

ص: 148

1- . سوره مبارکه اعراف، آیه 31.

زدن، نحوه صحیح شستن دست ها، برنامه ریزی و مدیریت زمان، صرفه جویی در استفاده از لوازم التحریر، شیوه صحیح مطالعه و یادگیری، تغذیه سالم، مراقبت از اشیا و اموال شخصی و... همه می تواند نمونه های کوچکی از اصلاح الگوی مصرف در خانواده باشد.

اطعام و مهمان نوازی

مهمان نوازی، پذیرایی و احترام قائل شدن برای مهمان، از جمله صفاتی است که در دین اسلام به آن بسیار سفارش شده است و بهتر است کودکان نیز آن را بیاموزند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرمایند:

«أَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَأَفْشُوا السَّلَامَ وَصَلُّوا وَالتَّاسُ نِيَامٌ» «ای مردم! خوراک به دیگران بخورانید و به همگان سلام کنید و پیوند خویشاوندی برقرار سازید و آخر شب که مردم خوابند به وسیله ی نماز شب با خداوند مهربان راز و نیاز کنید» (1).

ایشان در حدیث دیگری می فرمایند:

«میهمان با ورودش به خانه مؤمن هزار برکت و هزار رحمت را با خود به ارمغان می آورد و پروردگار رحمان در مقابل هر لقمه غذایی که میهمان می خورد ثواب یک حج و یک عمره برای میزبان می نویسد.»

آن بزرگوار در جای دیگری می فرمایند:

ص: 149

«أَكْرِمَ الضَّيْفِ وَ لَوْ كَانَ كَافِرًا» «کسی که میهمانش را پذیرایی و احترام کند، اگرچه کافر باشد، خداوند مهربان روز قیامت او را احترام می فرماید» (1).

و نیز فرمودند:

«الضَّيْفُ دَلِيلُ الْجَنَّةِ» «میهمان هدایت کننده به سوی بهشت است» (2).

والدین می توانند با دعوت از دوستان، آشنایان و همسایگان، خاطرات خوشی برای کودک ایجاد کنند؛ همچنین با سهیم کردن کودکان در تهیه شام، چیدن سفره و امثالهم کودکان میهمان نوازی پرورش دهند.

راه های پرورش فضائل اخلاقی در کودکان

اشاره

عواملی مانند نظرات والدین، روش های انضباطی و انتخاب ها و اختیارهای خود کودکان در شکل گیری اخلاق آن ها مؤثر است. بسیاری از والدین دوست دارند فرزندانمان داشته باشند که مقید به موازین اخلاقی باشند. اما روش هایی که به کار می برند، گاهی روش های نادرستی است که نتایج منفی را به دنبال می آورد. برخی از راه های پرورش فضائل اخلاقی در کودک عبارت است از:

ص: 150

1- . جامع الأخبار، ص 84.

2- . مستدرک الوسائل، ج 16، ص 257.

باور و شناخت ارزش های اخلاقی خود

والدین قبل از آن که ارزش های اخلاقی کودک را پرورش دهند، باید در مورد باورها و ارزش های خود شناخت مناسب داشته باشند. بنابراین بهتر است در یک فرصت مناسب به شناسایی آن ها پردازند؛ سپس آن ها را به فرزندان خود انتقال دهند و کمک کنند ارزش های اخلاقی مناسبی کسب کنند؛ به عنوان مثال والدینی که کمک کردن به دیگران را جزء ارزش های خود نمی دانند، نمی توانند این رفتار را در کودک پرورش دهند.

تقویت خدا باوری

اعتقاد به خدا و باورهای دینی، پایبندی به اصول اخلاقی را تسهیل می سازد و موجب می شود، فرد نیروی قوی تری برای دوری از اعمال غیر اخلاقی داشته باشد. بنابراین باید از همان دوران کودکی به تقویت خدا باوری در کودک پرداخت و او را با مفاهیم توحیدی و اخلاقی آشنا کرد.

تقویت ارزش ها و مسائل اخلاقی

برخی از والدین انجام رفتار بر اساس اصول اخلاقی از سوی کودکان را عادی می دانند و نسبت به آن بی توجه اند. این مسأله ممکن است موجب دلسردی فرزندان شود. بنابراین به منظور تقویت و تداوم این رفتارها، باید کودکان مورد تشویق قرار گیرند و در مقابل، در

صورت مشاهده یک عمل غیراخلاقی از آنان، والدین واکنش مناسب نشان دهند.

جلوگیری از شکل گیری عادت های ناپسند

هم چنان که باید برای شکل گیری عادت های پسندیده در کودکان تلاش کرد، لازم است زمینه پیدایش عادت های نامطلوب در آنان را نیز از بین برد. در برخی موارد زمینه پیدایش این عادت ها ندانسته، به وسیله خانواده ایجاد می شود.

به عنوان نمونه، اگر در خانواده بین کودکان تبعیض وجود داشته باشد و کودکان از توجه و محبت یکسان والدین یا یکی از آن ها برخوردار نشوند، یا موفقیت و امتیاز یکی را به رخ دیگری بکشند و او را تحقیر و سرزنش کنند، زمینه برای ایجاد حسادت تشدید می شود.

توجه به این نکته لازم است که در ایجاد و پرورش عادت های مطلوب و نیز از بین بردن رفتارهای ناپسند، باید از ایجاد محدودیت شدید، زور و اجبار خودداری کرد. در صورت استفاده از این روش ها، هر چند ممکن است رفتار مورد نظر در کودک مشاهده شود، اما این رفتار در او درونی نمی شود و در فرصت هایی که به دور از اجبار و تحمیل دیگران باشد، خواسته خود را انجام خواهد داد.

در کمین فرصت های مناسب

آموزش ارزش های اخلاقی در منزل مانند آموزش رسمی مدرسه، ساعت و زمان و برنامه مشخصی ندارد. پدر و مادر برای ایجاد

رفتارهای شایسته، باید در کمین فرصت‌ها باشند. در زندگی روزمره و در مدت زمانی که فرزندان با والدین به سر می‌برند، فرصت‌های زیادی پیش می‌آید که بتوان ذهن آن‌ها را نسبت به مسائل اخلاقی آشنا ساخت. زمان تماشای یک فیلم اخلاقی و ... فرصت‌هایی هستند که می‌توان با کودک در مورد ارزش‌های اخلاقی صحبت کرد. البته توجه به این نکته لازم است که در آموزش مسائل اخلاقی، بایستی ویژگی‌های سنی کودکان و میزان درک آن‌ها از ارزش‌های اخلاقی را مدنظر داشت.

رابطه صمیمانه و محترمانه

یکی از بهترین راه‌ها برای تقویت اخلاق در کودکان، برقراری رابطه‌ای صمیمانه و محترمانه با اوست.

عدم شکاف بین گفتار و کردار

کودکان اصول اخلاقی را تنها با شنیدن و خواندن یاد نمی‌گیرند، بلکه اصول اخلاقی باید در زندگی روزمره کودکان وارد شود تا آن‌ها را برای خود درونی کنند. بنابراین لازم است والدین دائم بر اهمیت فضیلت‌ها تأکید و بچه‌ها رفتارهای اخلاقی را تمرین کنند. توجه به این نکته لازم است که اگر پدر و مادر در گفتار از امور اخلاقی سخن بگویند اما در عمل به گفته‌های خویش بی‌اعتنا باشند، این تناقض سبب بی‌اعتمادی کودک نسبت به همه آن آموزش‌ها می‌شود و اثر زیان‌بارتر این که کودک دانستن و عمل نکردن را از پدر و مادر فرامی‌گیرد.

ص: 153

تکرار و ممارست

طبیعی است انجام هر عملی با تکرار و ممارست آسان می شود و گاه به صورت عادت درمی آید. تربیت اخلاقی کودک اغلب از راه ایجاد همین عادت ها امکان پذیر است؛ زیرا هنوز از چنان رشد فکری و روانی بهره مند نیست که بتوان از راه آموزش قواعد و ضوابط اخلاقی، به تربیت اخلاقی او پرداخت. از این رو اخلاق کودک، اخلاق مبتنی بر عادات است. بنابراین باید زمینه هایی برای او فراهم آورد که برخی امور پسندیده را در عمل تجربه کند و با تکرار آن ها، عادت های نیکو در وجود او شکل گیرد.

تهیه برنامه عملی

اگر کودکان به صورت عملی کاری انجام دهند، بهتر یاد می گیرند. بنابراین بهتر است والدین به کمک فرزندان برنامه ای تهیه کنند و سعی کنند هر روز یک رفتار یا عمل اخلاقی انجام دهند. (1)

نظارت اجتماعی

یکی از مصادیق بارز نظارت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر است. خانواده اولین محیطی است که منش فرزندان در آن شکل می گیرد، و والدین اولین مربیانی هستند که قادرند فرزندان خویش را

ص: 154

1- . ر . ک: شیوه های برخورد با کودکان محمد علی سادات ص 122-129.

باصفات نیکو آشنا سازند، و با رفتار خویش آن ها را در ترک گناهان یاری دهند.

بعضی از والدین در امر به معروف و نهی از منکر سخت گیری زیادی می کنند و بدون اینکه فرزند خود را از نظر فکری آماده سازند به این امر اقدام می کنند. گاهی والدین بدون آشنایی از شرایطی که باید در ارتباط با امر به نیکی یا جلوگیری از ارتکاب گناه فراهم کرد، دست به امر و نهی فرزندان می زنند و با یک برخورد اشتباه برای همیشه فرزند خویش را از دین و آموزه های دینی زده می کنند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«إِنَّمَّا يَاْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ عَالِمٌ بِمَا يَاْمُرُ بِهِ تَارِكٌ لِمَا يَنْهَى عَنْهُ عَادِلٌ فِيمَا يَأْمُرُ عَادِلٌ فِيمَا يَنْهَى رَفِيقٌ فِيمَا يَاْمُرُ رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى» «همانا کسی می تواند امر به معروف و نهی از منکر کند که در او سه خصلت باشد: به آنچه امر می کند، عمل کند و از آنچه نهی می کند دوری جوید، و در آنچه امر یا نهی می کند اعتدال را رعایت کند، و نرمی نشان دهد».⁽¹⁾

نکته مهمی که در این روایت گهربار نهفته است، چگونگی عمل والدین است که تأثیر فراوانی در فرزندان دارد. پدری که به فرزند خویش سفارش می کند اگر فلانی زنگ زد بگو من نیستم، نمی تواند فرزندش را از گفتن دروغ نهی کند؛ چرا که نهی زبانی را با عمل خویش

ص: 155

باطل کرده است؛ یا مثلاً والدینی که نسبت به نماز سهل انگار هستند و نماز خویش را به آخر وقت می اندازند شایستگی سفارش به فرزند خویش برای خواندن نماز اول وقت را ندارند.

نکته دیگر ملامت و رعایت اعتدال در امر به معروف و نهی از منکر از جانب والدین است، برای مثال والدین و مخصوصاً مادر برای تشویق کودک به اولویت نماز نسبت به غذا خوردن می تواند سفره را پهن کند سپس سجاده اش را باز کرده و قبل از خواندن نماز، کودک خود را بین خوردن غذا و خواندن نماز، آزاد گذارد و خودش به خواندن نماز بایستد. با این عمل بعد از مدتی کودک کنار مادرش می ایستد و شروع به خواندن نماز می کند. به عبارت دیگر کودک از دوران کودکی با رفتار مادر به اهمیت نماز اول وقت پی می برد و در سال های بعد عمل او را عاشقانه تکرار می کند.

گاهی نیز بعضی از والدین به قدری عجول هستند که فکر می کنند کودک به محض فرمان به انجام یا ترک کاری باید فوری عمل کند، در غیر این صورت میزان ابراز محبت کم می شود، و یا حتی برخورد لفظی و یا تنبیه بدنی برای کودک خطاکار از جانب والدین در نظر گرفته می شود.

گاهی والدین کودک خود را کاملاً رها می سازد و هیچ نوع امر به معروف و نهی از منکر در قبال او انجام نمی دهند.

بنابراین در سفارش به نیکی ها و جلوگیری از گناهان در خانواده، والدین می باید از شیوه های مؤثر استفاده کنند تا به نتایج مفیدی در تربیت کودکان خویش دست یابند. برخی از روش های مفید امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از:

- جلب عاطفه و محبت: در امر به نیکی و دوری از گناه، اگر جنبه عاطفی آن رعایت شود و فرزند بداند که والدین، او را با تمام خوبی ها و کاستی ها دوست دارند، و از محبت آن ها لبریز شود، با آگاهی از شادی والدین از عمل نیک خویش و ناراحتی آن ها از عمل زشت خود، سعی می کند با روی آوردن به نیکی آن ها را خشنود سازد.

- جایگزین کردن عمل دیگر: اگر والدین بخواهند که کودکشان کار خاصی را انجام ندهد، تنها نباید با گفتن نکن، دست نزن، با او برخورد کنند؛ بلکه برای اصلاح او چند راه مناسب و سرگرمی صحیح را در اختیارش بگذارند تا به آن ها پردازد.

- معرفی الگو: معرفی الگو برای جذب به خوبی ها و ترک بدی ها و منکرات بسیار موثر است. در این رابطه والدین می توانند با رفتار پسندیده الگوی کودکان خود باشند و یا با معرفی و تقدیر و تشویق الگوهای شایسته زمینه جذب کودکان به آن ها را فراهم کنند.

- ایجاد انگیزه: والدین با آگاه ساختن کودکان نسبت به پاداش کارهای پسندیده و کیفر امور ناپسند و همچنین با آشنا کردن آنها به

الطاف الهی نسبت به کسانی که از گناه دوری می کنند، می توانند در آن ها نسبت به انجام نیکی ها و ترک بدی ها رغبت و انگیزه ایجاد کنند

- تشویق و ترغیب: تشویق موجب رغبت و دلگرمی و نشاط و تحرک می شود و کودک را به تلاش مضاعف برای انجام امور خیر و ترک اعمال نهی شده وا می دارد. کودکی که مورد تشویق قرار می گیرد، احساس آرامش و رضایت خاطر و اعتماد به نفس می کند و برای جدیت بیشتر و تحمل دشواری ها آماده می گردد. برعکس نكوهش موجب دلسردی و بی رغبتی می شود و کودک احساس حقارت و ضعف می کند.

تربیت دینی

اشاره

فطرت اولیه انسان، سرمایه ای است که خداوند به منظور تأمین سعادت بشر، از کودکی در نهاد او قرار داده است.

در سخن زیبایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله درباره فطرت پاک انسان آمده است که:

«كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنصَّرَانِهِ وَ يُمَجَّسَّانِهِ» «هر نوزادی بر فطرت خود (توحید) متولد می شود. این پدر و مادر (و عوامل بیرونی) هستند که او را یهودی یا نصرانی یا مجوسی می کنند»⁽¹⁾.

ص: 158

کودک، قبل از آنکه از راه عقل به وجود خداوند پی ببرد از راه فطرت به خداوند توجه دارد. پس بدون نیاز به ادله عقلی و نقلی آماده پذیرش تربیت دینی است؛ اگر فطرت کودک، با پرورش صحیح و عالمانه تقویت شود و به فعلیت درآید، اساس سعادت فرد پایه گذاری و تا پایان زندگی، ضامن خوش بختی او خواهد شد. بنابراین لازم است پدر و مادر از بیداری فطرت ایمانی و احساسات کودک حداکثر استفاده را بکنند و از همان ابتدای طفولیت، ایمان به خدا و سجایای اخلاقی را در کودک خود پرورش دهند تا فرزند پاک نهاد به جامعه عرضه کنند.

مسئولیت تربیت دینی فرزند

پدر و مادر نسبت به تربیت فرزندانشان مسئول اند و تربیت فرزندان حقی بر گردن آن هاست. امام سجاد علیه السلام درباره این حق فرزند می فرماید:

«و اما حق فرزندت بر تو این است که بدانی وجود او از توسل و اعمال نیک و بد او در این دنیا وابسته به توسل، تو در برابر خوب تربیت کردن و راهنمایی کردن او به سوی پروردگار و اطاعت وی مسئول هستی، پس عمل تو درباره او، همانند عمل کسی باشد که

ص: 159

می داند در نیکی کردن به او، پاداش و در کوتاهی نسبت به او، کیفر می بیند.»(1)

آموزه های اسلامی، بازگوکننده این مطلب است که والدین نباید نسبت به ادای حقوق فرزند به ویژه حق تعلیم و تربیت دینی بی اعتنا باشند و از تربیت فرزند خود شانه خالی کنند. کسانی

که سعادت و خوشبختی ابدی فرزندانشان را خواستار هستند، باید آنان را بر اساس تعالیم صحیح دینی تربیت کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله به بعضی از کودکان نظر افکند و فرمودند:

«وَيْلٌ لِأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ» «وای به فرزندان آخر زمان از پدرانشان!

شخصی گفت: یا رسول الله از پدران مشرکشان؟

فرمود: «نه، از پدران مؤمنشان. چرا که به فرزندان خود، چیزی از فرائض دینی را به آنها یاد نمی دهند و اگر فرزندان، هم پی فراگیری بروند، آنها را منع می کنند و تنها از این خشنودند که آنها درآمد مالی

ص: 160

1- . من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 622.

داشته باشند هر چند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند! (1).

زمان آشنایی با مسائل دینی

وجود کودکان برای پذیرش تعالیم دینی و اخلاقی مانند زمین حاصل خیزی است که هر بذری را در خود می پرورد. بنابراین والدین باید از همان ابتدا کودک خود را با ایمان پرورش داده و دل او را متوجه یاد خدا و محبت پیشوایان الهی سازند. طبق آنچه دین مبین اسلام بیان می دارد، بهترین و مناسب ترین دوران تعلیم و تربیت، دوران کودکی و نوجوانی است؛ زیرا هر تعلیم و تربیتی که در این دوران حساس به انسان داده شود، در جانش رسوخ کرده، جزئی از وجودش می شود.

از دیگر سفارش های مهم اهل بیت علیهم السلام، تسریع در امر آموزش احادیث و علوم و معارف دینی به فرزندان است تا در سنین جوانی آمادگی لازم برای رویارویی و مقابله با افکار انحرافی و الحادی را داشته باشند و با درک درست، روشن و عمیقی که از معارف اسلامی پیدا می کنند، هرگز تحت تأثیر این گونه اندیشه ها قرار نگیرند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

ص: 161

«بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسَّ بِكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِئَةُ» «هرچه زودتر معارف اسلامی را به فرزندان خود بیاموزید قبل از آن که منحرفان بر شما سبقت گیرند و عقیده آنان را منحرف کنند».(1)

همچنین حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

«... فَبَادِرْتِكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَيَشَّ تَغْلَ لُبُّكَ» «... من نسبت به تربیت و تأدیب تو شتاب کردم، قبل از آن که دلت سخت شود و عقلت مشغول گردد».(2)

هنگامی که انسان به سن رشد و بلوغ می رسد، تحت تأثیر تعالیم، افکار، آداب و عادات مختلفی از محیط قرار می گیرد؛ اگر در این دوره پدر و مادر بخواهند مفاهیم تازه ای به فرزندان خود آموزش دهند، به علت اینکه دوران «تأثیر پذیری» یعنی دوران «کودکی و نوجوانی»، سپری شده، ذهن، حوصله پذیرش و گنجایش برخی تعالیم جدید را ندارد. از این رو، این تعالیم یا در آینه وجود، منعکس نمی شوند و یا انعکاسی کم رنگ و بی دوام خواهند داشت. بنابراین آموزش عقاید و احکام و اخلاق اسلامی باید در زمان مناسب خود شروع شود؛ البته بهتر است که آشنایی کودک با مسائل دینی به صورت تدریجی و به

ص: 162

1- . الکافی، ج 6، ص 47.

2- . نهج البلاغه، نامه 31.

دور از هر گونه فشار و اجباری باشد؛ تعالیم اسلامی نیز توصیه‌هایی در این زمینه دارد از جمله:.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«وقتی کودک سه ساله شد، از او بخواهید که هفت بار «لا اله الا الله» بگوید. سپس او را به حال خود واگذارید تا به سه سال و هفت ماه و بیست روزگی برسد. در این هنگام به او آموزش دهید که هفت بار بگوید: «محمد رسول الله» و سپس تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید. در آن هنگام از وی بخواهید که هفت مرتبه «صلی الله علی محمد و آل محمد» را تکرار کند و سپس تا پنج سالگی درنگ کنید. در این وقت اگر کودک راست و چپ خود را تشخیص داد او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید. در شش سالگی رکوع و سجود و دیگر اجزاء نماز را به او آموزش دهید. وقتی هفت سال او تمام شد به او بگویید دست و صورت خود را بشوید (و به تدریج وضو گرفتن را بیاموزد) سپس به او بگویید نماز بخواند. آنگاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود. در این هنگام وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و او را به نماز خواندن وادارید...»⁽¹⁾.

پیداست که این دستورالعمل مربوط به پسران است و دختران که زودتر به سن تکلیف می‌رسند باید قدری زودتر از نه سالگی فرائض

ص: 163

1- . مکارم الأخلاق، ص 222.

دینی را فراگیرند تا انس و عادت لازم، پیشاپیش در آنها به وجود آید به گونه ای که در زمان تکلیف انجام عبادات برای آن ها دشوار نباشد. لازم به ذکر است که واداشتن کودکان به انجام تکالیف باید با نرمی و مهربانی و تشویق همراه باشد، تکالیف سخت و دشوار از آن ها خواسته نشود و در عین حال والدین با جدیت در این موارد عمل کنند؛ به طوری که کودک احساس نکند که تکالیف دینی اموری جدی یا ضروری نیستند.

آشنایی معارف اسلامی و پیشگیری از انحراف او

بسیاری از توصیه های تربیتی و اخلاقی معصومین برای تربیت فرزند جنبه پیش گیری دارد. به پدر و مادر بسیار سفارش شده است که فرزندان خود را به گونه ای تربیت کنند که محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه وآله با جان آنها عجین شود، و یا بخشی از وقت خود را برای پاسخ به سؤالات مذهبی کودکان اختصاص دهند و آنان را با معارف اسلامی آشنا سازند. این تعلیمات اگر به صورت مطلوب و اثربخش به کودکان منتقل شود، از همان اوان کودکی نقش مهمی در جلوگیری از کج روی ها و انحرافات اخلاقی و عقیدتی آنان دارد و ضامن سلامت روانی و فکری فرزندان خواهد بود. در سیره پیشوایان دینی این امر بسیار مشهود است به عنوان نمونه:

ص: 164

حضرت علی علیه السلام سؤالات زیادی را با دو فرزند خود امام حسن و امام حسین علیهما السلام مطرح می فرمودند و پاسخ آن ها را جویا می شدند. شخصی به نام حارث اعور روایت می کند:

روزی امیر مؤمنان علیه السلام از دو فرزند خود امام حسن و امام حسین علیهما السلام پرسیدند:

«مَا بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالْيَقِينِ؟...»

«مرز بین ایمان و یقین چیست؟»

پس هر دو سکوت اختیار کردند.

به امام حسن علیه السلام فرمودند:

«ای ابو محمد! تو جواب بده.»

امام حسن علیه السلام عرض کردند:

«بین ایمان و یقین یک وجب فاصله است.»

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«چگونه؟»

امام حسن علیه السلام پاسخ دادند:

«زیرا ایمان آن است که با گوش های مان آن را شنیده و با قلب آن را تصدیق کرده باشیم، ولی یقین آن است که با چشمان خود دیده ایم و به وسیله آن به وجود چیزهایی که از ما پنهان است استدلال کنیم»⁽¹⁾.

ص: 165

از جمله مسائل دیگری که امیر مؤمنان علیه السلام از فرزندش امام حسن علیه السلام پرسید این بود:

«يَا بُنَيَّ مَا السَّفَهُ»

«فرزندم! بی خردی چیست؟»

امام حسن علیه السلام فرمودند: « قَالَ اتَّبَاعُ الدُّنَا وَ مُصَاحِبَةُ الْغُوَاهِ »

«پیروی از فرومایگان و معاشرت با گمراهان». (1)

زید بن علی علیه السلام می گوید:

به پدرم زین العابدین علیه السلام گفتم پدر جان از جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله برایم سخن بگوی، از آن هنگام که او را به آسمان بردند و پروردگارش او را به پنجاه نماز دستور داد؛ چرا از خدا برای امتش تخفیف نخواست تا این که موسی بن عمران علیه السلام به آن حضرت گفت: از خدا تخفیف بخواه زیرا امت تو تحمل چنین چیزی را ندارند.

امام سجاد علیه السلام در پاسخ به فرزند خویش فرمودند:

«فرزندم! پیامبر خدا صلی الله علیه وآله کسی نبود که بعد از امر پروردگارش برگردد و از او چیزی بخواهد و وقتی که حضرت موسی از ایشان درخواست کرد و شفیع امت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شد، پیامبر رد چنین درخواستی را سزاوار ندانست. از این رواز پروردگار

ص: 166

عالم درخواست تخفیف نماز برای امت خود کرد و خداوند پنجاه نماز را به پنج نماز تخفیف داد.»

زید گوید:

عرض کردم پدر جان چرا بعد از کم شدن نمازها باز هم درخواست تخفیف نکرد.

امام علیه السلام فرمودند:

فرزندم! پیامبر صلوات الله علیه می خواست با احتساب اجر آن پنجاه نماز برای امتش تخفیف گرفته باشد زیرا خداوند می فرماید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» «هر کس کار نیکی انجام دهد ده برابر به او پاداش دهند». آیا نمی بینی هنگامی که آن حضرت به زمین هبوط کرد جبرئیل بر او نازل گشته و به وی گفت:

ای محمد! پروردگارت سلام می رساند و می گوید این پنج نماز به جای آن پنجاه نماز است.

«مَا يُدَلُّ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَ مَا أَنَا بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ» وعده من عوض نمی شود و من بر بندگان ستم نمی کنم.»

زید گفت:

عرض کردم پدر جان آیا چنین نیست که خداوند با مکان توصیف نمی شود؟

حضرت فرمود:

«آری فرزندم همین طور است.»

ص: 167

زید گفت:

پس فرمایش حضرت موسی به پیامبر اکرم صلوات الله علیه که فرمود: «به نزد خدایت برگرد» چگونه توجیه می شود؟

امام علیه السلام فرمود:

«این نظیر همان است که ابراهیم علیه السلام فرمود:

«وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ» «من به سوی پروردگار می روم، او مرا راهنمایی خواهد کرد».

یا نظیر آن چه حضرت موسی علیه السلام گفت:

«... وَ عَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى» «ای پروردگار من، من به سوی تو شتافتم تا خشنود گردی».

و معنایش قول خداوند است که فرمود:

«فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ» «پس به سوی خدا بگریزید».

«فرزندم! کعبه خانه خداست و هر که خانه خدا را زیارت کند بی تردید به سوی خدا رفته است. همچنین مساجد خانه های خداوند است و هر که به طرف آن ها برود گویی به طرف خدا رفته است. همچنین نمازگزار تا وقتی که در حال نماز است در محضر خدا ایستاده است و کسانی که در عرفات وقوف کرده اند در مقابل خدا ایستاده اند. در آسمان ها برای خداوند سرزمین هایی است و هر که به آسمان ها عروج کند و به آن سرزمین ها راه یابد، مثل آن است که به سوی خدا

ص: 168

عروج کرده است. آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید: «تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ...» «فرشتگان و روح بدان جا فرا روند».

و نیز «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» «سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند و عمل صالح آن را بالا می برد».⁽¹⁾

برداشت از مفاهیم دینی و چگونگی پاسخ به پرسش های او

اشاره

در دوران کودکی برداشت کودکان از مفاهیم دینی همچون خدا، قیامت، مرگ، معجزه و امثال آن، با آنچه بزرگ ترها از این مفاهیم دارند متفاوت است. برداشت آن ها از مفاهیم دینی، مادی است. افرادی همچون آموزگاران، معلمان دینی، مربیان پرورشی که در زمینه آموزش دینی کودکان کار می کنند، باید با این مطلب آشنایی کامل تری پیدا کنند تا بدانند چه مطالبی از مباحث دینی را، با چه زبان و روشی و در چه مرحله ای از رشد، به کودکان بیاموزند تا هم آن ها قادر به فهم آن مطالب باشند و هم مطالب گفته شده به برداشت های زیان بار منجر نشود.

مفهوم خدا

از مسائل مهمی که کودکان پیوسته درباره آن سؤال می کنند، مسأله خدا و پرسش های مربوط به آن همانند خدا چیست؟ چه کسی آن را به وجود آورده؟ چرا خداوند قابل مشاهده نیست؟ در این موارد برای

ص: 169

1- . من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص: 198 و 199.

والدین و مربیان لازم نیست از پاسخ های دقیقی که مسلماً قابل فهم برای کودک یا متناسب با سن او نیست، استفاده کنند و از سوی دیگر نباید از اینکه برداشت کودک از مفهوم خدا دقیقاً مطابق با واقعیت نیست، بیمناک شوند، بلکه به واسطه برخی راه کارها که در این قسمت پیشنهاد می شود می توانند پاسخ مناسبی به کودک خود بدهند:

- بهتر است کودک را با تخیلات خود آزاد گذاشت و در صورت لزوم، برخورد سلبی با آن کرد؛ یعنی مثلاً اگر کودک می پرسد خدا چگونه است، می توان به او گفت: «خدا مثل ما و یا سایر مخلوقات نیست؛ او خالق و آفریننده ما و همه است». همچنین می توان بر اساس آیات قرآن به او پاسخ داد. برای مثال با بیان عبارت های قرآنی از قبیل «وَهُوَ الرَّحِيمُ» «او مهربان ترین مهربانان است» (1) می توان

مهربانی خدا را برای کودک به صورت ملموس و با استفاده از مثال های عینی توضیح داد؛ مثلاً «همان طور که من تو را دوست دارم و تو مرا دوست داری خداوند نیز ما را دوست دارد و همیشه همراه ما است».

- می توان برای کودک بیان کرد که بسیاری از چیزها دیده نمی شوند، ولی وجود دارند و نمی توان وجود آن ها را انکار کرد. مانند هوا و عقل و...؛ بنابراین خدای متعال هم قطعاً وجود دارد، اما دیده نمی شود.

ص: 170

- کودکان بسیار به قصه و داستان علاقه دارند. با ساده سازی حکایات و داستان های قرآنی و مذهبی می توان پیام های دینی را به طور غیرمستقیم و به آسانی به آن ها منتقل کرد. مانند داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و بحث های او با مشرکان و بت پرستان و استدلال های زیبای آن حضرت برای اثبات خدا و یگانگی او.

از سوی دیگر، نباید با کودکان زیاد درباره مجازات اعمال در جهان آخرت یا خشم خدا نسبت به تبهکاران و امثال آن سخن گفت؛ چراکه روح حساس و ناتوان کودکان طاقت تحمل این گونه آموزش ها را ندارد. این تعالیم برای بزرگ سالانی است که تسلیم نفس سرکش شده و مرزها را در هم شکسته اند.

شیوه هدایت و تبلیغ پیشوایان معصوم علیه السلام این بود که با هر فردی به اندازه درک و فهم او سخن می گفتند؛ به عنوان مثال در سیره رفتاری امام صادق علیه السلام مشاهده می شود که در مسأله اثبات خدا برای کسی که اهل علم بود از استدلال های پیچیده فلسفی استفاده می کرد و برای کسی که اهل علم و دانش نبود مسأله امامت را در قالب مثال گله و چوپان بیان می کرد. (1)

ص: 171

1- مقاله: «نقش خانواده در تربیت مذهبی فرزندان»، سید حسین علیا نسب، کتاب مجموعه مقالات همایش تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج 1، ص 57.

اغلب کودکان به دوره تفکر مذهبی نرسیده اند و ذهن آنان قدرت کافی برای درک مسائل و ادله پیچیده را ندارد و از هر استدلالی برای اثبات خداوند یا هر جنبه ای از دین که فراتر از توانایی های ذهنی آن ها باشد، برداشت های ساده، مطلق و غیرواقعی دارند و اغلب از معنای ظاهری جملات فراتر نمی روند. زمانی هم که در درک مسأله شکست بخورند، این شکست را متوجه استدلال و بطلان اصل مسأله می دانند.

در روایات آمده است که خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی کرد: «عشق و علاقه مرا در دل های بندگان من وارد کن». پرسید چگونه؟ فرمود: «با یادآوری نعمت های من»؛ «اذْکُرْ لَهُمْ نِعْمَائِي» (1)

انسان خود و کسی که به او نیکی کند را، دوست دارد؛ بنابراین برشمردن نعمت های الهی و از نیکی و بخشش و احسان خداوند با کودکان سخن گفتن، مناسب ترین راه برای آشنا ساختن دل های آنان با پروردگار خویش است.

مفهوم مرگ

آگاهی کودکان از اموری چون مرگ، بیماری، رنج، ناکامی و ناامنی یکی از نیازهای اساسی آنان برای کسب مهارت های بهداشت روانی است، که می تواند، آن ها را در شناخت درست زندگی و درک قدر و ارزش سلامتی، آسایش، لذت و امنیت یاری رساند.

ص: 172

کودکان در سنین مختلف برداشت های متفاوتی از مفهوم مرگ دارند و در زمان مرگ عزیزان خود بیشتر اوقات نشانه هایی از خود بروز می دهند که با روش سوگواری بزرگ سالان متفاوت است؛ اما این تظاهرات از هفت سالگی به بعد بسیار شبیه به واکنش های بزرگ سالان می شود که به برخی از نشانه های آن ها اشاره می شود:

نشانه های عاطفی و روانی

ناامیدی، عدم تمرکز، خود آزاری، بی اعتقادی و پوچ گرایی، تصویر منفی از خود و دیگران، ناتوانی در تصمیم گیری، احساس خشم و اندوه، خود ملامت گری و احساس گناه، اضطراب، ترس از مرگ، عصبانیت، افسردگی، غمگینی، ناتوانی، نوسان خلق، احساس تنهایی.

نشانه های بدنی

سردرد، تپش قلب، خستگی، احساس سنگینی، کوفتگی، کندی تنفس، خشکی دهان، سرگیجه، لرزش، تهوع، تنگی قفسه سینه، معده درد و ضعف عضلانی.

نشانه های رفتاری

اختلال در خواب، کابوس شبانه، اختلال در اشتها، کناره گیری و انزوا، وسواس، گریه، بی قراری، بیش فعالی، تهاجم کلامی، ناخن جویدن، شب ادراری، وابستگی مفرط.

به هر حال، آنچه در اثر این گونه فشارها، ساختار روانی کودک را دچار دگرگونی می کند، پیامدهای آسیب زایی است که در دوران بعدی

رشد ظاهر می شود. اگر از این گونه آسیب ها پیش گیری نشود، احتمال اختلالات روان رنجوری و احتمالاً روان پریشی های پیش رفته وجود دارد. (1)

با توجه به مطالب ذکر شده، رفتار مناسب با کودک در مورد مسأله مرگ اهمیت می یابد. بنابراین والدین بهتر است ضمن ابراز حمایت عاطفی و معنوی خود نسبت به کودک، به سؤالات او پاسخ دهند و از جواب دادن طفره نروند؛ چون این کار باعث اضطراب و سردرگمی بیش تر کودک می شود. توجه و عمل کردن به توصیه های ذیل می تواند کمک فراوانی به والدین در این زمینه بکند:

- اگر کودک سؤالی نظیر من کی می میرم؟ پرسد؛ بهتر است به او بگویند هیچ کس نمی داند، ولی بیشتر انسان ها زمان خیلی زیادی زندگی می کنند. اگر پرسد مامان، تو کی می میری؟ منظور کودک از این سؤال این است که آیا تو از من مراقبت می کنی؟ بنابراین بهتر است به او بگوید: مامان قوی و سالم است و وقت زیادی پیش تو خواهد ماند. حتی توصیه می شود به کودکان زیر ده سال گفته شود که: مامان نمی میرد، بابا نمی میرد. اگر این گونه جواب دهند که فرزندم همه ما یک روزی می میریم، برای کودک مانند این است که به او بگویند ما همین امروز می میریم.

ص: 174

- والدین باید به احساسات، نگرانی‌ها و ترس‌های کودک احترام بگذارند. در مواجهه با کودکانی که به راحتی قادر به بیان احساساتشان نیستند، می‌توانند با پیشنهادهایی مانند نقاشی کشیدن درباره آن‌چه در ذهن دارند و تشویق کردن آن‌ها به صحبت کردن درباره این موضوع، او را یاری کنند.

- بیشتر کودکان، مایل به صحبت کردن و شنیدن درباره فرد متوفی هستند. پس نباید از این امر، جلوگیری کرد.

- خاطرات، عکس و یادگاری‌های متوفی می‌تواند کودک را در زمان ناآرامی و دل‌تنگی، یاری کند. بنابراین والدین سعی نکنند خاطرات کودک را پاک کنند به خصوص اگر رابطه او با فرد متوفی، نزدیک بوده است.

- شرکت کودک در مراسم سوگواری، باعث می‌شود او با نحوه برخورد دیگران و چگونگی ابراز احساسات، روبه‌رو شود و تصورات روشن‌تری نسبت به مسأله مرگ پیدا کند.

- هیچ‌گاه نباید مرگ را به خواب تشبیه کرد؛ زیرا، باعث هراس کودک از خوابیدن خود یا دیگران می‌شود. همچنین ممکن است دچار وحشت‌های شبانه، کابوس یا دیگر اختلالات خواب شود.

- هیچ‌گاه نباید مرگ را به سفر تشبیه کرد؛ زیرا، باعث هراس کودک از سفر و چشم‌انتظاری او برای بازگشت فرد متوفی می‌شود. با دادن

پاسخ هایی نظیر این که «او در دنیای دیگر در راحتی به سر می برد»، می توان به نگرانی های او درباره فرد متوفی پاسخ داد.

- والدین باید مرگ را به صورت امر واقعی و عینی برای او توضیح دهند؛ مثلاً بگویند: پدر بزرگ پیر و مریض شده بود و بدنش قادر به کار کردن نبود. اما برای او توضیح دهند که هر مریضی منجر به مرگ نمی شود.

- در مورد کاربرد واژه های خداوند و بهشت با احتیاط کامل رفتار کنند تا منجر به نگرانی کودک نشود. برای مثال اگر به کودک بگویند: «مادر بزرگ الآن خیلی خوشحال است چون داخل بهشت است» کودک فکر می کند چه طور وقتی مادر بزرگ واقعاً خوشحال است، همه کسانی که در اطراف من هستند، این قدر ناراحت اند؟

- پدر و مادر سوگووار، احساسات خود را برای کودک توضیح دهند؛ چون کودک کنجکاو، تغییرات خلقی آن ها را درک می کند و اگر احساس کند که در حال مخفی کردن مسأله ای هستند نگران تر می شود.

- والدین سعی کنند کودک هر چه زودتر به زندگی و برنامه های روزمره اش برگردد، تا زودتر احساس امنیت و آرامش کند.

محبت اهل بیت علیهم السلام

یکی از مهم ترین وظایف خانواده در امر تربیت فرزندان، پرورش حس دوستی پیامبر صلی الله علیه وآله و محبت اهل بیت او است. چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید:

ص: 176

«أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ؛ حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ» «فرزندان خود را بر سه صفت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، محبت اهل بیت او و قرائت قرآن».(1)

محبت همراه با عمل به دستورات دینی می تواند سعادت و خوش بختی را برای خانواده ها به ارمغان آورد.

امام باقر علیه السلام نیز درباره دوستی اهل بیت علیهم السلام به جابر جَعْفَی می فرماید:

«يَا جَابِرُ، بَلِّغْ شِيعَتِي عَنِّي السَّلَامَ... مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَلِيُّنَا...»

«ای جابر! از طرف من به شیعیانم سلام برسان و به آنان بگو هیچ نزدیکی بین ما و خداوند وجود ندارد و نزدیکی به او حاصل نمی شود مگر به پیروی از او. ای جابر! هر کس خدا را اطاعت کند و ما را نیز دوست بدارد، دوست ماست و هر کس خدا را فرمان برداری نکند دوستی ما برای او ثمربخش نخواهد بود».(2)

اعمال عبادی

اشاره

یکی از وظایف بسیار مهم هر پدر و مادری، یاد دادن اعمال عبادی به فرزندان است. اگر این کار به صورت اصولی و منطقی انجام شود، می تواند در ممانعت و بازدارندگی کودک از انحرافات اخلاقی و عاطفی

ص: 177

1- . کنز العمال، ج 16، ص 456.

2- . الامالی، طوسی، ص 296.

نقش مهمی داشته باشد و باعث شود کودک در بزرگ سالی فردی متدین و دارای شخصیتی ارزشمند شود. اعمال عبادی، شامل مواردی همچون آموزش نماز، قرآن و دعا است که در ذیل به آن ها پرداخته می شود:

نماز خواندن

هدف تربیت دینی، پرورش فطرت خداجویی و خداپرستی، به قصد رهاسازی انسان از وابستگی و ذلت و اسارت به سوی آزادگی، عزت و بالندگی است. نماز که عصاره همه مسائل دینی است مصداق بارز این امر است.

لقمان حکیم خطاب به فرزند خویش می فرماید:

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ» «پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است»⁽¹⁾.

امام علی علیه السلام نیز می فرمایند:

«مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ اِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلٰى تَرْكِهَا اِذَا بَلَغُوا تِسْعًا» «کودکان را در سن هفت سالگی به نماز تمرین دهید تا

ص: 178

1- . سوره مبارکه لقمان، آیه 17.

عادت کنند؛ و اگر در سن نه سالگی نماز را ترک کردند آن ها را تنبیه کنید». (1)

ایشان همچنین می فرمایند:

«عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَ خُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا» «به کودکان خود نماز یاد دهید و آنگاه که بالغ شدند از آنان بازخواست کنید». (2)

همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ فِي الصَّلَاةِ وَإِلَى جَانِبِهِ الْحَسَنُ بْنُ فَكْبَرٍ رَسُولُ اللَّهِ...» «روزی پیامبر صلی الله علیه وآله قصد خواندن نماز داشت و امام حسین علیه السلام در کنار جد بزرگوارش درصدد همراهی با آن حضرت بود. پیامبر صلی الله علیه وآله تکبیر گفت و امام حسین علیه السلام نتوانست آن را تکرار کند. پیامبر صلی الله علیه وآله تکبیر دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم را گفت. در نهایت برای هفتمین بار، تکبیر امام حسین علیه السلام صحیح ادا شد و نماز آغاز گردید». (3)

از امام باقر علیه السلام در مورد کودکانی که برای نماز واجب در صف جماعت شرکت می کنند، سؤال شد امام فرمودند:

ص: 179

1- . بحار الأنوار، ج 85، ص: 134.

2- . وسائل الشیعه، ج 4، ص 21.

3- . وسائل الشیعه، ج 6، ص 20.

«قَالَ لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ» «آنان را از صفوف نماز جماعت خارج نکنید، بلکه آن‌ها را (در میان بزرگسالان) پراکنده سازید». (1)

با توجه به مطالب مذکور، آموزش نماز و تشویق کردن کودکان به انجام این فریضه از اهمیت بسزایی برخوردار است. والدین باید با سرمشق قرار دادن سیره عملی نبی اکرم صلی الله علیه وآله و ائمه اطهار علیهم السلام و با صبر و حوصله فرزندان خود را به نماز وادارند.

برای نمازخوان کردن کودکان، والدین نخست باید از ویژگی تقلید پذیری کودک استفاده کنند؛ به عنوان مثال ترتیبی بدهند تا نماز خواندن اعضای خانواده در معرض دید کودکان خردسال قرار داشته باشد. سپس باید تعقل و اندیشه فرزندان را به کار گیرند. همچنین ایجاد انگیزه و تحریک عواطف و احساسات، نیز در این زمینه بسیار مؤثر است. برخی از شیوه‌هایی که رغبت و انگیزه نماز خواندن را در کودک افزایش می‌دهند عبارتند از:

1. آگاه کردن کودک از محبت خداوند

بهتر است با کودک در مورد لطف و محبت پروردگار و اینکه مهربانی خداوند، از همه، حتی پدر و مادر نیز بیشتر است؛ صحبت کنید. همچنین با معرفی نماز به عنوان بهترین شیوه مهرورزی به پروردگار، انگیزه و رغبت به آن را در کودک ایجاد کرد.

ص: 180

2. بیان آثار نماز برای کودک

بیان برخی از آثار نماز مانند توجه ویژه خداوند به نمازگزار، مباحات خداوند بر فرشتگانش نسبت به نمازگزار، همچنین توصیف بهشت و نعمت های آن به زبانی کودکانه، میل و انگیزه لازم برای انجام این فریضه را در کودک خود ایجاد کنید.

3. نقل داستان های شیرین در مورد نماز

با در نظر گرفتن علاقه کودک به داستان، می توانید با نقل داستان های شیرینی از نمازگزاران، انگیزه کافی برای خواندن نماز در او ایجاد کنید. بهتر است نقش اول قصه، کودک باشد و از لفظ «نماز» به طور غیر مستقیم استفاده شود.

4. اذان زیبا و نماز خواندن با صدای خوش

بهتر است گوینده ذکر الهی و اذان، صدایی زیبا و جذاب داشته باشد؛ زیرا صدای خوش و آهنگین باعث توجه ویژه کودک می شود؛ چه بسا در او کشش قابل توجهی برای اقامه نماز با والدین ایجاد کند. در احادیث به اذان گفتن در خانه ها سفارش شده است تا فرزندان با این نغمه ملکوتی آشنا شوند. از جمله امام رضا علیه السلام می فرمایند: «أَذِّنْ فِي بَيْتِكَ فَإِنَّهُ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَيُسْتَحَبُّ مِنْ أَجْلِ الصَّبَّيَّانِ» «در

خانه ات اذان بگو که موجب دوری شیطان می شود و برای کودکان پسندیده است»⁽¹⁾.

5. ابراز شادمانی از فرا رسیدن وقت نماز

کودک با دیدن چهره مصمم و متبسم والدین هنگام نماز احساس خوشایندی نسبت به نماز پیدا می کند.

6. آماده سازی وسایل نماز برای کودک

برای ایجاد انگیزه، می توانید برای کودکان جانمازی مستقل و مشخص با رنگ روشن و زیبا آماده کنید و هنگام نماز، آن را به سوی قبله پهن کنید، درون آن تسبیح زیبا و مهری کوچک قرار دهید و به کودک تفهیم کنید که این لوازم، متعلق به اوست.

7. رعایت حال کودک

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرموده اند:

«إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرُفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّائِبِ الْمُنْبِتِ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى.»
«اسلام آیین محکم و استوار الهی و دین سهل و خالی از مشقت است. با مدارا در آن قدم بردارید و عبادت خدا را بر بندگان خدا تحمیل نکنید.»

ص: 182

همانند سواری نباشید که مرکب خود را خسته و فرسوده می کند و در نتیجه نه راه سفر را پیموده و نه مرکبش سالم مانده است.» (1)

با استناد به این حدیث زیبا، والدین نباید با انجام نماز و مستحبات طولانی، کودک را نسبت به فرائض دینی دل زده و خسته کنند. همچنین نباید توجه به نماز، باعث غفلت از نیاز کودک و مخصوصاً شیرخوار شود چنانکه امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«لَا بَأْسَ أَنْ تَحْمِلَ الْمَرْأَةُ صَبِيَّهَا وَهِيَ تُصَلِّي أَوْ تُرَضِعُهُ وَهِيَ تَشْهَدُ» «زنی که در حال نماز است، اشکال ندارد کودک خود را، در حالی که تشهد می خواند، شیر دهد.» (2)

آموختن قرآن

آموزش کتاب آسمانی قرآن در دوران کودکی و نوجوانی از اهمیت بسیاری برخوردار است و در روایات متعددی به آن سفارش شده است.

در کلام گهرباری از نبی اکرم صلی الله علیه وآله آمده است:

«مَا مِنْ رَجُلٍ عَلَّمَ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ إِلَّا تَوَجَّحَ أَبَوَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِتَاجِ الْمُلْكِ، وَكُسَيَا حُلَّتَيْنِ لَمْ يَرَ النَّاسُ مِثْلَهُمَا» «هیچ کس نیست که به فرزندش قرآن بیاموزد، مگر آن که روز قیامت، بر سر پدر و مادرش تاج پادشاهی

ص: 183

1- . الکافی، ج 3، ص 222.

2- . تهذیب الأحکام، ج 2، ص 330.

گذاشته می شود و دو لباس بر آن ها پوشانده می شود که مردم، همانند آن را ندیده اند». (1)

ایشان در جای دیگر می فرمایند:

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ، فَقَدْ أُوتِيَ الْحُكْمَ صَبِيًّا» «کسی که پیش از بلوغ قرآن بخواند، به تحقیق، در کودکی به او حکمت داده شده است». (2)

همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید:

«وَأَنْ أبتدئَكَ بتعليم كتاب الله» «تعلیم و تربیت تو را با آموزش کتاب خدا شروع کردم». (3)

دعا و ذکر

درباره اهمیت ذکر و دعا در آیات قرآن و احادیث متعدد فراوان سخن به میان آمده است که در ذیل به چند نمونه از آن ها اشاره می شود:

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ...» «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را اجابت کنم!...» (4)

ص: 184

1- . وسائل الشیعه، ج6، ص 168.

2- . کنز العمال، ج 1، ص 547.

3- . نهج البلاغه، نامه 31.

4- . سوره مبارکه غافر، آیه 60.

در جای دیگر می فرماید:

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» «پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم!...» (1)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«الدُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ؛ إِذَا قَلَّ الدُّعَاءُ نَزَلَ الْبَلَاءُ» «مغز و اساس عبادت دعاست؛ اگر دعا کمتر گردد بلا خواهد آمد» (2).

همچنین ایشان درباره ارزش دعا فرموده اند:

«الدُّعَاءُ سِيْلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» «دعا اسلحه مؤمنان و پایه و اساس دین و روشنائی آسمان ها و زمین است» (3).

از این رو شایسته است که والدین فرزندان خود را با دعا و ذکر مخصوصاً ذکر صلوات و تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام آشنا سازند.

امام علی علیه السلام درباره صلوات می فرمایند:

ص: 185

1- . سوره مبارکه بقره، آیه 152.

2- . مستدرک الوسائل، ج 5، ص 167.

3- . الکافی، ج 4، ص 301.

«كُلَّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٍ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَدَّ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» «هر دعایی در آسمان مستجاب نمی شود تا این که سلام و صلوات بر محمد و خاندانش فرستاده شود».(1)

امام صادق علیه السلام نیز در مورد اهمیت تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام فرموده اند: «تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ» «تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز بعد از هر نماز را بیشتر دوست دارم از هزار رکعت نماز در هر روز».(2)

کودک می تواند با زبان کودکانه خود با پروردگار و خالق خویش راز و نیاز کند؛ این رشته اتصال میان او و خداوند تا بزرگ سالی او را در مقابل بلاها و فتنه ها بیمه می کند و در آینده او را در برابر وسوسه ها و گناهان مقاوم خواهد می سازد.

روزه گرفتن کودکان

موضوع روزه تمرینی کودکان و نوجوانان از مسائلی است که همیشه مورد توجه امامان معصوم علیهم السلام، بوده است.

در فرهنگ اسلامی اصطلاحی به نام روزه تأدیبی وجود دارد. امام سجاد علیه السلام در تعریف این نوع روزه گرفتن برای کودکان فرمودند:

ص: 186

1- . وسائل الشیعه، ج 7، ص 96.

2- . ثواب الاعمال، ص 163.

«وَأَمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَإِنَّهُ يُؤْمَرُ الصَّبِيُّ إِذَا بَلَغَ سَبْعَ سِنِينَ بِالصَّوْمِ تَأْدِيباً وَ لَيْسَ بِفَرَضٍ» «و اما روزه تأديب از این قرار است که کودک چون به سال های نوجوانی و نزدیک به بلوغ رسید، او را به عنوان تأديب به روزه گرفتن وامی دارند، و این روزه واجب نیست».(1)

امام صادق علیه السلام در سخنی فرمودند: «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصِّيَامِ...» «ما امر می کنیم بچه های خودمان را به روزه گرفتن در وقتی که هفت ساله باشند، به هر مقدار از روز که طاقت بیاورند، اگر چه نصف روز و یا کمتر از آن باشد. پس وقتی که بر آنان تشنگی یا گرسنگی غلبه کرد، افطار می کنند، برای این که به روزه گرفتن عادت کنند و تا به پایان رساندن آن طاقت آورند. پس شما نیز به فرزندان خود دستور دهید وقتی که نه ساله شدند روزه بگیرند، به اندازه ای که طاقت داشته باشند در نگه داری آن، پس وقتی که تشنگی یا گرسنگی به آنان غلبه کرد افطار کنند».(2)

علامه مجلسی رضوان الله علیه می فرماید:

«عبادت کودکان و نوجوانان قبل از سن تکلیف برای اصلاح و تربیت آن هاست و همچنین یک نوع تمرین و آمادگی قبل از سن تکلیف است تا وقتی که بزرگ شدند و به سن تکلیف رسیدند عمل به

ص: 187

1- . الكافي (ط - دارالحدیث)، ج 7، ص 434.

2- . وسائل الشیعه، ج 10، ص 234.

دستورات دین برای شان آسان باشد، همان طوری که قبل از بزرگ شدن آن ها ادب می شوند»⁽¹⁾.

حضور در مسجد و اماکن مقدس

در مورد ثواب زیارت حرم معصومین علیهم السلام و تشریف به مکان های مذهبی و مشاهد شریفه روایات متعددی وارد شده است از جمله:

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«فَيَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَئِمَّةِ...» (الكافی، ج 9، ص 339).

«کسانی که قبور ائمه را زیارت می کنند هم نشین ما خواهند بود».

همچنین در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«إِثْبَانُهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمْدُدُ فِي الْعُمْرِ وَيَدْفَعُ مَدَافِعَ السَّوْءِ وَإِثْبَانُهُ مُفْتَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقْرَأُ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ» «به پیروانمان دستور زیارت قبر امام حسین علیه السلام را بدهید که زیادی روزی، طول عمر و رفع و دفع بدی هاست. زیارت بر مؤمنی که اقرار به امامت از جانب پروردگار دارد واجب است»⁽²⁾.

امام جواد علیه السلام نیز در مورد ثواب زیارت پدر بزرگوارشان می فرماید:

ص: 188

1- . بحار الانوار، ج 85، ص 133.

2- . تهذیب الاحکام، ج 6، ص 42.

«إِي وَاللَّهِ وَالْأَلْفِ حَجَّهِ لِمَنْ يُزُورُهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ» (زیارت با شناخت پدرم امام رضا علیه السلام معادل یک میلیون حج است)» (1)

زیارت علاوه بر این که نوعی عبادت است و راهی برای کسب فیوضات و خیرات است، می تواند اثرات تربیتی بسیاری بر کودکان داشته باشد و مایه کسب روحیه و آرامش شود. بنابراین شایسته است والدین کودکان را با خود به اماکن مقدس و مذهبی ببرند.

مسجد نیز یکی از پایگاه های مهم تربیت فرزندان است. در کلام نورانی امام علی علیه السلام به صراحت به آثار با برکت حضور در مساجد اشاره شده است؛ ایشان می فرمایند:

«مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ...» «کسی که پیوسته به مساجد رفت و آمد داشته باشد، یکی از هشت بهره نصیص خواهد شد:

نخست: برادری دینی که در راه خدا از او سود می برد.

دوم: دانشی نو و تازه.

سوم: فهمیدن آیه ای از آیات قرآن.

چهارم: شنیدن گفتاری که او را به هدایت رهنمون شود.

پنجم: رحمت الهی که انتظار آن را داشته است.

ششم: سخنی که او را از گمراهی باز دارد.

ص: 189

هفتم: ترک گناه به سبب روح خشیت و خداترسی [که در سایه آمد و شد به مسجد پیدا کرده است].

هشتم: ترک گناه به علت شرم [از برادران دینی که در مسجد با آنان پیوند خورده است]». (1)

بنابراین رفت و آمد به مساجد که از محافل سالم و مفید و از مهم ترین مراکز تأثیرگذار فرهنگی، معنوی، سیاسی، عبادی و اجتماعی در جوامع مسلمانان است، در رشد و تکامل شخصیت فرزندان کاملاً مؤثر است. اگر والدین و مربیان بتوانند فرزندان خود را با چنین مراکز و اجتماعاتی آشنا کنند و کودکان و نوجوانان با میل و رغبت به این محافل بروند به سازندگی و بالندگی و رشد روحی و روانی آنان کمک قابل توجهی خواهد شد.

از امام محمدباقر علیه السلام در مورد کودکانی که در نماز جماعت شرکت می کردند سؤال شد، امام فرمودند:

«لَا تُؤَخِّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ» «آنان را از صف های جلو به قسمت عقب صف نماز جماعت نفرستید، بلکه آنان را در میان بزرگ سالان پراکنده سازید». (2)

ص: 190

1- . من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 237.

2- . وسائل الشيعه، ج 4، ص 21.

مسجد از منظر آیات و روایات تنها محل عبادت نیست، بلکه مکانی برای تربیت، هدایت، حکومت و سنگری برای مقابله با تهاجم شیاطین و دفاع از حریم دین مقدس اسلام است.

امام حسن مجتبی علیه السلام در حدیثی از افرادی که مساجد را ترک می کنند و در اجتماعات مسلمانان در مساجد شرکت نمی کنند انتقاد می کنند و آنان را به غفلت و بی خبری نسبت می دهند. از سخنان ایشان است که:

«الْغَفْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدِ وَ طَاعَتُكَ الْمُفْسِدِ» «غفلت آن است که مسجد رفتن را ترک کنی و از انسان های فاسد پیروی کنی» (1).

در حدیثی دیگر از امام سجاد علیه السلام آمده است:

«موسی بن عمران فرمود: خداوند! روزی که سایه ای جز سایه رحمت وجود ندارد، چه کسانی را در پناه عرش خود پناه می دهی؟ خداوند به موسی وحی کرد: ... آنان که به مساجد من روی می آورند؛ آن سان که عقاب ها به آشیانه خویش باز می گردند...» (2).

خلاصه بحث تربیت:

در اسلام هدف کلی رساندن فرد به مقام عبودیت و یا پرورش عبدی صالح است.

ص: 191

1- . بحار الانوار، ج 75، ص 115.

2- . المحاسن، ج 1، ص 293.

- 1- تربیت به معنی پروردن و پروراندن از ماده ی «ربو» است و این لغت به معنای بالا رفتن، اوج گرفتن و افزودن، رشد کردن است. 2-
- تربیت رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ نمودن همه ی نیروها و استعدادهای آدمی است.
- 3- تربیت عبارت از مجموعه ی روش هایی است که از ابتدای تولد و حتی قبل از تولد باید به کاربرد تا استعدادهای نهفته در وجود انسان رشد و نمو لازم را پیدا نموده و در مسیر تکامل قرار گیرد.
- 4- تربیت عبارت است از پروردن قوای جسمی و روحی انسان برای وصول به کمال مطلوب.
- 5- تربیت کشف، به کار انداختن و بهره گیری از استعدادها می باشد.
- 6- تربیت آفرینندگی انسان توسط انسان است ولی بر اساس قواعد و ضوابط یک فکر یا یک مکتب.
- 7- تربیت گاهی توسط خود صورت می گیرد و زمانی هم توسط خود و دیگران.
- 8- تربیت یعنی سازندگی مردم و اصلاح محیط و یا ساختن شخص.
- 9- تربیت ایجاد ملکات از طریق عادت یا اختیار یا ملکه «فن تشکیل عادت».
- 10- تربیت به معنی تهذیب و زدودن یا رشد و افزایش استعمال شده که به معنی زدودن خصوصیات ناپسند اخلاق است.

- 11- تربیت عملی است عمدی و آگاهانه و دارای هدف از سوی فردی بالغ به منظور ساختن، پروردن و دگرگون کردن فرد. 12- تربیت ایجاد عمل یا عکس العمل مناسب در برابر برخی از عمل های رفتاری است.
- 13- تربیت تعدیل یا افزایش خواهش های طبیعی و تنظیم کیفیت بهره برداری از نیروی غریزی است.
- 14- تربیت عبارت است از انتقال سنن و آداب و رسوم و مهارت ها و فرهنگ یک جامعه به اعضای جوان تر و یا انتقال میراث اجتماعی.
- 15- تربیت عبارت است از تحول و انتقال یا پرورش سرمایه تمدن از نسلی به نسل دیگر که خود موجب تراکم و ترقی تمدن می باشد.
- 16- تربیت امری معرفتی و ایمانی یا شناختی است و نه اطلاعاتی و شناختی.
- 17- تربیت امری جستجو مدار و مسئله مدار است و نه نتیجه مدار و پاسخ مدار.
- 18- تربیت بر اساس فطرت همان عبودیت است و عبودیت راهیابی به ربوبیت می باشد.
- 19- تربیت یعنی در خردسالان یا بزرگ سالان بعضی حالات جسمانی و عقلانی و اخلاق را ترقی دهند و آنها را برای زندگی در جامعه سیاسی و در محیط مربوط به خود ایشان مهیا سازند.

20- تربیت عبارت از فراهم کردن زمینه سازی یا ایجاد رشد حتی الامکان کامل توانائی های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان عضو جامعه ای مبتنی بر همبستگی و تعاون است. 21- تربیت سعادت دین و دنیا و آخرت را حاصل کند، خشنودی خدا را بدست آورد و نفس اماره را مطیع اخلاق خود را مهذب نماید.

22- تربیت به معنای رشد دادن یا ربانی کردن و دادن نقش مناسب به انسان، بدانگونه که خدا ترسیم فرموده است.

23- تربیت شکل خارجی و تحقق بیرونی فطرت است.

24- تربیت همان ایجاد یا کشف یا رشد و بسط استعداد موجود و قوای مکنونه کودک است.

25- ادب و تربیت: هر که حد و اندازه هر چیزی را نگه دارد به او گویند با ادب است. اگر توسط انسان و با برنامه ی نظام یافته ای تحقق یابد در این موارد واژه ای تربیت کردن به کار برده می شود.

ولی اگر تربیت که همان ایجاد دگرگون و تحول است توسط انسان یا قصد و شعور و یا برنامه ای تنظیم یافته انجام نگیرد بلکه حوادث زندگی و روزگار، سختی ها و دشواری ها آدمی را بیدار سازد. کلمه ی ادب مورد استفاده قرار می گیرد.

26- تربیت اسلامی:

از نظر مکتب ما پرورشی است نه حفاظت. ساخت صفات است نه ساخت عادات. ایجاد خوی و ملکه است نه ایجاد انگیزه ها. تاسیس اعتقاد است نه القاء نظرات.

27- تربیت یک امر تعاونی بین مربی و مری است تا مربی خود را بسازد.

28- تربیت عبارت است از تخیله، تحلیه، تجلیه.

29- ایجاد یا زمینه سازی یا تحریک و تحریض آن توسط مربی زمینه ساز و ظهور آن است.

30- تربیت عبارت است از فن جلوگیری از تشکیل عادات و حاکمیت اراده در همه ی احوال.

31- تربیت جهت دهی یا حرکت اصلاح نفس و هدایت آن است.

32- تربیت وظیفه اساسی فن تربیت در میان یک ملت، عبارت از پیش بینی و جلوگیری انحطاط اجتماعی یا فردی یا اخلاقی است.

33- تربیت غایت محور یا مربی محور یا محور یا ساختار محور یکسان است و لیکن استعدادها مختلف است.

34- تربیت عبارت است از مراقبت یا پرورش و سرپرستی از فرآیند رشد آدمی.

35- تربیت عبارت است از یک اثر عمدی و یک طرفه یا دو طرفه از جانب بزرگسال بر روی کودک به منظور سازگار کردن او با قوانین و مقررات اجتماعی.

ص: 195

36- هدف تربیت باید توسعه یا تراکم و تحقیق ظرفیت درونی کودک باشد نه تراکم و اندوختن اطلاعات و مطالب صوری و بیرونی.

37- در روش تربیت فعال، مربی ابداع کننده و خلق کننده است، حال آنکه در روش انفعالی مربی القا کننده و ایجادکننده قالبی و صوری مفاهیم تربیتی است.

38- تربیت اصلی به وسیله خود در درون وی صورت می گیرد و پدر و مادر و مربی تنها مددیار و وسیله در اختیار گذار و مدل نما و محرک و مشوقند و پس ، همانند طبیب در معالجه بدن که کمک به بیمار می کند ولی این بیمار است که باید دقیق به نسخه طبیب عمل کند.

ص: 196

* قرآن

* نهج البلاغه

* صحیفه سجادیه

1. الإختصاص، محمد بن محمد مفید، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، چاپ اول، 1413 ق.

2. الأمالی (للصدوق)، محمد بن علی ابن بابویه، تهران: کتابچی، چاپ ششم، 1376 ش.

3. الأمالی (للطوسی)، محمد بن الحسن طوسی، قم: دار الثقافه، چاپ اول، 1414 ق.

4. الأمالی (للمفید)، محمد بن محمد مفید، محقق / مصحح: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول، 1413 ق.

5. بحار الانوار، 110 ج، محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، 1403 ق.

6. اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان (راهنمای خانواده سالم)، احمد به پڑوه، تهران: نهضت پویا، 1386 ش، چاپ هفتم.

7. بهداشت روانی، محمدعلی احمدوند، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ هشتم، 1389 ش.
8. پژوهشی در مفهوم مرگ در ذهن کودک، عبدالعظیم کریمی، تهران: قدیانی، چاپ دوم، 1384 ش.
10. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، 1404 ق.
11. تربیت سیاسی کودک، علی قائمی، تهران: شفق، 1361 ش.
12. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، 4 ج، حسین بن محمد راغب اصفهانی، محقق / مصحح: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، چاپ دوم، 1374 ش.
13. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، محقق / مصحح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، چاپ اول، 1366 ش.
14. تعلیم و تربیت در اسلام، استاد مرتضی مطهری، تهران: صدرا، چاپ سوم، 1374 ش.
15. تفسیر نمونه، 27 ج، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، 1374 ش.

16. تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، 10 ج، محمد بن الحسن طوسی، محقق / مصحح: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، 1407 ق.
17. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی ابن بابویه، قم: دار الشریف الرضی للنشر، چاپ دوم، 1406 ق.
18. جامع الأخبار (للشعیری)، محمد بن محمد شعیری، نجف: مطبعه حیدریه، چاپ اول.
19. حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، محمد جواد طوسی، قم: بوستان کتاب قم (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ هجدهم، 1391 ش.
20. خانواده و تربیت کودک، علی قائمی، تهران: امیری، چاپ پنجم، 1364 ش.
21. الخصال، 2 ج، محمد بن علی ابن بابویه، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، 1362 ش.
22. الدر النظیم فی مناقب الأئمه اللہامیم، یوسف بن حاتم شامی، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، 1420 ق.
23. الدعوات (للراوندی) / سلوه الحزین، سعید بن هبه الله قطب الدین راوندی، قم: مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چاپ: اول، 1407 ق.

24. دلائل الصدق لنهج الحق، 6 ج، محمد حسن مظفر نجفی، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، 1422ق.
25. راهنمای پدران و مادران: شیوه های برخورد با کودکان، 2 ج، محمدعلی سادات، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفدهم، 1386ش.
26. روان شناسی رشد (2) با نگرش به منابع اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، چاپ چهارم، 1385 ش.
27. زندگی به سبک روح الله، علی اکبر سبزیان، مشهد: الشمس، چاپ سی ام، 1391 ش.
28. شرایع الاسلام، 4 ج، جعفر محقق حلی، قم، دارالتفسیر، 1383 ش.
29. شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص)، محمد بن سلامه قضاعی، محقق / مصحح: جلال الدین حسینی أرموی (محدث)، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، 1361 ش
30. شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، 10 ج، عبد الحمید بن هبه الله ابن أبی الحدید، محقق / مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ: اول، 1404 ق.

31. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیہ، محمد بن زین الدین ابن ابی جمہور، محقق / مصحح: مجتبی عراقی، 4 ج، قم: دار سید الشهداء للنشر، چاپ: اول، 1405 ق.
32. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، محقق / مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دار الکتب الإسلامی، چاپ دوم، 1410 ق.
33. الکافی، 15 ج، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، محقق / مصحح: دارالحدیث، قم: دارالحدیث، چاپ: اول، 1429 ق.
34. کلیات سعدی، محمد علی فروغی، تهران: امیرکبیر، 1367 ش.
35. کودک؛ تربیت؛ زندگی از مجموعه روان شناسی تربیت کودک (3)؛ کودک و معنای زندگی، عبدالعظیم کریمی، تهران: عابد، چاپ دوم، 1387 ش.
36. کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمّه الإثنی عشر، علی بن محمد خزاز رازی، محقق / مصحح: عبد اللطیف حسینی کوه کمری، قم: بیدار، 1401 ق.
37. کنز العمال، 16 ج، متقی الہندی، مصحح: شیخ بکری حیانی، بیروت: مؤسسہ الرسالہ، 1409 ه.
38. گلبرگ زندگی، مهدی نیک خو، قم: مؤسسہ بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم)، 1386

39. کلیات مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین محمد بن شیخ بهاء الدین محمد بن حسین بلخی؛ مقدمه و شرح حال بدیع الزمان فروزانفر؛ حواشی و تعلیقات م. درویش؛ تنظیم فهرست ها حسن عمید، جاویدان، چاپ ششم، تهران، 1367 ش.

40. مجمع البحرین، 6 ج، فخر الدین بن محمد طریحی، محقق / مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، 1375 ش.

41. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران: ناصر خسرو، 1372 ش.

42. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، 10 ج، حافظ نور الدین علی بن ابی بکر الهیثمی، بتحریر الحافظین الجلیلین: بیروت: دار الکتب العلمیه، 1408 ق.

43. مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام / ترجمه تنبیه الخواطر، مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، محمد رضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1369 ش.

44. المحاسن، 2 ج، احمد بن محمد بن خالد برقی، محقق / مصحح: جلال الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامیه، چاپ: دوم، 1371 ق.

45. المحجبه البيضاء فى تهذيب الأحياء، 8 ج، فيض كاشانى، مصحح على أكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
46. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، 28 ج، حسين بن محمد تقى نورى، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ: اول، 1408 ق.
47. معانى الأخبار، محمد بن على ابن بابويه، محقق / مصحح: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1403 ق.
48. معجم الكبير طبرانى، 25 ج، حافظ أبى القاسم سليمان بن أحمد طبرانى، محقق عبد المجيد السلفى حمدى، چاپ دوم.
49. مفردات الفاظ القرآن، 4 ج، حسين بن محمد راغب اصفهانى، بيروت: دارالقلم؛ دمشق: دارالشاميه، چاپ اول، 1412 ق.
50. مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسى، قم: شريف رضى، چاپ چهارم، 1412 ق / 1370 ش.
51. من لا يحضره الفقيه، 4 ج، محمد بن على ابن بابويه، محقق / مصحح: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، 1413 ق.

52. منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، 31 ج، آقا حسین بروجردی و عده ای از فضلاء، محقق / مصحح: جمعی از فضلاء، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، 1386 ق.

53. نحن و الاولاد فی مآثر اهل بیت النبوه علیهم السلام (1 و 2)، حمزه عندلیب، مشهد: دلیل، 1384 ش.

54. نقش پدر در تربیت، علی قائمی، تهران: امیری، چاپ هفتم، 1384 ش.

55. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه وآله)، ابو القاسم پاینده، تهران: دنیای دانش، چاپ: چهارم، 1382 ش.

56. وسائل الشیعه، 30 ج، محمد بن حسن شیخ حر عاملی، محقق/مصحح: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، 1409 ق.

57. الهدایه الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت: البلاغ، 1419 ق.

1. چطور مهارت های اجتماعی را به کودکان آموزش دهیم؟، ندا نصیری، روزنامه همشهری، دوشنبه 14 تیر 1389 ش، کد مطلب: 111004.1.

2. روش های تربیت دینی، عبدالرحیم موگهی، ماهنامه پیام زن، شماره 231.

3. معیارهای سلامت روان، رامین لطافتی بریس، نشریه: رشد مشاور مدرسه، زمستان 1389، شماره 22، ص 6.

4. نقش تنبیه در تربیت از دیدگاه اسلام، مهر نوش اکبری، نشریه پیام زن، آذر 1378 ش، شماره 201، ص 86.

5. نقش خانواده در تربیت مذهبی فرزندان، سید حسین علیا نسب، کتاب مجموعه مقالات همایش تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج 1، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله علیه، 1386 ش.

6. نهادینه کردن حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان (3)، سید محمد رضا علاء الدین، فصلنامه قرآنی کوثر، ش 3.

ص: 205